

# آموزش ابتدایی

## رشد



برای آموزگاران دبستان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزشی

دوره چهاردهم / دی ماه ۱۳۸۹ / شماره ۱ پی در پی ۱۱۳  
ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات کمک‌آموزشی

مدیرمسئول: محمد ناصری  
سر دبیر: مرتضی مجدفر  
شورای برنامه‌ریزی:  
شکوه تقدیسیان  
فاطمه رضانی  
لیلا سلیقه‌دار  
یدالله رهبری‌نژاد  
ابراهیم اصلانی

مدیر داخلی: اصغر ندیری  
ویراستار: کبری محمودی  
طراح گرافیک: فریبا بندی  
نشانی دفتر مجله:  
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶  
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱  
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸  
۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۷۵)  
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

رایانامه: [ebtedayi@roshdmag.ir](mailto:ebtedayi@roshdmag.ir)

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:  
۸۸۳۰۱۴۸۲

• کد مدیرمسئول: ۱۰۲

• کد دفتر مجله: ۱۰۹

• کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱/۱۶۵۹۵

تلفن امور مشترکین:

۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۶۶۵۵

شمارگان: ۴۸۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

یادداشت سردبیر ۲: اقدام عملی، نه بازی با الفاظ! / مرتضی مجدفر

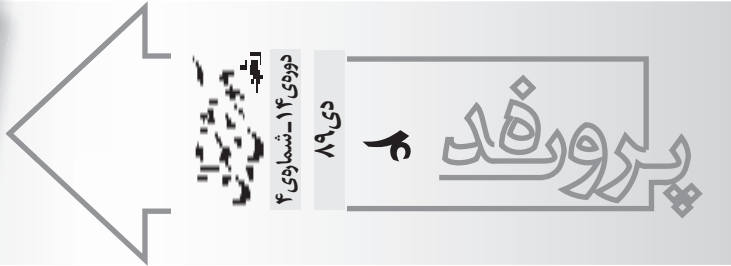
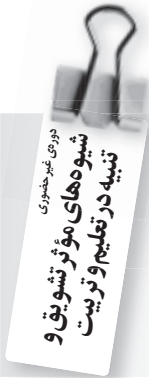
با مجله‌های دانش‌آموزی رشد ۴: فتورمان و برنامه‌ی درسی / شکوه تقدیسیان

پژوهش‌های دانش‌آموزی و آموزگاران ۶: نمایش آثار مهارت پژوهشی / دکتر لیلا سلیقه‌دار

آموزگاران بزرگ ۸: بخارای من، ایل من / مریم لرکیان

ایستگاه ۱۱: خنده‌ی خیس صبحگاهی، استعفا/ سعیده اصلاحی، مینو طاهری

آموزش ۱۲: بیدیا در کلاس درس (بخش چهارم) / مرتضی مجدفر



کتاب‌خانه‌ی مدرسه ۳۳: یاد شعرهای شیرین دبستان و... / منیره حبیب‌پور

میراث ما ۳۴: مکانی برای «زیارت» مردمان مهربان / حمید دهقان

تعلیم و تربیت ۳۶: پنج شاهراه بدن / سها دادمند

تجربه‌های سبز ۳۷: دستکش سفید/ فاطمه خسروی نجف‌آبادی

برنامه‌های درسی ابتدایی ۳۸: «برفی» کجاست؟ / حیدر خورشیدوند

تعلیم و تربیت ۳۸: با کودکان خجالتی و کم‌رو چگونه برخورد کنیم؟ / اشرف مظلوم

۴۰: آموزش و پرورش ابتدایی یا ابتدای آموزش و پرورش؟ / علی افشاری، مریم رجایی

تجربه‌های مشترک ۴۴: چیزی برای بحث در کلاس درس / ترجمه‌ی علی رؤوف

تعلیم و تربیت ۴۶: رسالت رسانه/ مهتاب خسروشاهی

ایستگاه ۴۸: کلاغ‌ها- کبوترها

### قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا فلاپی و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی وقت لازم مبذول شود. محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چه سطر تنظیم شود. کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتراژ باشد. معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

# اقدام عملی نه بازی با الفاظ!

مرتضی مجدفر

## مروری بر برخی ویژگی‌های

### مدرسه‌های یادگیرنده

به‌عنوان عاملی قدرتمند استفاده کند، نیازمند فراهم ساختن زیرساختی گسترده است. یکی از زیرساخت‌های اصلی برای مدیریت دانش، ایجاد **سازمان یادگیرنده** است. اصطلاح سازمان یادگیرنده، با مدیریت دانش متولد شده است. این مفهوم به آن اشاره دارد که دانش، محصول نهایی و قابل تحویل نیست، بلکه فرایندی است که به‌طور دائم تکامل می‌یابد. در واقع، سازمان یادگیرنده، مجموعه‌ای از افراد است که به‌طور مستمر ظرفیت خود را برای خلق شیوه‌هایی که سازمان را به اهداف خود نزدیک می‌کند، بالا می‌برند.<sup>۱</sup>

اگرچه در سازمان‌های یادگیرنده، روش‌های یادگیری قدیمی به‌یکباره کنار گذاشته نمی‌شوند، ولی تغییر در روش‌های یادگیری الزامی است. به‌طوری که استقرار مدیریت دانش در آن‌ها امری انتخابی نیست، بلکه ضرورت است. بهتر است مثالی بزنیم. سال‌هاست یکی از شیوه‌های یادگیری و توسعه‌ی حرفه‌ای معلمان، قرار دادن آن‌ها در موقعیت‌هایی است که بتوانند یاد بگیرند. کلاس آموزش ضمن خدمت، نمونه‌ای از این روش‌هاست که می‌تواند به‌صورت شرکت در کلاس فیزیکی و واقعی یا خودآموزی (خودخوانی، آموزش غیرحضور و...) اتفاق

باشد و ویژگی‌های یادگیرندگی را به تمام معنا در خود ایجاد کند»، شرح دهیم. درست است که پیش از این و از شماره‌های ۹۵ (آبان ۱۳۸۷) تا ۹۹ (اسفند ۱۳۸۷)، در سلسله مطالبی با عنوان کلی «مروری بر آموزه‌های مدرسه‌ی یادگیرنده و ارتباط آن با آموزگاران»، درباره‌ی مدرسه‌های یادگیرنده سخن گفته‌ایم، ولی این بار می‌خواهیم یادگیرنده بودن مدرسه‌ها را از زاویه‌هایی دیگر به‌گفت‌وگو بگذاریم.

امروزه صاحب‌نظران علم مدیریت معتقدند، مدرسه سازمانی دانش‌محور است و باید اساس و بنیانش بر مبنای مدیریت دانش گذاشته شود. مدیریت دانش در مدرسه، در اختیار گرفتن دانش کارکنان و حتی افراد خارج از سازمان مدرسه است تا از این طریق، انجام بهتر وظایف سازمانی و رشد و توسعه‌ی بیشتر سازمان محقق شود. مدیریت دانش کمک می‌کند اطلاعات مناسب، در زمان مناسب و برای تصمیم‌گیری‌های درست در اختیار افراد مناسب قرار بگیرد. فرایند مدیریت دانش، شناسایی دانش، تحصیل دانش، توسعه‌ی دانش، به اشتراک‌گذاری دانش، بهره‌برداری از دانش و حفاظت از دانش را دربرمی‌گیرد. برای آن که مدیر مدرسه بتواند از دانش

همان‌طور که مخاطبان گرامی مجله در جریان هستند، از شماره‌ی دوم دوره‌ی جدید (آبان‌ماه ۱۳۸۹)، در صفحه‌ی «یادداشت سردبیر»، با بیان نکته‌ی اصلی مورد تأکید در سند تحول راهبردی، وظایف آموزگاران و دبستان‌های کشور را در این زمینه به بحث گذاشته‌ایم. در سرمقاله‌ی شماره‌ی آبان‌ماه ۸۹ که با عنوان «آموزگاران و تحول» به چاپ رسید، به طرح مسئله پرداختیم و در شماره‌ی قبل (آذر ۸۹)، **ابراهیم اصلانی**، یکی از اعضای شورای سردبیری مجله، در یادداشتی، دلیل تأکید سند تحول راهبردی آموزش و پرورش بر جایگزین ساختن واژه‌ی تربیت به جای آموزش و پرورش را مورد بحث قرار داد. اکنون در این شماره از مجله و در حالی که یک‌سوم حجم صفحات اصلی رشد آموزش ابتدایی را به آموزش ضمن خدمت معلمان در زمینه‌ی روش‌های مؤثر تشویق و تنبیه با نگاهی اساسی به انگیزش اختصاص داده‌ایم، می‌خواهیم از یادگیرنده بودن سازمان مدرسه سخن بگوییم. در واقع قصد داریم نکته‌ی سوم سند تحول راهبردی آموزش و پرورش را که معتقد است: «مدرسه، قبل از آن که سازمانی برای یاد دادن باشد، باید سازمانی یادگیرنده

بیفتند. وقتی با هماهنگی واحد ارتقای نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش، ۱۶ صفحه از مجله را به موضوع تشویق و تنبیه اختصاص می‌دهیم و قرار می‌شود معلمان علاقه‌مند با خواندن انفرادی این متن، در آزمونی که از محتوای آن برگزار می‌شود، شرکت کنند، در واقع به‌نوعی بر طبل یادگیرندگی کارکنان مدارس ابتدایی کوبیده‌ایم.

این روش اگرچه سهل‌الوصول است، ولی صددرصد کارآمد نیست. از کجا معلوم آموخته‌ها درونی شوند؟ از کجا معلوم، این شیوه‌ی یادگیری در بهبود کارکنان و سپس مدارس مؤثر باشند؟ از کجا معلوم، شیوه‌های دیگر، اثربخشی بیشتری نداشته باشند؟ امروزه ایجاد تنوع در شیوه‌های یادگیری کارکنان مدارس، روزه‌های جدیدی را در یادگیرندگی سازمان‌های آموزشی پدید آورده است. می‌گویند تنوع شیوه‌ها، گسترده بودن تعداد آن‌ها و مبتنی بودن هریک بر علاقه‌ها، سبک‌های یادگیری و ویژگی‌های شخصیتی کارکنان هر سازمان، می‌تواند ما را امیدوار سازد که از هر روش، ره‌توشه‌ای بگیریم و با حاصل جمع اثرگذاری روش‌ها به سرمنزل مقصود که همان مدرسه‌ی بهبودیافته، غنی شده و یادگیرنده است، نایل شویم. در این راه باید از ظاهرسازی و تکیه‌ی صرف بر روش‌هایی که از این‌جا و آن‌جا گرفته‌ایم، خودداری کنیم. سال قبل با مدیر دبستانی در شمال شهر تهران صحبت می‌کردم. از قصد خود برای سفر دسته‌جمعی با آموزگاران در تعطیلات عید به کشور مالزی و دیدار از مدرسه‌های هوشمند<sup>۲</sup> آن کشور سخن می‌گفت. از او پرسیدم از دبیرستان هوشمند آبسال در منطقه‌ی ۴ و دبیرستان هوشمند مصاحب در منطقه‌ی ۵ تهران<sup>۳</sup> بازدید کرده‌اید؟ گفت فکر نمی‌کنم در حد مدرسه‌های مالزی باشد. گفتم از کجا می‌دانید، پاسخی نداشت. بعضی وقت‌ها، ما آن‌چه را که خود داریم، از بیگانه تمنا می‌کنیم. نمی‌گوییم ممکن بود دیدار از

مدرسه‌های هوشمند مالزی، برای کارکنان این مدرسه‌ی شمال شهری تهران، خالی از فایده باشد؛ ولی شاید یادگیرندگی بازدید از دو دبیرستان هوشمند تهران برای آن‌ها بیشتر می‌بود.

بعضی وقت‌ها به بحث گذاشتن دو تا سه صفحه از مباحث مجله‌ای ۴۸ صفحه‌ای مانند رشد آموزش ابتدایی، شاید ارزشی فراتر از یک کلاس ضمن خدمت ۲۴ تا ۳۰ ساعتی را دربرداشته باشد. درست به همین دلیل است که اکنون از درس پژوهی<sup>۴</sup>، به مثابه‌ی فرایندی برای تغییر مدرسه به سازمان یادگیرنده نام می‌برند. درس پژوهی الگویی از عمل حرفه‌ای، که پتانسیل تغییر فرهنگ و محیط مدارس را دارد و در ایجاد یادگیری ساختاری استفاده می‌شود.

درس پژوهی، نوعی پژوهش مشارکتی است که فرصتی فراهم می‌آورد تا معلمان به تبادل تجربه، برنامه‌ریزی گروهی، یادگیری مشارکتی، بحث‌های حرفه‌ای و بازاندیشی بپردازند. این فعالیت‌ها به معلمان امکان می‌دهد به‌صورت حرفه‌ای در روابط خود با دانش‌آموزان و فعالیت‌های کلاس درس درگیر شوند و بر یادگیری در حین عمل، بهبود محیط کلاس و ارتقای کیفی فعالیت‌های یادگیری متمرکز شوند. در این روش، معلمان در حضور یکدیگر تدریس می‌کنند، تدریس‌های خود را تجدیدنظر می‌کنند، بهبود می‌بخشند و از این طریق، بر یادگیری سازمانی تأکید می‌کنند.

علاوه بر درس پژوهی، گردش‌گری مدرسه‌ای هم می‌تواند در یادگیرندگی هر مدرسه مؤثر باشد. وقتی می‌گوییم گردش‌گری مدرسه‌ای، قصدمان مثل معلمان آن مدرسه‌ی شمال شهری تهران، رفتن ساده به یک مسافرت نیست، رفتنی توأم با قصد و برنامه است که اگر چنین باشد، تازه متوجه می‌شویم در مدارس خبرهایی هست که ما از آن‌ها بی‌خبریم. در دو سال قبل، موقعیتی فراروی من و تعدادی از همکاران همراهم قرار داده

شد که طی آن مجبور شدم بیش از ۱۴۵ مدرسه‌ی برتر را در سراسر کشور مورد بررسی یا بازدید قرار دهم.<sup>۵</sup> در این بررسی و بازدیدها، قریب ۹۰ پارامتری را که می‌خواستیم محک بزنیم، در مدرسه‌های تحت بررسی، مورد مشاهده قرار دادیم. روش‌ها از مدرسه‌ای به مدرسه‌ی دیگر فرق می‌کرد و من و همکارانم که مشتاق آموختن بودیم، از این همه تنوع و شیوه برای یاد گرفتن در شگفت بودیم. از این‌رو، مدیر و کارکنان مدرسه‌ی یادگیرنده، باید از مدرسه‌ی خود بیرون بزنند و چه در فضای واقعی و چه در فضای مجازی و سایبر، به گشت و گذار بپردازند. تازه آن موقع است که خواهند فهمید، چه قدر می‌توانند از دیگران یاد بگیرند (دقت می‌کنید که نمی‌گوییم چه قدر از دیگران عقب هستند)، و آن موقع است که می‌توانند در مسیر مدارس یادگیرنده گام بگذارند. در این میان، می‌توان طرح «خواهرخواندگی مدرسه‌ای»<sup>۶</sup> را هم به اجرا درآورد. براساس مفاد این طرح، هر مدرسه با دو یا چند مدرسه‌ی دیگر اعلام خواهرخواندگی می‌کند. در این حالت با امضای تفاهم‌نامه‌ی همکاری مشترک بین مدرسه‌ای، آن‌ها در تبادل آن‌چه که هریک یاد گرفته‌اند، می‌کوشند و از این طریق، باز بر بالندگی و عمق یادگیری سازمانی افزوده می‌شود.

اساس مدرسه‌ی یادگیرنده این است که ما بدانیم و قبول کنیم خیلی چیزها را نمی‌دانیم، خیلی از روش‌هایمان غلط است و تا رسیدن به بهبود مطلق، راه‌درازی را پیش‌رو داریم که روش‌هایش در میان خودمان و یا مدرسه‌های دیگر است.

گفتیم که یادگیرندگی مدرسه‌ای، بازی با الفاظ نیست. چندی پیش دوستی، نوشته‌ای را به من نشان داد که خیلی برایم جالب بود. آن روزها، بحث تغییرات ساختاری وزارتخانه و جابه‌جا شدن، حذف و تجمیع برخی بخش‌ها و راه‌اندازی مراکز جدید مطرح بود. عنوانی نوشته شده بود که از قرار می‌خواستند نام



شکوه تقدیسین

# فتورمان و بر نامه‌ی درسی

کاربردهایی برای بهره‌گیری از مطالب صفحات ۱۲ و ۱۳ شماره‌ی مهر ۸۹ مجله‌ی رشد نوآموز در کلاس درس

## اشاره

در شماره‌ی قبل، گفت‌وگوی رشد آموزش ابتدایی با سردبیر مجله‌ی رشد نوآموز، خانم **افسانه موسوی گرمارودی** را خواندید و با هدف‌های انتشار این مجله که ویژه‌ی دانش‌آموزان پایه‌ی دوم و سوم ابتدایی است، آشنا شدید. در ادامه‌ی روند مرتبط ساختن محتواهای مجلات دانش‌آموزی رشد با برنامه‌های درسی، در این شماره، خانم تقدیسین که از فرهنگیان با سابقه‌ی شهر تهران

است و علاوه بر سال‌ها تدریس و مدیریت در دوره‌ی ابتدایی، قبل از خانم موسوی گرمارودی، به مدت هفت سال سردبیری رشد نوآموز را عهده‌دار بود، یکی از مطالب رشد نوآموز شماره‌ی ۱ (مهر ۱۳۸۹) را برای بهره‌گیری در کلاس درس مورد واکاوی قرار داده است که در پی می‌آوریم. بدیهی است آموزگاران محترم، خود می‌توانند با بررسی سایر مطالب مجلات رشد و با در نظر گرفتن علاقه‌ها و بدون حذف لذت خوانش مجله توسط دانش‌آموزان، کاربردهای گوناگونی را برای مجلات به دست آورند.

در استمرار فعالیت‌های یاددهی-یادگیری و استمرار در کلاس درس، معلمان علاقه‌مند به تنوع و مشاهده‌ی بازخورد فعالیت‌های انجام شده توسط دانش‌آموزان، می‌توانند از مجله‌ی رشد نوآموز استفاده کنند. برای مثال فتورمان صفحات ۱۲ و ۱۳ رشد نوآموز شماره‌ی ۱ (مهر ۸۹) قابلیت کاربرد در هر دو پایه‌ی دوم و سوم را دارد. برای پایه‌ی سوم، با پر کردن جاهای خالی از متن تهیه شده، که در این صفحه مشاهده می‌شود، اهداف زیر قابل دستیابی است:

□ ساختن جمله‌ای کامل با کلمه‌ای که دانش‌آموز انتخاب و اضافه می‌کند.

یکی از بخش‌های وزارتخانه را آن‌گونه تغییر دهند: «اداره‌ی کل معاصر سازی و به‌روزروری دانش، توانش و بینش فرهنگیان». اول خندیدم، ولی بعد که دیدم جدی است، پرسیدم این اداره‌ی کل قرار است چه وظایفی را عهده‌دار شود. گفت همان وظایفی که پیش‌ترها آموزش ضمن خدمت عهده‌دار بود و اکنون چند سالی است که واحدهای آموزش و ارتقای نیروی انسانی در انجام آن می‌کوشند. گفتیم قرار است تغییراتی هم رخ دهد. گفت: «فکر نمی‌کنم.» در پاسخ گفتیم، تا زمانی که تفکر یادگیرندگی سازمانی و درگیر ساختن همه‌ی عوامل مدرسه در بالندگی خودشان ترویج نیابد، از بازی با الفاظ و آوردن عناوینی چون معاصر سازی دانش و توانش و بینش، هیچ مشکلی حل نخواهد شد.

مدرسه، سازمانی یادگیرنده است و در تبلور یادگیرندگی آن، همه‌ی عوامل، از مدیر و کارکنان و معلم گرفته تا اولیا و دانش‌آموزان نقش دارند.

## زیر نویس

۱. کریمی، ن. مدیریت دانش سازمانی، نیاز سازمان‌های امروز. مجله‌ی الکترونیکی. ۱۳۸۵، شماره‌ی ۳.
2. Smart School
۳. دو دبیرستان دولتی یاد شده، در ایران، از نخستین مدرسه‌هایی هستند که برای تحقق تفکر مدرسه‌ی هوشمند راه‌اندازی شدند و انصافاً از نکته‌های فراوانی برای آموختن در سازمان خود بهره‌مند هستند.
۴. دکتر ماکاتو یوشیدا (Dr. Makato Yoshida)، برای اولین بار در پایان‌نامه‌ی دکترای خود (۱۹۹۹م). واژه‌ی ژاپنی Jugyou Kenkua را به واژه‌ی انگلیسی Lesson study ترجمه کرد. دکتر محمدرضا سرکارآرانی در کتاب شکاف آموزشی (۱۳۸۳)، این اصطلاح را «مطالعه‌ی درس» نامید و دکتر مهدی رجبعلی‌پور (۱۳۸۵) آن را به درس‌پژوهی تغییر داد. اکنون دکتر یوشیدا، دکتر محمدرضا سرکارآرانی و دو ژاپنی دیگر به نام‌های م. ماتوبا و ای. شیباتا از محققان اصلی در این زمینه هستند. در نشانی [www.tc.edu.LessonStudy](http://www.tc.edu.LessonStudy) و نیز در کتاب شکاف آموزشی ترجمه‌ی دکتر محمدرضا سرکارآرانی از انتشارات مدرسه، به اطلاعات خوبی در زمینه‌ی درس‌پژوهی دست پیدا می‌کنید.
۵. پژوهش «در جست‌وجوی مدارس موفق با شاخص‌ها-ویژگی‌ها»، پژوهشگر: مرتضی مجدفر / مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در نوآوری‌های آموزشی (مرداد ۱۳۸۸ تا آذر ۱۳۸۹).
۶. برای آگاهی بیشتر در زمینه‌ی خواهرخواندگی مدرسه‌ای مراجعه کنید به: مجدفر، مرتضی. مدرسه و کیفیت‌گرایی. انتشارات مدرسه. ۱۳۸۸.



- کاربرد مناسب و صحیح کلمه با توجه به تصویر و متن
- لزوم دقت در مشاهده‌ی تصویرها، برای نوشتن جمله‌ای صحیح و معنی‌دار
- برقراری ارتباط منطقی بین جمله‌ها
- تقویت قوه‌ی تخیل و ایده‌های ذهنی دانش‌آموزان با تکمیل جمله‌ها و ادامه دادن داستان
- تمرین نوشتن متنی داستانی و تسهیل آشنایی.

\*\*\*

برای پایه‌ی دوم، شرح شفاهی داستان از روی شکل‌ها، جمله‌سازی و تمرین ریاضی قابل اجراست. این فعالیت‌ها به شرح زیر است:

- شرح و بیان تصاویر این دو صفحه‌ی مجله
- تقویت مشاهده‌ی بصری
- گسترش دامنه‌ی تخیل دانش‌آموز
- تمرین جمله‌سازی با توجه به تصاویر
- تمرین جمع و تفریق‌های اساسی
- مسئله‌سازی از تصاویر عینی.

**یادآوری:** برای پایه‌ی سوم، آموزگاران می‌توانند متن نوشته شده در مجله را تکثیر کنند و در اختیار شاگردان خود قرار دهند تا آنان با آزادی عمل بیشتر، متن را در کنار تصاویر مجله قرار دهند و جاهای خالی را پر کنند

### فعالیتی برای پایه‌ی سوم

بچه‌های عزیز! صفحه‌ی ۱۲ و ۱۳ مجله‌ی رشد نوآموز شماره‌ی یک سال ۸۹ را باز و با دقت مشاهده کنید.

متنی را که معلم شما تهیه کرده است، جاهای خالی دارد. شما باید به ترتیب شماره‌ی شکل‌ها و جاهای خالی را با کلمه‌ها یا عبارت مناسب کامل کنید و پایان داستان را خودتان بنویسید. به این صورت، خواهید دید که یک قصه‌ی قشنگ برای شکل‌های این دو صفحه (۱۲ و ۱۳) نوشته‌اید. شما هم می‌توانید یک نویسنده باشید.

۱. در شبی مهتابی و در اتاقی کوچک، دختری به نام ..... روی ..... خوابیده است. روی پاتختی اتاقش یک ..... دیده می‌شود. روی دیوار هم ..... نصب شده است. او دختری ..... است. چهره‌اش مانند گل ..... است. دخترک ..... است. و خوابش ..... او ..... را تماشا می‌کند که از پنجره‌ی اتاق و از میان سیاهی ..... به او می‌خندد و ..... می‌کند.
۲. هوا ..... است، اما ماه ..... دخترک به کنار ..... می‌رود. می‌خواهد ..... را بگیرد. ماه به او نگاه ..... شوق او را می‌بیند. یکدفعه مثل یک قاچ هندوانه می‌شود. پایین می‌آید و روی ..... دخترک می‌نشیند.
۳. دختر ..... است. می‌خندد و هندوانه را ..... می‌زند. ماه به او ..... داده است.
- ۴ و ۵. دختر کوچولو تمام هندوانه را ..... دوباره به ..... می‌رود. چشم‌هایش ..... است و منتظر ..... ماه است.
۶. او فردا صبح زود از خواب ..... می‌شود. به ..... می‌رود. روی میز آشپزخانه یک ظرف ..... است. با یک تکه ..... یک ظرف ..... و یک قاچ کماتی شکل ..... دخترک ..... می‌خورد و به ..... می‌رود.
۷. شب بعد، دوباره کناره پنجره ..... و منتظر دیدن ..... می‌شود. آرزو می‌کند هدیه‌ی شیرین دیگری از ..... بگیرد. مثل هندوانه‌ی دیشب که ..... اما شیرین بود.
۸. دخترک که از کار روزانه خسته ..... به بستر ..... اما غمگین است و فکر می‌کند که ..... (بچه‌های عزیز، بقیه‌ی داستان را هر طور که دوست دارید ادامه دهید و کامل کنید.)

### فعالیت‌هایی برای پایه‌ی دوم

۱. برای هر یک از تصویرهای ۲، ۴، ۶ و ۸ دو یا چهار جمله بسازید.
  ۲. داستان شکل‌های این صفحه را به طور شفاهی برای دوستان خود در کلاس تعریف کنید
  ۳. برای گل‌های گلدان‌های شکل‌های ۱، ۳، ۴ و ۵ چند جمع و تفریق بنویسید.
  ۴. برای گل‌های داخل گلدان در شکل‌های ۱، ۳ و ۴ یک مسئله بسازید.
- توصیه:** همکاران عزیز! این‌گونه فعالیت‌های مرتبط با برنامه‌های درسی دانش‌آموزان، به خاطر تنوعی که در شیوه‌ی کار در کلاس ایجاد می‌کنند، در رسیدن به اهداف آموزشی به شما، کمک می‌کنند و برای بچه‌ها، هم سرگرمی و هم فعالیت یادگیری محسوب می‌شوند.



# نمایش آثار مهارت پژوهشی

اشاره

معلم موفق، پژوهشگری است که به آن چه در پیرامون خود روی می‌دهد، توجه دارد. در چنین شرایطی است که او به نواقص جریانات عادی که به صورت تکراری در حال اجرا هستند، پی می‌برد و برای آن‌ها راه‌حلهایی آن در زندگی، بر حسب عادتی دیرینه و تکرار به شیوه‌ای نه چندان درست، در آموزش و پرورش اجرا می‌شود. نوشته‌ی پیش‌رو به این مهم پرداخته است.

پژوهش‌های دانش‌آموزی و آموزگار

کلیدواژه‌ها: دانش‌آموز، پژوهش، مهارت ارائه.

## نمایش پژوهش دانش‌آموزی

تا همین امروز، برگزاری نمایشگاه‌های گوناگون از ارائه‌ی مجلداتی که نشان از انجام یک تحقیق دانش‌آموزی دارند، در مدارس بسیار متداول است. گاه در کنار برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی، شاهد اجرای کنفرانس علمی توسط دانش‌آموزان نیز هستیم. روال معمول این فعالیت‌ها در اغلب موارد به گردآوری اطلاعات در ارتباط با یک موضوع محدود می‌شود. هنگامی که تلاش کنیم به سؤالات زیر پاسخ دهیم، بیشتر به نقیصه‌های موجود در روال یاد شده پی می‌بریم:

\* آیا دانش‌آموزان برای جمع‌آوری اطلاعات راهنمایی می‌شوند و در این مورد آموزش دیده‌اند؟  
\* آیا موضوعات، دغدغه‌های آنان را تشکیل می‌دهد و یا جزئی از علاقه‌مندی‌هایشان است؟

\* آیا برای یافتن موضوعات، نیازسنجی از آنان انجام شده است و سپس آنان برای انتخاب مناسب‌ترین موضوع از نظر خودشان، به مطالعه‌ی بانک ایده‌های به دست آمده هدایت شده‌اند؟

\* آیا حتی این نوع جمع‌آوری اطلاعات،

از این تعاریف، به این موضوع مربوط می‌شود که آیا آن چه دانش‌آموزان انجام می‌دهند، پژوهش است؟ به عبارت دیگر، هنگامی که با جمع‌آوری صرف اطلاعات روبه‌رو هستیم، آیا می‌توانیم آن را پژوهش تلقی کنیم؟ در پاسخ به این سؤال و با استناد به آن چه از تحقیق و پژوهش تعریف شده است، باید بگوییم که جمع‌آوری اطلاعات، تنها یکی از مراحل انجام تحقیق است و البته این مهم از مهارت‌های ویژه و اساسی در پژوهش نیز محسوب می‌شود. برای مثال، وقتی دانش‌آموز در مورد ستارگان مطالبی را جمع‌آوری می‌کند و در قالب یک گزارش پژوهشی ارائه می‌دهد، یا هنگامی که در رابطه با خوردنی‌های مفید و مضر از دیگران سؤال می‌کند و مجموعه‌ای را گرد هم می‌آورد، او جمع‌آوری اطلاعات کرده است و به همین دلیل، می‌توان به نمایشگاه ایجاد شده از این فعالیت، نمایشگاه آثار مربوط به مهارت جمع‌آوری اطلاعات دانش‌آموزان اطلاق کرد.

از آن جا که این مرحله از جمله مراحل مورد علاقه و توجه اولیای مدرسه و نیز خانواده‌ی دانش‌آموزان به حساب می‌آید، به همین دلیل، بیش از سایر مراحل تحقیق در

در حد توان دانش‌آموزان است، یا این که آن‌ها برای انجام آن، ناگزیر از دریافت کمک‌های بزرگ‌سالان دیگر بوده‌اند؟  
تأملی در سؤالات ذکر شده، یادآور اهمیت توجه به کل فرایند هر فعالیت پژوهشی است. به دیگر سخن، هنگامی که در کنفرانس دانش‌آموزی، شاهد بیان زیبایی دانش‌آموزانی هستیم که مدت‌ها وقت صرف کرده‌اند و حال می‌توانند در مورد موضوع خاصی اطلاعاتی را در جمع ارائه دهند و یا هنگامی که محصول مطالعه‌ی را در قالب گزارشی مجلد می‌بینیم، باید توجه داشته باشیم که این مرحله، تنها یکی از مراحل در اجرای فعالیت پژوهشی است و در واقع تمام مراحل آن، از نیازسنجی تا نحوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات و ارائه‌ی گزارش، همه در پیش، نگرش و دانش دانش‌آموز محقق تأثیر گذار است و البته بر سایر دانش‌آموزان به عنوان تماشاگران نیز مؤثر است.

## این‌جا، نمایشگاه مهارت‌های پژوهشی است

به منظور رفع مواردی که در ارتباط با انجام فعالیت پژوهشی به آن اشاره شد، خوب است تعاریف تازه‌ای از هر مرحله داشته باشیم. یکی



باید بگوییم که جمع‌آوری اطلاعات، تنها یکی از مراحل انجام تحقیق است و البته این مهم از مهارت‌های ویژه و اساسی در پژوهش نیز محسوب می‌شود

چنین موقعیت‌هایی برای شما پیش آمده باشد، در این صورت، حتماً از آن به عنوان کاری که وقت زیادی را از شما تلف کرد و نتیجه‌ای نداشت، یاد می‌کنید. برای این که چنین حالتی برای دانش‌آموزان روی ندهد، بهتر است معلم در طراحی آموزشی خود در رابطه با موضوع مورد نیاز، به جمع‌آوری اطلاعات توسط دانش‌آموزان تصمیم‌گیری کند. برای مثال، معلمی تصمیم می‌گیرد فصل دوم کتاب علوم را برای جمع‌آوری اطلاعات بیشتر دانش‌آموزان اختصاص دهد. مبنای این تصمیم‌گیری، ممکن است علل متفاوتی را شامل شود:

\* معلم موضوعی را انتخاب کرده است که بچه‌ها بیشتر در یادگیری آن مشکل دارند؛  
\* موضوعی است که دانش‌آموزان به آن بسیار علاقه‌مندند؛  
موضوعی است که دانش‌آموزان در آن با

سوالات بسیاری روبه‌رو هستند؛  
موضوع مهمی در کتاب است و یا ارتباط زیادی با زندگی دانش‌آموزان دارد و ...  
هم چنین، ممکن است معلم موضوعاتی خارج از کتاب درسی را برای این کار در نظر داشته باشد. او از این طریق قصد دارد تا فضای یادگیری و مطالعاتی وسیع‌تری را در کلاس خود ایجاد کند و یا آن که دانش‌آموزان را بیشتر با مهارت جمع‌آوری اطلاعات آشنا

آموزشگاه‌ها با استقبال روبه‌رو بوده و به همین علت، بازار ویژه‌ای نیز برای پاسخ به این استقبال در جامعه به وجود آمده است. برای این منظور، بسیاری از مراکز ارائه‌ی خدمات رایانه‌ای با دریافت هزینه‌ای، به جست‌وجو و تهیه‌ی مقالاتی در رابطه با موضوع مورد نظر اقدام کرده‌اند و آن را در اختیار دانش‌آموز و خانواده‌ی وی که به احتمال بسیار زیاد مسئولیت تهیه و تنظیم مقاله متوجه آنان بوده است، قرار می‌دهند. چنین رفتارهایی باید برای معلم، بیش از سایر دستگاه‌ها و افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده، این سؤال را ایجاد کند که مقصود از انجام چنین فعالیت‌هایی چیست و چگونه می‌توان آن را از وضعیت پیش آمده‌ی رهایی داد؟

بدیهی است، پاسخ به این سوالات نیازمند اهتمام به فرایند آموزش و کاربست این مهارت در کلاس درس است.

## چگونه اطلاعاتی را جمع‌آوری کنیم؟

آیا تاکنون وادار شده‌اید در مورد موضوعی که هیچ علاقه‌ای به آن ندارید، مطالعه‌ای داشته باشید؟ آیا مجبور شده‌اید برنامه‌ای کاملاً تخصصی را که خارج از توانایی درک شماست، برای ساعت‌ها تماشا کنید و سپس گزارشی از آن را به دیگران ارائه دهید؟ اگر



# بحارای من ايل من

## فرهنگ سوادآموزی در عشاير با مروری در تجارب آموزگار پیشگام ایل قشقای

### اشاره

شاید در مباحث سوادآموزی کشورمان، کمتر به سوادآموزی عشایر بیندیشیم، در حالی که بخشی از فرهنگ ایران برگرفته از همین زندگی عشایری است و آشنایی با فرایند سوادآموزی در این محیط می‌تواند چشم‌انداز روشن‌تری از فرایند آموزش و پرورش در ایران را برای ما ترسیم کند. در این نوشتار، مؤلف روند شکل‌گیری و توسعه‌ی سوادآموزی در عشایر ایران را از زاویه‌ی کوشش‌های نخستین آموزگار آن، یعنی محمد بهمن بیگی بررسی کرده است. بهمن بیگی توانست پسران و دختران عشایری را به مدرسه‌های سیار جلب کند و نخستین مرکز تربیت معلم عشایری را بنیان نهد. او برای کوشش پی‌گیر خود در راه سوادآموزی به هزاران کودک ترک، لر، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن، برنده‌ی جایزه‌ی سوادآموزی سازمان یونسکو شد.

عنوان اولین آموزگار عشایر ایران، در سال ۱۳۳۱ توانست چادر آموزش خود را در میان ایل قشقای استوار کند. دوران کودکی و بزرگ‌سالی محمد بهمن بیگی پراز فراز و

آموزش سواد در میان عشایر ایران، به‌طور رسمی از سال ۱۳۳۰ توسط دکتر محمود حسابی (وزیر فرهنگ وقت) آغاز شد. در ادامه‌ی این طرح، محمد بهمن بیگی، به

دست. سپس در جلسه یا جلساتی، راه‌های جمع‌آوری اطلاعات را به صورت روشن در اختیار دانش‌آموز قرار دهد. مانند این که کتاب مورد نظر را به دانش‌آموزان نشان دهد، قسمت مناسب را جدا کند و روش مطالعه و استفاده از آن را به صورت عملی با دانش‌آموزان کار کند.

هم چنین، این کار را در صورت لزوم برای استفاده از سایر منابع مطالعاتی مانند متون مجلات و اینترنت نشان دهد. در این‌جا لازم به یادآوری است که در دوره‌ی ابتدایی، دانش‌آموزان به راهنمایی‌های روشن‌تری از آن چه که بزرگسالان در برخورد با منابع به آن‌ها احتیاج دارند، نیازمندند. به همین علت لازم است که منابع پیش از اجرا، توسط معلم شناسایی شود و محدوده‌ی مناسب آن در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد.

گاهی نیز لازم است مطالب از افرادی آگاه پرسش شود. در این صورت، افراد مورد نظر باید به دانش‌آموزان معرفی شوند. برای مثال از پزشک، مغازه‌دار و ... اما در این معرفی، باید در دسترس بودن فرد و امکان پرسش از آنان توسط معلم نیز بررسی شود و یا مورد توجه قرار گیرد.

در ادامه، نحوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات یا راه‌های دریافت مطالب باید مورد نظر معلم قرار گیرد. برای مثال، چه سؤالاتی باید از افراد مطرح شود و چگونه این کار انجام گیرد؟ چه مطالبی از اهمیت بیشتری برخوردار هستند و چگونه آن‌ها را تشخیص دهیم و ...

در این بخش، معلم به صورت عملی وارد کار جمع‌آوری اطلاعات می‌شود و بر این اساس دانش‌آموزان می‌توانند مطابق با توانایی خود در یک موضوع بیشتر بدانند. تصور کنید، نتایج به دست آمده از این طریق تا چه اندازه می‌تواند در یادگیری دانش‌آموزان مؤثر باشد.





## مریم لریان

پژوهشگر و دانشجوی دکترای مطالعات برنامه‌ریزی

فروندهای آموزنده است. وی در سال ۱۳۹۹ در ایل قشقایی، در خانواده‌ی **محمودخان کالانتر**، تیره‌ی بهمن بیگلو، از طایفه‌ی عمله‌ی قشقایی، به هنگام کوچ، دیده به جهان گشود. هشت ساله که شد، پدر یک منشی استخدام کرد و به خانه آورد که هم به محمد درس بدهد و هم برای او نامه بنویسد. محمد دو سال نزد آن منشی درس خواند و الفبای سواد را آموخت. ده ساله بود که در راستای سیاست تضعیف عشایر، پدرش را به تبعید به تهران محکوم کردند و شش روز پس از تبعید پدر، مادرش را نیز به گناه فراهم کردن آذوقه برای عشایر مخالف دولت، به تبعیدگاه همسرش فرستادند. لازم به ذکر است، نخستین بار شهید مدرس در سال ۱۳۰۳ در مخالفت با سیاست اسکان عشایر، چنین گفت: «تربیت ایلات غیر از کوچاندن راهی ندارد؟ آیا نمی‌توان برای ایلات مدارس سیار عشایری و برنامه‌ی متناسب درست کرد که اصول وطن‌پرستی و مسائل صحی و بهداشتی و وسایل ضروری فلاحی به آن‌ها آموخته شود؟»

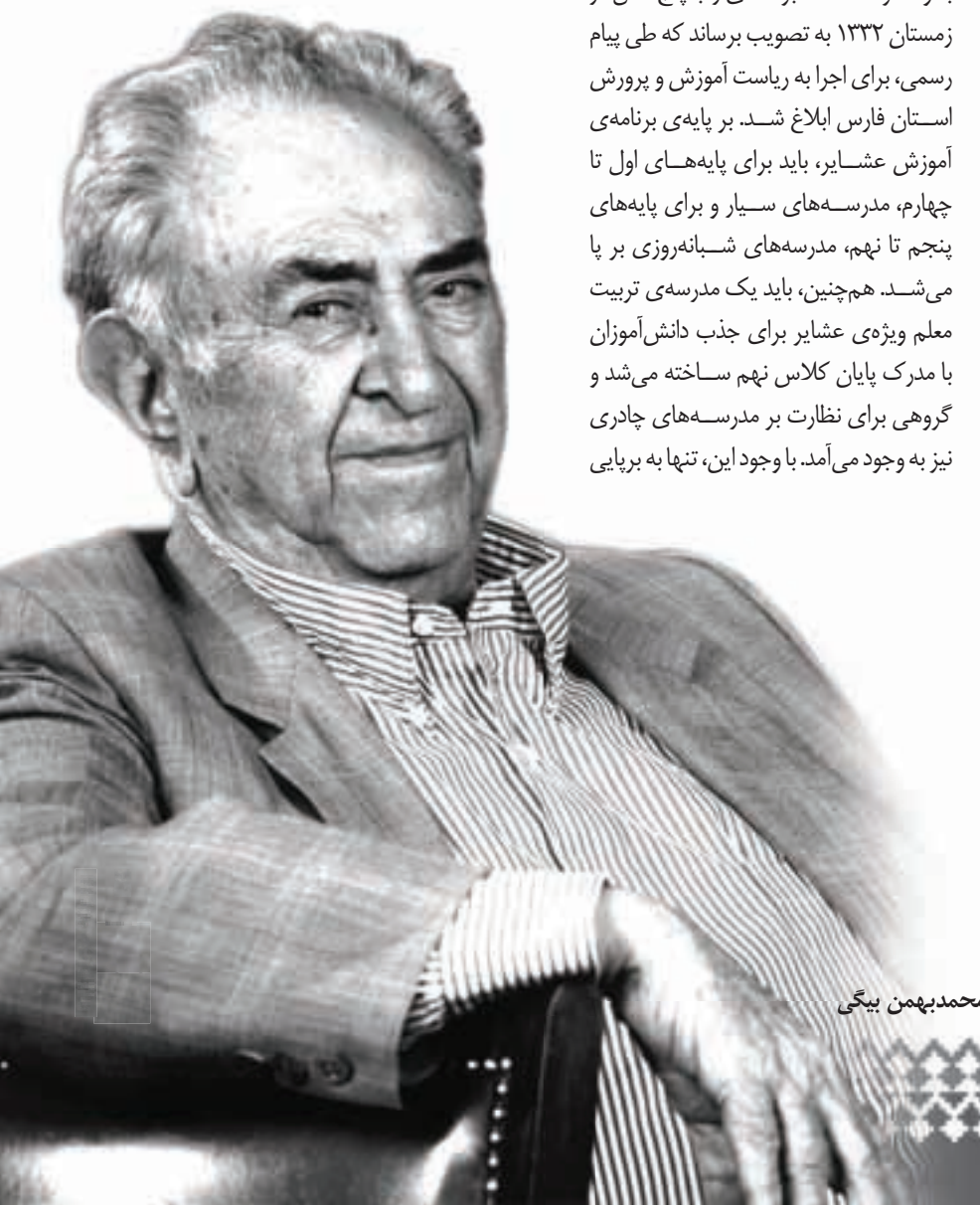
اما این اندیشه‌ی نوآورانه چندان مورد توجه قرار نگرفت و حتی هنگامی که در سال ۱۳۰۷ به آموزش عشایر اندکی توجه شد، راه حل را در برپایی مدرسه‌های شبانه‌روزی دانستند. چند مدرسه‌ی شبانه‌روزی برپا شد، اما چون آن مدرسه‌های ثابت برای دوره‌ی ابتدایی بودند و کودک ناگزیر می‌شد از همان سال‌های آغاز زندگی، دور از پدر و مادر خود و در شرایطی مانند تبعید زندگی کند، در همان آغاز، از پیشرفت باز ماند و آموزش و پرورش عشایر نزدیک سه دهه‌ی دیگر در تبعید ماند. بنابراین، محمد همراه مادر تبعیدی از کوه‌دشت به تهران آمد و در مدرسه‌ی



علمیه‌ی تهران مشغول تحصیل شد. پس از پایان دوره‌ی دبیرستان، به دانشکده‌ی حقوق وارد شد و دوره‌ی کارشناسی حقوق را در سال ۱۳۲۱ به پایان رساند. سپس با معرفی یکی از سران ایل قشقایی، به آمریکا رفت و پس از مدت بسیار کوتاهی به وطن بازگشت. از آن جا که در شهر و در کارهای اداری دوام نیاورد، پس از چندی به ایل بازگشت. در مجموع، پس از پایان دوره‌ی کارشناسی حقوق در دانشگاه تهران، کوشش خود را برای برپایی مدرسه‌های سیار برای بچه‌های ایل آغاز کرد و با پی‌گیری‌های خود توانست برنامه‌ی سوادآموزی عشایر را به تصویب برساند. بهمن بیگی توانست به کمک دوستانی که با او همراه شدند، برنامه‌ای را با پنج اصل در زمستان ۱۳۳۳ به تصویب برساند که طی پیام رسمی، برای اجرا به ریاست آموزش و پرورش استان فارس ابلاغ شد. بر پایه‌ی برنامه‌ی آموزش عشایر، باید برای پایه‌های اول تا چهارم، مدرسه‌های سیار و برای پایه‌های پنجم تا نهم، مدرسه‌های شبانه‌روزی برپا می‌شد. هم‌چنین، باید یک مدرسه‌ی تربیت معلم ویژه‌ی عشایر برای جذب دانش‌آموزان با مدرک پایان کلاس نهم ساخته می‌شد و گروهی برای نظارت بر مدرسه‌های چادری نیز به وجود می‌آمد. با وجود این، تنها به برپایی



مدرسه‌های چادری و کار نظارت بسنده شد و ۷۸ مدرسه در ایلات و عشایر بنیان‌گذاری شد. او توانست دختران عشایری را نیز به مدرسه‌های سیار جلب کند و نخستین مرکز تربیت معلم عشایری را بنیان نهد. بهمن بیگی برای کوشش پی‌گیر خود در راه سوادآموزی به هزاران نفر کودک ترک، لر، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن، برنده‌ی جایزه‌ی سوادآموزی سازمان یونسکو شد. او تجربه‌های آموزشی خود را در چند کتاب در قالب داستان نوشته است. سوادآموزی در ایل قشقایی سابقه‌ی



محمد بهمن بیگی

## نویسنده و خاطره پردازی موفق

دوران بازنسنسستگی محمد بیگی بیشتر به ثبت تجربه‌ها و خاطره‌ها و نظریه‌های او در زندگی و کار با عشایر و آموزش و پرورش گذشته است که حاصل آن چند کتاب در قالب داستان‌هایی جالب و خواندنی است:

۱. بهمن بیگی، محمد. «عرف و عادت در عشایر فارس». انتشارات بنگاه آذر. ۱۳۳۴. چاپ دوم، انتشارات نوید، شیراز. ۱۳۸۱.
۲. بهمن بیگی، محمد. «بخارای من ایل من». انتشارات آگاه. ۱۳۶۸.
۳. بهمن بیگی، محمد. «اگر قره‌قاج نبود». انتشارات باغ آدینه. ۱۳۷۷.
۴. بهمن بیگی، محمد. «به اجاقت قسم».
۵. بهمن بیگی، محمد. «طلای شهامت». انتشارات نوید. شیراز. ۱۳۸۷.

دانش‌آموزان دانش‌سراها که در آینده آموزگاران عشایری می‌شدند، معرفی می‌کردند. اجرای موسیقی محلی از دیگر برنامه‌های این اردوها بود که در حفظ سنت‌های ایلی بسیار سودمند بود و به مردم ایل نشان می‌داد که سوادآموزی و دانش‌اندوزی با فرهنگ ایل سازگار است و به توسعه‌ی آن نیز کمک می‌کند.

### کوچ از میان ایل

محمد بهمن بیگی در یازدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۹ پس از خدمات شایان به نظام آموزشی ایران، در شهر شیراز چشم از جهان فرو بست. او وصیت کرده بود در نقطه‌ای از مسیر کوچ عشایر به خاک سپرده شود که چنین نیز شد. او در منطقه‌ی کوشن، تشییع و به خاک سپرده شد. یکی از کارشناسان آموزشی آمریکایی که در آن زمان از کارهای بهمن بیگی پشتیبانی کرد، در گزارش کار خود که به صورت کتابی در کشورش منتشر شد، درباره‌ی او نوشته است:

«او بیش از نیمی از عمر خود را با عشایر گذرانده و با رؤسای عشایر خوب آشنا بود. آن‌ها نه تنها به خاطر خانواده‌اش، بلکه به خاطر توانایی‌های خودش، به او احترام می‌گذاشتند.»

سپس آن‌ها را به کدخدا می‌سپرد و ماهی ۹۰ - ۸۰ تومان برایشان دست‌مزد تعیین می‌کرد. اما به دلیل سواد کم آن‌ها، همواره در کنارشان می‌ماند و آن‌ها را راهنمایی می‌کرد. در واقع، او از همه‌ی مدرسه‌های عشایر دور و نزدیک بازدید می‌کرد و مدرسه‌ای نبود که خودش تک‌تک دانش‌آموزانش را آزمایش نکرده باشد.

یکی دیگر از راهکارهایی که باعث پیشرفت کار بهمن بیگی شد، دعوت از دولت‌مردان آن زمان برای سفر به آن مناطق بود؛ دعوت به ایل، پذیرایی گرم سنتی و ایلیاتی به همه‌ی توان و سپس استعداد نوشکفته‌ی بچه‌های ایل را به رخ کشیدن، به امید جذب حمایت مالی و قانونی دولت. در یکی از این برنامه‌ها، دکتر **کریم فاطمی**، مدیر کل وقت آموزش و پرورش فارس، همراه جمعی از معاونان و مدیرکل‌های ستادی وزارت، از مدرسه‌های سیار دیدن کردند. نتیجه‌ی دیدار آن شد که: وزارت موافقت کرد حقوق آموزگاران را بپردازد. دکتر فاطمی یکی از پشتیبانان این برنامه شد و از بهمن بیگی خواست به استخدام آموزش و پرورش درآید و این کار را به‌طور رسمی ادامه دهد.

یکی از کارهای نوآورانه‌ی بهمن بیگی که در پیشبرد هدف‌های آموزشی او بسیار سودمند بود، برگزاری اردوهای تربیتی برای دانش‌آموزان و آموزگاران عشایری در نقاط عشیره‌نشین بود. در آن اردوها، آموزگاران موفق کارهای خودشان را به آموزگاران دیگر و

جالبی دارد. **محمدحسین خان قشقایی** در کتاب «یادمانده‌ها» می‌نویسد: در ایل قشقایی (در دوران صولت‌الدوله) هر بُنکو (سی‌چهل خانوار که با هم نسبت خویشاوندی داشتند) یک معلم داشت که حقوق او را به صورت مشترک می‌پرداختند. در آن زمان، باسوادان ایل در حال کوچ، بسیار زیادتر از اهالی روستا بودند. صولت‌الدوله سعی داشت بچه‌ها و جوانان قشقایی باسواد شوند. او همواره کلانتران و رؤسای بنکوها را به گرفتن معلم و با سواد کردن فرزندان تشویق می‌کرد.

### محمد بهمن بیگی، تربیت معلم عشایر را چگونه مدیریت کرد؟

از آن‌جا که وی در میان عشایر نتوانست افراد باسواد برای آموزش پیدا کند، آموزگاران دیپلمه‌ی شهری را با وعده‌ی استخدام رسمی و فراهم کردن امکانات لازم برای آسایش آن‌ها، به سوی ایل کشاندند. اما پس از یک سال روشن شد که این آموزگاران نمی‌توانند در میان عشایر زندگی کنند و به هنگام کوچ با آن‌ها همراه شوند. به بیان بهمن بیگی: «بچه‌ی شهری در ایل می‌ترسید و آب می‌شد و سگ زرد را شغال می‌دید.» از این رو، چاره را در آن دید که از خود ایلیاتی‌ها داوطلب بگیرد و آن‌ها را آموزش بدهد و برای آموزگاری آماده سازد. همه جور آدم داوطلب این کار شده بودند و بهمن بیگی همه را امتحان می‌کرد که خط و حساب بدانند.

**منابع**  
- صولت قشقایی، محمدحسین (۱۳۸۶). یادمانده‌ها، خاطراتی از محمدحسین قشقایی. نشر و پژوهش فرزاد روز.  
- احمدی، اسماعیل (۱۳۸۴). نوشته‌هایی درباره‌ی محمد بهمن بیگی و آثار او. به کوشش ابوالفتح امیری و کهزاد رنجبر. تهران. نشر ویژه‌ی نگار.

ده دقیقه از پنجره‌ی کلاس - ۳

# خنده‌ی خیس صبحگاهی

باران که انگشت می‌کشد روی پنجره‌ها، روزنه‌ای باز می‌شود برای تماشایت... دلم را سُر می‌دهم که بدون چتر، همبازی‌ات شوم و همراه با تو، پای بکوبد روی همه‌ی دلتنگی‌ها.

باران، دست در گردنت می‌اندازد و جیب‌هایت را پر می‌کند از آوازهای خیس... تو می‌خندی و باد، صدایت را برای تمام پنجره‌ها، هجی می‌کند.

پرنده‌ها در آغوش درخت، پناه گرفته‌اند و ابرها، قطره‌قطره، قل می‌خورند روی شیروانی قدیمی.

در مدرسه باز است... دوستانت که از راه می‌رسند، توی حیاط، رنگین کمان به راه می‌افتد و دلم، گم می‌شود در قهقهه‌ی صبحگاهی‌تان.

بخند... همیشه بخند تا در این حال و هوا، من هم دست دراز کنم و سیبی سرخ بچینم از باغ گونه‌هایت.

## نحوه‌ی پردازش کلمات در مغز

چنانچه به‌طور روزمره به زبان فارسی صحبت می‌کنید، خواهید توانست این نوشته را بخوانید. در دانشگاه کمبریج انگلستان تحقیقی روی روش خوانده شدن کلمات در مغز انجام شده است که مشخص می‌کند که مغز انسان تنها حروف ابتدا و انتهای کلمات را پردازش می‌کند و کلمه را می‌خواند. به همین دلیل است که با وجود به هم ریختگی این نوشته، شما توانستید آن را بخوانید.\*

\* متن انگلیسی به کار برده شده براساس تحقیق دانشگاه کمبریج را می‌توانید در نشانی زیر بخوانید:  
<http://www.mrc-cbu.cam.ac.uk/people/matt.davis/Cmabrigde/>

### نوشته‌ی سانتیا سالگا

ترجمه‌ی مینو طاهری

بدین‌وسیله من رسماً از بزرگ‌سالی استعفا می‌دهم و مسئولیت‌های یک کودک هشت ساله را قبول می‌کنم.

می‌خواهم به یک ساندویچ‌فروشی بروم و فکر کنم که آن‌جا یک رستوران پنج ستاره است.

می‌خواهم فکر کنم شکلات از پول بهتر است، چون می‌توانم آن را بخورم! می‌خواهم زیر یک درخت بلوط بزرگ بنشینم و با دوستانم بستنی بخورم.

می‌خواهم درون چاله‌ی آب، بازی کنم و بادبادک خود را در هوا پرواز دهم. جدول ضرب را و شعرهای کودکانه را یاد می‌گرفتم. وقتی نمی‌دانستم چه را نمی‌دانم و هیچ اهمیتی هم نمی‌دادم.

می‌خواهم فکر کنم که دنیا چه قدر زیباست و چه قدر همه راستگو و خوب هستند. می‌خواهم ایمان داشته باشم که هر چیزی ممکن است و می‌خواهم از پیچیدگی‌های دنیا بی‌خبر باشم.

می‌خواهم دوباره به همان زندگی ساده‌ی خود برگردم. نمی‌خواهم زندگی من پر شود از کوهی از ابلاغ‌ها و مدارک اداری، خبرهای ناراحت‌کننده، صورت‌حساب، جریمه و... می‌خواهم به نیروی لبخند ایمان داشته باشم، به یک کلمه‌ی محبت‌آمیز، به عدالت، به صلح، به فرشتگان، به باران، و به...

این دسته چک من، کلید ماشین، کارت اعتباری و بقیه‌ی مدارک، مال شما. من رسماً از بزرگ‌سالی استعفا می‌دهم.

# استعفا



تصویرگر: حدیثه قربان





# میمون این جا میمون آن جا، میمون همه جا!

بخش چهارم

بازی‌ها، فعالیت‌ها و پژوهش‌های خلاقیت محور

مرتضی مجدفر

بر مبنای تمثیل‌ها و افسانه‌های کلیله و دمنه

برای توسعه‌ی سواد خواندن در میان دانش‌آموزان دبستانی

## اشاره

تاکنون در سه بخش پیشین این سلسله مطالب، داستان‌هایی از کلیله و دمنه بر مبنای مخزن واژگان کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم پایه‌های چهارم و پنجم دبستان ارائه شده و تمرین‌هایی برای توسعه‌ی سواد خواندن در میان دانش‌آموزان دبستانی بر مبنای این متون طراحی شده است. هم‌چنین، شاهد بازی‌ها، فعالیت‌ها و پژوهش‌هایی هستیم که خلاقانه‌اند و می‌توانند در کلاس‌های درسی استفاده شوند. در این بخش، دو داستان با محوریت میمون و تمرین‌های متنوع مرتبط با این جانور آمده است.

## میمون کنجاو

روزی میمونی، از بالای درختی که روی آن آویزان بود، مشغول تماشای نجاری شد که داشت شاخه‌ای کلفت از یک درخت را می‌برید. میمون از کار نجار خیلی خوشش آمد و شیفته‌ی آن شد. نجار، شاخه را می‌برد و از هر یک متر، داخل آن گوهی فلزی می‌گذاشت. میمون آن قدر محو تماشای این کار نجار شده بود که یادش رفته بود چند دقیقه‌ای است با دهانی کاملاً باز در حال تماشا کردن است. لحظه‌ای بعد، نجار برای انجام کاری، از آن جایی که کار می‌کرد، دور شد. میمون کنجاو که رفتن نجار را دید، نتوانست بی‌سروصدا بماند. از درخت پایین پرید و به سرعت سر وقت قطعه چوب نجار رفت. میمون سعی کرد درست مانند نجار، قطعه چوب را ببرد و از هر یک متر، داخلش گوهی فلزی بگذارد. ولی مثل این که یکی از گوه‌ها درست سرجایش قرار نگرفته بود؛ چرا که دم میمون، لای این تکه از شکاف چوب افتاد. میمون که نمی‌دانست دمش در شکاف افتاده است، بی‌هوا به طرف جلو حرکت کرد. این موقع بود که کاملاً گرفتار شد و دم درازش داخل شکاف گیر کرد. اصلاً نتوانست تکان بخورد. درد تمام بدنش را گرفته بود.

جانور کنجاو داشت از شدت درد به خود می‌پیچید که نجار سر رسید. وقتی روی چوب درخت میمونی را در حال ورجه‌ورجه کردن دید، عصبانی شد و سیلی محکمی به گوش حیوان بخت برگشته نواخت. نجار سیلی را چنان محکم زد که دستش درد گرفت، ولی این درد در مقابل درد دم میمون هیچ بود. نجار با هر مصیبتی بود، دم میمون را از لای چوب و گوه‌ها بیرون

آورد. میمون در حالی که از آن جا دور می‌شد، با خود عهد کرد به کارهایی که به او مربوط نیست، سرک نکشد.

## سه پرسش

- چرا میمون به فکر افتاد روی قطعه چوبی که نجار کار می‌کرد، بنشیند؟  
(الف) برای کمک کردن به نجار.  
(ب) از روی علاقه و کنجاوی.  
(پ) برای عصبانی کردن نجار.
- وقتی میمون داشت ادای نجار را درمی‌آورد و مثل او کار می‌کرد، چه بلایی بر سرش آمد؟  
(الف) با تبر، دستش را برید.  
(ب) گوهی فلزی به پایش گیر کرد.  
(پ) دمش در شکاف چوب گیر کرد.
- نجار، دخالت بی‌جای میمون را چگونه جواب داد؟  
(الف) او را به درخت بست.  
(ب) سیلی محکمی به گوشش نواخت.  
(پ) گوش‌های او را با گوه سوراخ کرد.

## ؟ فکر کنید، پاسخ دهید

- در مورد میمون، ضرب‌المثل‌های فراوانی در فرهنگ عامه‌ی ما



وجود دارد. یکی از آن‌ها، از همین داستانی که خواندید، ریشه گرفته است: «کار بوزینه نیست نجاری». این ضرب‌المثل موقعی به کار می‌رود که کسی در کاری دخالت کند که توان و تخصصش را ندارد و برای آگاه کردنش، با کنایه، این ضرب‌المثل را به کار می‌برند. ضرب‌المثل دیگری در مورد میمون داریم که می‌گوید: «میمون هرچی زشت‌تره، اداش بیشتره!»

فکر می‌کنید داستان این ضرب‌المثل چیست و در چه مواقعی کاربرد دارد؟

۲. ترکمن‌ها و ترک‌های آذری، ضرب‌المثلی دارند که می‌گویند: «قوری سۆزه، میمون اویناماز!»

اگر خودتان با یکی از این دو زبان آشنایی ندارید، با پرس‌وجو از دوستانی که به این زبان‌ها تکلم می‌کنند، معنای این ضرب‌المثل را به فارسی بنویسید و بگویید آن‌را در چه مواقعی به کار می‌برند؟ آیا ضرب‌المثل مشابهی در زبان فارسی برای این ضرب‌المثل ترکمنی یا ترکی داریم؟

۳. یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: «میمون پیر، دستش را داخل نارگیل نمی‌کند.» اصل این ضرب‌المثل هندی است، چون اساساً نارگیل میوه‌ای است که در هند یا جنگل‌های گرمسیری مناطق استوایی به عمل می‌آید.

با بررسی و پرس‌وجو، داستان مرتبط با این ضرب‌المثل را پیدا کنید

**راهنمایی:** اگر با بررسی‌های ساده و گشت‌وگذار در کتاب‌خانه‌ها و نیز جست‌وجو در اینترنت، پاسخ این پرسش را به دست نیابید، می‌توانید به کتاب «دومین مکتوب»، نوشته‌ی **پائولو کوئیلو** مراجعه کنید و داستان «میمون، نارگیل و موز» را در آن‌جا بخوانید.

۴. در ادبیات فارسی، از واژه‌ی «میمون» هم معنی «مبارک»

استفاده می‌کنند. مثلاً ممکن است شما در اطلاعاتی‌ای بخوانید: «این عید خجسته، بر شما میمون باد!».

در مورد ریشه‌ی کلمه‌ی میمون و هم معنی بودنش با مبارک تحقیق کنید.

**راهنمایی:** می‌توانید به فرهنگ سخن، فرهنگ معین، فرهنگ عمید، فرهنگ دهخدا و سایر فرهنگ‌های لغت مشابه مراجعه کنید.

۵. گیاه معروفی داریم که نام علمی آن **آنتی رتیوم ماجوس**<sup>۲</sup> و نام انگلیسی‌اش **استپ دارگون**<sup>۳</sup> است. در کشور ما، این گیاه با نام «گل میمون» معروف است. فکر می‌کنید دلیل نام‌گذاری این گل به میمون چیست؟

## • یک بازی رایانه‌ای

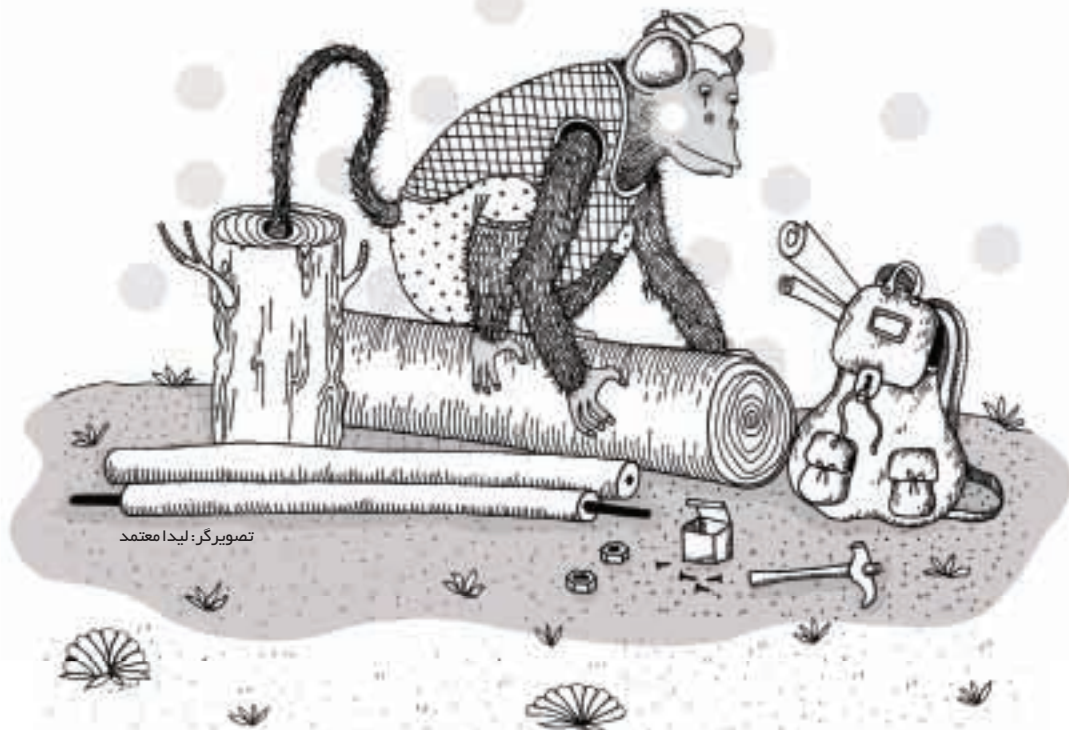
بازی رایانه‌ای میمون‌های فضایی<sup>۴</sup>، یک فیلم - بازی جذاب است که در سال ۲۰۰۸ به کارگردانی **کریک دی میکو** ساخته شده است. این فیلم - بازی، زیرنویس فارسی هم دارد و می‌توانید آن‌را به دو حالت مشاهده کنید: فیلم معمولی (مشاهده از ابتدا تا انتها)، فیلم - بازی تعاملی.

این فیلم - بازی از فروشگاه‌های نرم‌افزارهای رایانه‌ای قابل خرید است.

## • دو کتاب میمونی!

✓ «میمون شاه»، کتابی است که **شاگاهیراتا**، نویسنده‌ی هندی نوشته و **سعید بهروزی** آن را به فارسی ترجمه کرده است. کتاب ۱۶ صفحه دارد و ناشر آن «افق» است. تاکنون چاپ‌های مکرر این کتاب منتشر شده و بسیار مورد علاقه‌ی کودکان است.

✓ «داستان‌هایی از کلیله‌ودمنه» را هم نویسنده‌ی هندی به نام



تصویرگر: لیدا معتمد

**شیو کومار** نوشته و مترجم آن **ناهدید رشید** است. کتاب به وسیله‌ی نشر آسیم در تهران منتشر شده است و ۲۸۳ صفحه دارد. قسمت عمده‌ی داستان‌های این کتاب در مورد میمون‌هاست: «میمونی روی درخت سیب سرخ کنار رودخانه‌ای زندگی می‌کرد. درخت سیب سرخ همه‌ی سال میوه‌ی کافی داشت. میمون هیچ‌چیز را به اندازه‌ی سیب سرخ دوست نداشت. یک روز...»

برای خیردار شدن از بقیه‌ی داستان و نیز سایر داستان‌های این کتاب و کتاب اولی، آن‌ها را پیدا کنید و بخوانید.

### سه پرسش

۱. آن چه که میمون‌ها فکر می‌کردند منبع آتش است و آن را روی هیزم‌ها گرفتند و شروع به دمیدن آن کردند، در اصل چه بود؟  
(الف) سنگ نورانی  
(ب) کرم شب‌تاب  
(پ) هیزم نیم‌سوخته
۲. چرا میمون‌ها نمی‌خواستند به پیشنهاد عاقلانه‌ی پرنده گوش دهند؟  
(الف) فکر می‌کردند پرنده می‌خواهد آن‌ها را فریب دهد.  
(ب) آن‌ها از زبان پرنده سر در نمی‌آوردند.  
(پ) بی‌عقل و کم‌خرد بودند.
۳. بر سر پرنده‌ای که می‌خواست به میمون‌ها خوبی کند، چه آمد؟  
(الف) میمون‌ها او را به سزای اعمالش رساندند.  
(ب) میمون‌ها او را گرفتند و کشتند.  
(پ) پرنده خودش را به آتش انداخت و مرد.

### ؟ فکر کنید، پاسخ دهید

۱. روزی روزگاری در روستایی در هند، مردی به روستایی‌ها اعلام کرد که به ازای هر میمون ۲۰ دلار به آن‌ها پول خواهد داد. روستایی‌ها هم که دیدند اطرافشان پر است از میمون، به جنگل رفتند و شروع به گرفتن میمون‌ها کردند. مرد هم هزاران میمون به قیمت ۲۰ دلار از آن‌ها خرید. ولی با کم شدن تعداد میمون‌ها، روستایی‌ها دست از تلاش کشیدند. به همین خاطر، مرد این بار پیشنهاد داد برای هر میمون به آن‌ها ۴۰ دلار خواهد پرداخت. با این شرایط، روستایی‌ها فعالیتشان را از سر گرفتند. پس از مدتی، موجودی باز هم کمتر و کمتر شد تا بالاخره روستاییان دست از کار کشیدند و برای کشاورزی سراغ کشتزارهای خود رفتند.
- این بار پیشنهاد به ۴۵ دلار رسید و... در نتیجه تعداد میمون‌ها آن قدر کم شد که به سختی می‌شد میمونی برای گرفتن پیدا کرد.

### • یک سؤال هوش با حضور میمون عزیز!

یک درخت بسیار بسیار بلند نارگیل بود و چهار حیوان که با هم دوست بودند. یک روز میمون، شیر، زرافه و سنجاب تصمیم گرفتند مسابقه بدهند تا ببینند کدام یک برای برداشتن یک موز از درخت، از همه سریع‌تر حرکت می‌کند. فکر می‌کنید کدام یک برنده می‌شود؟

**نکته:** جواب سؤال، بازگو کننده‌ی شخصیت پاسخگوست.

### میمون‌ها و پرنده‌ی بی‌عقل

در جنگلی سرسبز، یک گله میمون زندگی می‌کردند. روزی از روزها باران بارید، باد وزید و هوا ناگهان سرد شد. میمون‌ها بسیار سردشان شد و برای گرم شدن، قطعه چوب‌هایی را از این‌ور و آن‌ور جنگل جمع و اجاقی برای آتش برپا کردند. ولی مسئله این‌جا بود که آن‌ها آتش نداشتند. در همین هنگام، یک کرم شب‌تاب به حرکت درآمد و در چند قدمی میمون‌ها، روی قطعه سنگی نشست. میمون‌ها که فکر می‌کردند، می‌توانند از کرم شب‌تاب به عنوان منبع آتش استفاده کنند، خیلی خوش حال شدند. سریع کرم شب‌تاب را برداشتند و در حالی که آن را فوت می‌کردند، جانور را روی هیزم‌ها گرفتند. میمون‌ها فکر می‌کردند همین الان آتش آن‌ها به‌پا می‌شود و آن‌ها به زودی گرم خواهند شد.

در همین موقع، پرنده‌ای که داشت از روی درخت کار بیهوده‌ی میمون‌ها را تماشا می‌کرد، به آن‌ها گفت: «میمون‌های عزیز سرما زده! بیهوده تلاش نکنید. آن چه شما روی هیزم‌ها گرفته‌اید و در حال فوت کردن آن هستید، کرم شب‌تاب است. لطفاً خودتان را خسته نکنید.»

میمون‌ها که حوصله‌ی شنیدن نصیحت را نداشتند، به کار خود ادامه دادند. پرنده هم که متوجه شد حرف‌هایش اصلاً شنونده‌ای ندارد، تصمیم گرفت از بالای درخت پایین بیاید، به طرف میمون‌ها برود و از نزدیک حقیقت ماجرا را به آن‌ها نشان دهد.

در همین زمان، آدمیزادی که از آن‌جا رد می‌شد، از قصد پرنده خبردار شد. به پرنده گفت: «ببین! مگر نشنیده‌ای که می‌گویند میمون‌ها خیلی سرخوش‌اند؟ آن‌ها چیزی نمی‌فهمند. بی‌خود خودت را خسته نکن. وقتی آن‌ها نمی‌فهمند، فکر می‌کنی با توضیحات تو قانع

به سختی، تنها به ۱۲۰ گرم می‌رسد...»  
 این‌ها اطلاعاتی است که از یک پایگاه خبری درباره‌ی بوزینه کوتوله برداشته ایم. در اینترنت، در یکی از موتورهای جست‌وجو، مثلاً گوگل در قسمت سرچ یا جست‌وجو، به فارسی بنویسید: «بوزینه کوتوله» یا «کوچک‌ترین میمون دنیا» و یا... حال اطلاعاتی را که در مورد یکی از کوچک‌ترین پستان‌دارهای دنیا به دست آورده‌اید، در گزارشی به کلاس بیاورید و برای دوستانتان بخوانید.

### ● یک بازی رایانه‌ای

در بازی رایانه‌ای «میمون بازیگوش»، شخصیت بازی یک میمون است و بازی براساس توضیحاتی که اول بازی داده می‌شود و دستوراتی که به میمون می‌دهید، پیش می‌رود. بازی از گرافیک خوبی برخوردار است و در هر رایانه‌ای قابل اجراست. این بازی را می‌توانید از فروشگاه‌های معتبر نرم‌افزارها و بازی‌های رایانه‌ای تهیه کنید. اگر به اینترنت پرسرعت هم دسترسی داشته باشید، می‌توانید بازی را از نشانی [www.kamyabonline.com](http://www.kamyabonline.com) بارگذاری (دانلود) کنید.

این بار مرد تاجر ادعا کرد که به ازای خرید هر میمون، ۶۰ دلار خواهد داد، ولی چون برای کاری باید به شهر می‌رفت، کارها را به شاگردش محول کرد تا از طرف او میمون‌ها را بخرد.

در غیاب تاجر، شاگرد به روستایی‌ها گفت: «این همه میمون در قفس وجود دارد! من آن‌ها را به ۵۰ دلار به شما خواهیم فروخت تا شما پس از بازگشت تاجر، آن‌ها را به ۶۰ دلار به او بفروشید.»

روستایی‌ها که وسوسه شده بودند، پول‌هایشان را روی هم گذاشتند و تمام میمون‌ها را خریدند. البته از آن به بعد، دیگر کسی نه مرد تاجر را دید و نه شاگردش را و تنها روستایی‌ها ماندند و یک دنیا میمون.

داستان را خواندید. حال به پرسش‌های زیر پاسخ و فعالیت‌های ارائه شده را انجام دهید:

- این داستان، شما را یاد کدام آیه‌ی قرآن و یا حدیث معروف از پیامبر اکرم (ص) یا معصومان می‌اندازد؟
- آیا ضرب‌المثلی سراغ دارید که این قصه را در جمله‌ای کوتاه بیان کند؟

● با مروری در صفحات حوادث روزنامه‌ها، کلاهبرداری‌هایی مشابه با داستانی را که خواندید، پیدا کنید و در کلاس برای هم کلاسی‌های خود بخوانید.

● فکر می‌کنید چه عاملی سبب شد روستایی‌ها، این چنین ساده و سهل، گول تاجر را بخورند؟

● عده‌ای می‌گویند این که در داستان‌ها و تمثیل‌ها، روستایی‌ها را افرادی ساده و بی‌تدبیر می‌نامند، به این خاطر است که قلم در دست شهری‌هاست. حال شما دست به قلم شوید و همین ماجرا را طوری بنویسید که قهرمانان آن شهری هستند و داستان در شهر می‌گذرد.

۲. چند سال قبل، دانشمندان روسی قصد داشتند ۴۰ میمون را به مدت دو سال به فضا بفرستند. دلیل آن‌ها این بود که چون به گفته‌ی دانشمندان زیست‌شناس، ساختار بدن میمون‌ها مانند ساختار انسان در برابر تشعشعات (امواج و پرتوها) حساس است، از این طریق می‌توان به

اثرات حضور در فضا در بدن انسان پی برد. ولی سازمان حمایت از حیوانات روسیه، از این کار ایراد گرفت و به همین دلیل، اختلافاتی پدید آمد که باعث توقف کار شد.

تا چه اندازه با طرح استفاده از حیوانات در تحقیقات علمی موافقت می‌کنید؟ آیا موش‌ها، میمون‌ها و سایر موجودات زنده باید آسیب بینند تا ما پیشرفت کنیم؟ در این باره بحث کنید و نظر خودتان را حداقل در ۲۵۰ کلمه بنویسید.

۳. «بوزینه کوتوله»، کوچک‌ترین میمون دنیاست. این میمون‌ها در بزرگ‌سالی، تنها ۱۴ تا ۱۶ سانتی‌متر طول دارند و وزنشان





کلمه‌ها و ترکیباتی که برای نخستین بار در این داستان با آن‌ها آشنا شدی

معانی آن	کلمه (و یا ترکیب)

در مورد معنای هر کلمه، لااقل یکی از فعالیت‌های زیر را انجام بده:

- با دوستان خود گفت‌وگو کن.
- با پدر و مادرت بحث کن.
- درستی آن را با آموزگار کنترل کن.
- با مراجعه به لغت‌نامه، فرهنگ‌نامه و یا دایرةالمعارف، اطلاعات بیشتری به دست آور.

شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان



حوادث و رویدادها



مکان



زمان



نقش‌های داستان

## ● یک کتاب: میمون در خدمت گرگ!

**شورش خرگوش‌ها،** کتابی است که آریل دورفمان، نویسنده، نمایش‌نامه‌نویس و شاعر آمریکایی لاتین آن‌را نوشته و به غیر از فارسی، به سی زبان دیگر نیز ترجمه شده است. در این کتاب، میمون، نقش محوری دارد، ولی جزو شخصیت‌های اصلی است. گرگ شاه، دشمن خرگوش‌های دم‌پنبه‌ای است. برای همین اسم خرگوش‌ها را از همی کتاب‌ها خط می‌زند و از میمون عکاس می‌خواهد تندتند از او عکس بگیرد تا عکس‌های گرگ شاه و فقط او، سراسر جنگل و در و دیوار خانه‌ها را بپوشاند و...

این کتاب را نشر افق در ۴۸ صفحه با ترجمه‌ی امیلی امرایی به چاپ رساند و در چهارمین دوره‌ی جشنواره‌ی کتاب‌های برتر، به عنوان کتاب برگزیده اعلام شد.

## ● یک بازی رایانه‌ای درباره‌ی درس ریاضیات با حضور میمون!

پایگاه اطلاعاتی آموزش مجازی پویا به نشانی [www.LRN.ir](http://www.LRN.ir)، بازی‌های آموزشی متنوعی دارد که برخی از آن‌ها در اختیار همه‌ی مراجعه‌کنندگان و برخی دیگر، در اختیار اعضای است که در سایت ثبت‌نام می‌کنند. تعدادی از بازی‌های جذاب این سایت در مورد درس ریاضی است که دانش‌آموزان کلاس‌های دوم دبستان به بعد می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. نام یکی از این بازی‌ها، «موزهای پنهان» است. با انجام این بازی می‌توانیم اندازه‌ی زاویه‌ها را بیاموزیم. در این بازی، میمون بازگوشی وجود دارد که حرکت می‌کند تا روی زاویه‌ی مورد نظر قرار گیرد. سپس روی میمون جست‌وجو کلیک می‌کنیم تا اندازه‌ی زاویه را نشان دهد. برای تکرار بازی، روی میمون بعدی کلیک می‌کنیم تا بتوانیم دوباره بازی کنیم. اگر درست عمل کنیم، ده موز نصیب ما می‌شود و بابت هر اشتباه، یک موز کم می‌شود. برای عضویت در این پایگاه، باید یک رایانه‌ی الکترونیکی به نشانی [info@LRN.ir](mailto:info@LRN.ir) ارسال کرد.

زیرنویس

1. گوه یا سنبه، قطعه چوبی به صورت قلم نوک تیز است که به تدریج کلفت‌تر می‌شود و آن را در موقع قطع چوب، در شکاف فرو می‌برند.
2. Antirrhinum majus
3. snapdragon
4. space chimps



نویسندگان: ابراهیم اصلانی، مرتضی مجدفر، لیلا سلیقه‌دار

دوره‌ی غیر حضوری

# شیوه‌های مؤثر تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت



با نگاهی اساسی به «انگیزش» به عنوان سر منشأ  
مباحث مرتبط با تشویق و تنبیه

کد دوره: ۹۱۴۰۰۴۸۵، مدت: ۱۰ ساعت  
برگزار کنندگان:

مرکز آموزش نیروی انسانی، آمار و فناوری  
وزارت آموزش و پرورش  
ودفتر انتشارات کمک آموزشی (مجلات رشد)

پرونده‌ی ضمیمه‌ی  
رشد آموزش ابتدایی شماره‌ی ۴  
دی‌ماه ۱۳۸۹

## همکاران محترم!

درست است مطالعه‌ی مطالبی که در پی خواهد آمد، می‌تواند برای شما سودمند باشد و ما نیز از این بابت بسیار خرسند می‌شویم، ولی اگر قصد دارید از مزایای اداری این اقدام هم بهره‌مند شوید، لازم است حتماً برای شرکت در آزمون دوره‌ی غیرحضوری «شیوه‌های مؤثر تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت»، در اداره‌ی آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش محل اشتغال خود نام‌نویسی کنید

افرادی که در مهلت مقرر، در این دوره ثبت‌نام کرده باشند، می‌توانند در آزمونی که شرایط آن طبق بخشنامه‌ی در آینده اعلام خواهد شد، شرکت کنند و در صورت قبولی با شرایط اعلام شده، گواهی‌نامه‌ی آموزش ضمن خدمت به مدت ۱۰ ساعت را دریافت دارند.

مرکز آموزش نیروی انسانی، آمار و فناوری  
وزارت آموزش و پرورش



### فهرست

- پیش‌گفتار..... ۱۹
- تشویق و تنبیه و تصورات ما..... ۲۰
- مفاهیم مربوط به انگیزش، تشویق و تنبیه..... ۲۲
- تشویق و تنبیه و کارکردهای انگیزش..... ۲۳
- مبانی تشویق و تنبیه، زیر چتر انگیزش..... ۲۵
- انگیزش، تشویق و تنبیه و تربیت دینی..... ۲۶
- تشویق و تنبیه، انگیزش و معلم..... ۲۸
- تشویق و تنبیه، انگیزش و رقابت..... ۲۹
- اثر بخشی تشویق، تنبیه و انگیزش..... ۳۱
- برخی منابع فارسی..... ۳۲

۲۰

—○—



## پیش‌گفتار

در بهار سال ۱۳۸۹، مسئولان ارشد دو بخش وزارت آموزش و پرورش، تفاهم‌نامه‌ای را امضا کردند که به موجب آن قرار شد، از مجلات رشد ویژه‌ی معلمان، معاونان، مربیان و مدیران واحدهای آموزشی، علاوه بر کارکردهای عادی و همیشگی، به عنوان منابعی برای آموزش‌های ضمن خدمت فرهنگیان نیز استفاده شود. به موجب این تفاهم‌نامه، «مرکز آموزش نیروی انسانی، آمار و فناوری وزارت آموزش و پرورش» و «دفتر انتشارات کمک آموزشی» (ناشر مجلات رشد)، مقرر کردند، در مرحله‌ی اول و برای اجرا در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹، در شماره‌ی چهار (دی ۱۳۸۹)، سه مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، رشد مدیریت مدرسه و رشد معلم، برای سه دوره‌ی کددار و تعریف شده‌ی مجزا از هم، منابعی تدوین و به چاپ برسانند تا همکاران فرهنگی واجد شرایط، پس از ثبت نام در واحدهای آموزش ضمن خدمت ادارات محل اشتغال خود، با تهیه و خواندن ویژه‌نامه‌های مندرج در شماره‌ی چهار مجلات یاد شده و شرکت در آزمون‌های اعلام شده و قبولی، بتوانند گواهی‌نامه‌ی آموزش ضمن خدمت به مدت ساعات اعلام شده را دریافت کنند.

اکنون بسیار خوش‌وقتیم که توفیق تدوین منبع آموزشی دوره‌ی شیوه‌های مؤثر تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت (کد دوره‌ی ۹۱۴۰۰۴۸۵) به میزان ۱۰ ساعت، نصیب ما شده است. ما با فرض این که این متن آموزشی در قالب محتوای پنج جلسه‌ی آموزش دو ساعته ارائه شود و با همکاران با اختصاص حداقل ۱۰ ساعت وقت در فاصله‌های گوناگون، به مطالعه‌ی عمیق آن بپردازند، به تدوین آن اقدام کردیم. مجموعه‌ای که در صفحات بعد خواهید خواند، چند ویژگی اصلی دارد:

۱) اکنون با بررسی منابع آموزشی موجود و جدید در ایران و جهان، بحث شیوه‌های مؤثر تشویق و تنبیه را دیگر به‌طور مستقل ملاحظه نمی‌کنیم و این مبحث، زیر مجموعه‌ای از موضوعی کلان‌تر و اساسی‌تر به نام «انگیزش» است. از این رو، ما ضمن توجه کامل به هدف‌های آموزشی مقرر شده در ریزمحتوای آموزشی مصوب دوره از سوی مرکز آموزش نیروی انسانی، آمار و فناوری آموزش و پرورش، سعی کرده‌ایم بحث تشویق و تنبیه را با در نظر گرفتن چتر پوشش دهنده‌ی این مفاهیم، یعنی انگیزش، و به موازات هم پیش ببریم.

۲) به خاطر محدودیت زمانی دوره، گستردگی مفاهیمی که لازم است مطرح شوند، وقت و فرصت کم همکاران، مثل بسیاری از کتاب‌ها و منابعی که این روزها منتشر می‌شوند، کوشیده‌ایم کل مبحث را در نکته‌هایی مستقل و مجزا از هم ارائه دهیم. در مجموع، تعداد این نکته‌ها بالغ بر ۸۰ مورد شده است.

۳) در انتهای مجموعه، منابع فارسی موجود در زمینه‌ی انگیزش و نیز تشویق و تنبیه را ذکر کرده‌ایم تا اگر کسانی علاقه‌مند بودند، به تهیه و مطالعه‌ی آن‌ها بپردازند.

۴) برای تدوین این محتوا، از بیش از ۶۰ کتاب، پایان‌نامه و مقاله‌ی منتشر شده‌ی فارسی، ۱۲ کتاب انگلیسی و ده‌ها پایگاه اینترنتی معتبر استفاده کرده‌ایم. مشخصات برخی از این منابع (به‌ویژه منابع فارسی) را در پایان مجموعه مشاهده خواهید کرد، ولی به دلیل محدودیت فضای مجله، دیگر اطلاعات کتاب‌شناختی را به دفتر مجله سپرده‌ایم.

در پایان، بار دیگر از توفیقی که نصیبمان شد و در مدتی کوتاه این مجموعه فراهم آمد، خدای بزرگ را شاکریم و امیدواریم با همکاری ادارات کل استان‌ها و واحدهای گوناگون وزارت آموزش و پرورش، شاهد بهره‌گیری صحیح از منابع در دسترس خودمان، از جمله مجلات رشد باشیم.

نویسندگان ویژه‌نامه



## تشویق و تنبیه و تصورات ما

۱ انگیزش موضوعی گسترده و پدیده است و طیفی گوناگون از تشویق و تنبیه گرفته تا ویژگی‌های عاطفی افراد را شامل می‌شود. به‌طور کلی، هر عاملی که با برانگیخته شدن مرتبط باشد، در زیرمجموعه‌ی انگیزش جای می‌گیرد. البته موضوع انگیزش، فقط به دادن و ندادن جایزه (تشویق و تنبیه) محدود نیست و در جریان آموزش، بسیاری از نکات می‌توانند موضوعاتی انگیزشی تلقی شوند. وقتی از معلم خواسته می‌شود در آغاز درس، هدف‌های آموزشی را بیان کند، وقتی شرایطی به وجود می‌آوریم که دانش‌آموزان از عملکرد خود احساس رضایت کنند، وقتی هنگام آموزش مطالب تازه، از مثال‌های آشنا و کاربردی استفاده می‌کنیم، و وقتی معلم با استفاده از روش‌های متنوع آموزشی، دانش‌آموزان را به مشارکت در یادگیری ترغیب می‌کند و در همه‌ی این موارد، در واقع با موضوعی انگیزشی سروکار داریم.

۲ وقتی از تشویق سخن می‌گوییم، فقط تصوراتی مانند دست زدن یا جایزه دادن (پاداش‌های عینی) به ذهن افراد می‌آید. تنبیه هم به‌طور معمول، کتک زدن (تنبیه بدنی)، البته با درجات متفاوت، تلقی می‌شود. اگر با دیدی عمیق و گسترده‌تر به مفهوم انگیزش توجه کنیم، شاید بعضی از تصورات رایج را در مورد تشویق و تنبیه از ذهن خود پاک



کنیم. محدود کردن اصطلاح انگیزش به چند موضوع معمولی و قدیمی، ما را از فهم کارکرد واقعی آن دور خواهد ساخت.

صاحب‌نظران روان‌شناسی تربیتی، انگیزش را عاملی مهم و اساسی در یادگیری مؤثر و پویا می‌دانند. به عقیده‌ی آن‌ها، انگیزش قلب یادگیری و به عبارت بهتر، قلب تربیت است.

۳) مانند همه‌ی ابعاد و مباحث شخصیتی، انگیزش را نمی‌توان موضوعی مجزا و مجرد در نظر گرفت. انگیزش، از سویی بر ابعاد شخصیتی انسان تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر، از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. پیشرفت دانش‌آموز در یک درس، انگیزش او را بالا می‌برد و به همین ترتیب، دانش‌آموزی که انگیزه‌ی بالایی دارد، درس‌ها را بهتر یاد می‌گیرد. و یا دانش‌آموزی که روابط اجتماعی مطلوبی دارد، از اطرافیان بازخوردهای مثبت می‌گیرد و روحیه‌ی خوبی برای مشارکت دارد. دانش‌آموز با انگیزه هم، از زمینه‌های بیشتری برای حضور در جمع و گسترش روابط اجتماعی برخوردار است. نکته اساسی این است که انگیزش موضوعی درهم تنیده با همه‌ی ابعاد شخصیت است.

۴) برخلاف تصور بعضی، انگیزش نه تنها مفهوم ساده‌ای نیست، بلکه ایجاد و تقویت آن هم کار آسانی به شمار نمی‌آید. اگر برداشت‌های کلیشه‌ای از انگیزش را کنار بگذاریم، اهمیت و جایگاه آن را بهتر درک خواهیم کرد. این مهم، هم برای مدرسه و هم برای معلم، نتایجی در بردارد. نتیجه‌ی مدیریتی موضوع آن است که مدرسه باید برای انگیزش هم طرح و برنامه داشته باشد. داشتن غرفه‌ی جوایز، نصب عکس دانش‌آموزان بر تر روی تابلو، دادن کارت جایزه و...، تصوراتی ساده‌انگارانه از موضوع انگیزش است. بحث درباره‌ی نظام انگیزشی، می‌تواند یکی از موضوعات جدی هر مدرسه‌ای باشد.

۵) گاهی لازم است معلم نیز دانش خود را درباره‌ی انگیزش و به همین منوال درباره‌ی تشویق و تنبیه ارتقا دهد. ما معلمان ناگزیریم درباره‌ی انسان امروزی، به ویژه کودک و نوجوان، حقایق تازه‌ای را بیاموزیم. امروزه

در مورد مباحث مربوط به تربیت و یادگیری، نکته‌ها و دیدگاه‌های جدیدی مطرح هستند. بخش عمده‌ای از این نظریه‌ها به انگیزش مربوط است. در همه‌ی مباحث امروزی آموزش و یادگیری، از جمله هوش‌های چندگانه، خلاقیت، آموزش پژوهش‌محور و یادگیری مشارکتی، انگیزش یکی از ارکان مهم به شمار می‌رود.

۶) همه‌ی ما، گاهی اهمیت و نقش انگیزش را در زندگی فراموش می‌کنیم و به همین دلیل، فرصت‌های لذت بردن از زندگی را از دست می‌دهیم یا این فرصت‌ها را از دیگران می‌گیریم. زمانی می‌توانیم دانش‌آموزان را به آموختن برانگیزیم که خودمان برای آموختن و تغییر یافتن برانگیخته باشیم. معلم نمی‌تواند مثل کارمندی باشد که پشت میز یا باجه می‌نشیند و فقط جواب ارباب رجوع را می‌دهد. عواطف و روحیات معلم در کارش نقش اساسی دارند. انگیزش معلم با انگیزش دانش‌آموزانش گره خورده است.

۷) هر رویکرد انگیزشی، ابزارهای خاص خود را می‌طلبد. همچنین، تمرکز صرف بر ابزارها و غفلت از خاستگاه آن‌ها، موضوع مهمی در بحث انگیزش است. آن‌چه باید مشخص کند، از کدام ابزارهای انگیزشی می‌توان استفاده کرد، نظام انگیزشی و رویکرد مدرسه است.

چرا مدرسه باید غرفه‌ی جوایز داشته باشد؟ چرا باید شاگرد اول، دوم و سوم تعیین کنیم؟ چه ضرورتی برای تشویق عده‌ای سر صف وجود دارد؟ چرا باید به دانش‌آموزان یا به برخی از آن‌ها هدیه داد؟ چرا باید عکس دانش‌آموزان بر تر روی تابلو نصب کرد؟ چرا دانش‌آموزان را به رقابت با هم وادار می‌کنیم؟ آیا نباید دیدگاه و رویکرد مدرسه و معلمان در این موارد مشخص شود؟

۸) یکی از تبعات روش‌های ایجاد انگیزش و ابزارهای تشویق در مدرسه دادن جایزه است. پیرامون ویژگی‌های جایزه و ضرورت وجود آن، تردیدهایی زیادی وجود دارد که تمامی آن‌ها جای بحث و بررسی دارند. اما نکته‌ای که در حال حاضر بیشتر می‌تواند مورد تأمل قرار گیرد، نوع جایزه است. آیا مهم، دادن جایزه است و نباید

## مفاهیم مربوط به انگیزش، تشویق و تنبیه

**۱۱ انگیزش:** به نیروی ایجادکننده، نگه‌دارنده و هدایت‌کننده رفتار گفته می‌شود. انگیزش را عامل بنیادی مولد رفتار به حساب می‌آورند.

معلمان به‌طور معمول، دانش‌آموزانی را که به درس علاقه دارند، دارای انگیزش سطح بالا و آن‌هایی را که به درس بی‌علاقه یا کم علاقه‌اند، دارای انگیزش سطح پایین می‌دانند. اما موضوع انگیزش منحصر به درس نیست و شامل همه‌ی ابعاد زندگی می‌شود.

**۱۲ مشوق (محرک، انگیزانه):** شیء یا رویدادی است که رفتار را برمی‌انگیزد یا باز می‌دارد.

معلمانی که به کمک نمره، جایزه، تشویق کلامی و رفتار محبت‌آمیز دانش‌آموزان را به درس خواندن و رفتارهای پسندیده وامی‌دارند (فعالیت‌های تشویقی)، و با سرزنش، توبیخ، ترسروبی و بی‌مهری آنان را از تنبلی و رفتارهای ناپسند باز می‌دارند (فعالیت‌های تنبیهی)، در واقع از مشوق‌ها استفاده می‌کنند.

**۱۳ انگیزش بیرونی:** انگیزشی است که به وسیله‌ی عوامل خارج از فرد و خارج از کاری که انجام می‌گیرد، برانگیخته می‌شود؛ مانند پاداش و تنبیه. معلم به دانش‌آموزی که تکالیفش را به خوبی انجام داده است، لبخند می‌زند. دانش‌آموزی که رتبه‌ی اول را کسب کرده است جایزه می‌گیرد. دانش‌آموزی که در انجام فعالیت‌های موفق نبوده است، توبیخ می‌شود. همه‌ی این‌ها مثال‌هایی از انگیزش بیرونی هستند.

**۱۴ انگیزش درونی:** منشأ این نوع انگیزش در کاری است که انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر، انگیزش درونی به کاری که انجام می‌گیرد، وابسته است؛ مانند اشتیاق فرد برای انجام آن کار.

وقتی معلم به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد که مسئله‌ی ریاضی را به روش اکتشافی حل کنند، اگر آنان ارتباط بین مطالب جدید با مطالب قبلی را دریابند یا از درس ارائه شده، کاربردهایی برای زندگی خود بیابند، از درک موضوع لذت می‌برند. این‌گونه موارد از نمونه‌های

به نوع آن توجه کرد؟ با رواج انواع اجناس ارزان قیمت که به‌طور معمول از کیفیت پایینی نیز برخوردارند، مدارس به سمت خرید این کالاها روی آورده‌اند. گاهی در مدارس اجناسی به عنوان جایزه خریداری می‌شوند که کاربرد ندارند یا حداقل برای عده‌ای از دانش‌آموزان، داشتن و نداشتن آن مهم نیست.

**۹** قضاوت در مورد انگیزش دیگران همیشه کار ساده‌ای نیست. گاهی شناسایی وضعیت انگیزشی افراد از روی شاخص‌های ظاهری، به نتایج نادرستی می‌انجامد. بسیار دیده شده است که دانش‌آموزی از انگیزش تحصیلی مطلوبی برخوردار نیست، ولی در زمینه‌های فردی و مورد علاقه‌ی خود، انگیزش سطح بالایی دارد، ممکن است دانش‌آموزی هم در درس خواندن انگیزه داشته باشد، اما به سایر زمینه‌ها علاقه‌ای نشان ندهد. قضاوت درباره‌ی انگیزش، در موارد زیادی مستلزم تحلیل‌های دقیق (نشانه‌گانی) است و بر همین اساس هم باید برنامه‌های عملیاتی تشویق و تنبیه را در مورد این دانش‌آموز خاص سامان داد.

**۱۵** انگیزش را نمی‌توان به مجموعه‌ای از پادها و نیایدها محدود کرد. انگیزش تحمیلی و اجباری نیست و به کار بردن تعابیری چون: «باید در کودکان انگیزش به وجود آورد» و یا «کودکان را باید وادار کرد»، جای تأمل دارد. شاید این گونه تعابیر، مصداق‌هایی از ساده‌انگاری در مورد انگیزش باشند.

انگیزش برخاسته از نیازهای درونی انسان است. حتی اگر جریان انگیزشی از بیرون وارد عمل شود، زمانی مؤثر خواهد بود که با نیازهای درونی سازگار باشد. انگیزش تحمیلی و اجباری، تأثیری محدود و گذرا دارد. بسیاری از برنامه‌های تشویق و تنبیه جاری در برخی مدارس، از همین نوع نگاه نشئت می‌گیرد. ✓



انگیزش درونی هستند.

**۱۵) تقویت مثبت:** فرایندی است که در آن، ارائه‌ی تقویت‌کننده‌ی مثبت بعد از رفتار، به نیرومند شدن و تکرار آن رفتار می‌انجامد.

معلم کلاس اول دبستان تصمیم می‌گیرد، هر وقت دانش‌آموزان هنگام ورود به کلاس به او سلام کنند، با لبخندزدن به هنگام جواب سلام، رفتار سلام دادن آن‌ها را تقویت کند. در این مثال، معلم به تقویت‌کننده‌ی مثبت توجه دارد. نتیجه‌ی این فرایند، تثبیت رفتار سلام کردن در دانش‌آموزان خواهد بود.

**۱۶) تقویت منفی:** فرایندی است که در آن، حذف تقویت‌کننده‌ی منفی بعد از رفتار، به نیرومند شدن و تکرار آن رفتار می‌انجامد.

معلم، دانش‌آموز را با ترساندن از نمره‌ی کم، به درس خواندن وامی‌دارد. در این مثال نمره‌ی کم، تقویت‌کننده‌ی منفی است. دانش‌آموز به خاطر روبه‌رو نشدن با این محرک (حذف آن)، بهتر درس می‌خواند و نتیجه‌ی این فرایند، تقویت رفتار درس خواندن در دانش‌آموز است.

**۱۷) پاداش:** پاداش را می‌توان روش تقویت مثبت دانست، اما بین این دو تفاوت اندکی وجود دارد، در پاداش دادن به افراد، هدف اصلی قدردانی و سپاس‌گزاری از اعمال گذشته‌ی آن‌هاست. اگرچه پاداش معمولاً به تکرار رفتار می‌انجامد، اما هدف از پاداش دادن، الزاماً تکرار آن رفتار در آینده نیست.

**۱۸) تنبیه:** نامطلوب‌ترین روش کاهش رفتار، تنبیه است. تنبیه، ارائه‌ی محرکی آزارنده بعد از رفتاری نامطلوب به منظور کاهش آن رفتار است. معلمی بعد از اعلام نمره‌ی کم دانش‌آموز، نارضایتی خود را با اخم کردن نشان می‌دهد تا رفتارهایی را که موجب نمره‌ی کم گرفتن می‌شوند، کاهش دهد. پدری به علت زدن حرف زشت، فرزندش را کتک می‌زند؛ با این تصور که او دیگر حرف زشت نزند.

**۱۹) مقایسه‌ی تقویت مثبت و تقویت منفی:** هم تقویت مثبت و هم تقویت منفی سبب افزایش رفتار می‌شوند؛ با این تفاوت که در تقویت

مثبت، ارائه‌ی تقویت‌کننده‌ی مثبت و در تقویت منفی، حذف تقویت‌کننده‌ی منفی به این نتیجه می‌انجامد. دانش‌آموزی را به امید قبول شدن و کسب نمره‌های خوب و دانش‌آموز دیگری را با ترساندن از قبول نشدن، به درس خواندن وامی‌داریم. در هر دو حالت، نتیجه افزایش رفتار درس خواندن است. در اولی وجود تقویت‌کننده‌ی مثبت (قبول شدن) و در دومی تلاش برای حذف تقویت‌کننده‌ی منفی (قبول نشدن) به درس خواندن منجر می‌شود.

**۲۰) مقایسه‌ی تقویت منفی و تنبیه:** در تقویت منفی، هدف افزایش رفتار و در تنبیه، هدف کاهش رفتار است. اما در هر دو، تقویت‌کننده‌ی منفی (محرک آزارنده) وجود دارد. در تقویت منفی، تقویت‌کننده‌ی منفی حذف می‌شود تا رفتار افزایش یابد. در تنبیه، تقویت‌کننده‌ی منفی وارد عمل می‌شود تا رفتار کاهش یابد.

معلم دانش‌آموزان را تهدید می‌کند تا زمانی که نقاشی‌شان را تمام نکنند، اجازه‌ی خروج از کلاس را نخواهند داشت. ندادن اجازه‌ی خروج از کلاس، تقویت‌کننده‌ی منفی است و دانش‌آموزان تلاش می‌کنند برای حذف آن کارشان را به موقع انجام دهند. در حالتی دیگر، اگر معلم به دانش‌آموزانی که نقاشی‌شان را تمام نکرده‌اند، اجازه ندهد از کلاس خارج شوند، آن‌ها را تنبیه کرده است. ✓

## تشویق و تنبیه و کارکردهای انگیزش

**۲۱)** مردم کاری را می‌کنند که برای آن برانگیخته شده‌اند. هر معلمی می‌تواند این واقعیت را به آسانی در میان دانش‌آموزانش مشاهده کند. معلم می‌بیند که همه‌ی دانش‌آموزان به همه‌ی درس‌ها علاقه نشان نمی‌دهند. یا حتی همه‌ی موضوع‌های یک درس نیز برای دانش‌آموزان جالب نیستند. در این حالت معلم باید به یک کار انگیزشی روی آورد.

انگیزش یک موضوع شخصی نیز هست. اگر بخشی از توجهات انگیزشی معلمان به دانش‌آموزان معطوف باشد،





بخش دیگر آن باید متوجه شخصیت خودشان باشد. پس انگیزش علت رفتار هر یک از ما را روشن می‌سازد و معلوم می‌کند که چرا مردم رفتارهای گوناگونی با درجات متفاوت دارند.

**۲۲** در زندگی هر یک از ما، انگیزش می‌تواند کارکردی چند بعدی داشته باشد:

- تصورات ما را نسبت به زندگی مشخص سازد؛
- ما را به دیگران بشناساند؛
- تعیین‌کننده‌ی روابط و تعامل با دیگران باشد؛
- در انتخاب‌ها، علاقه‌ها و تصمیم‌گیری‌های ما نقش مؤثری ایفا کند؛
- تعیین‌کننده‌ی میل به پیشرفت و موفقیت در زندگی و فعالیت‌ها باشد.

در مجموع، انگیزش محور همه‌ی فعالیت‌های زندگی ماست و جهت‌گیری نگرش‌ها و رفتارهایمان را مشخص می‌سازد.

**۲۳** انگیزش یکی از مؤلفه‌های مهم تربیت محسوب می‌شود. در هر اقدام تربیتی، انگیزش نقش اساسی دارد. این نقش حداقل از دو بعد قابل توجه است:

- شرایط انگیزشی معلمان و مربیان و تأثیر آن روی دانش‌آموزان؛
- شناخت وضعیت انگیزشی دانش‌آموزان و انتخاب روش‌های مناسب.

**۲۴** همان‌گونه که برای دانش‌آموزان باید موقعیت‌های مناسب انگیزشی فراهم آورد، معلمان نیز به انگیزش و تشویق نیاز دارند. انگیزش مناسب موجب تأمین و ارتقای سلامت روانی معلمان خواهد شد. اگر از معلمان توقع می‌رود که در مورد مسائل انگیزشی دانش‌آموزان حساس باشند، برای حفظ و تداوم انگیزش معلمان هم باید تدابیری اندیشید. به عبارت دیگر، اگر از معلم انتظار داریم فعالیت‌های عملی ویژه‌ای را در ارتباط با تشویق و تنبیه دانش‌آموزان خود به کار گیرد، خود او نیز باید در سامانه‌ای کار کند که سیاست‌های تشویقی و تنبیهی مشخصی دارد.

**۲۵** مؤلفه‌های متنوعی مانند روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی یادگیری، هوش و تفکر، روش‌های آموزش،

انگیزش و سنجش و ارزش‌یابی، در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی مؤثرند. این‌که تعیین کنیم کدام مؤلفه اهمیت بیشتری دارد، کار درستی به نظر نمی‌رسد. همه‌ی مؤلفه‌ها به صورت تعاملی در فرایند آموزش و تربیت تأثیرگذار و مهم‌اند. اما نکته‌ی مهم درباره‌ی انگیزش، این است که کارکردهای آن، به آموزش و یادگیری محدود نمی‌شود.

یک انگیزش مؤثر برای پیشرفت تحصیلی، می‌تواند به سایر زمینه‌های زندگی نیز تعمیم یابد. به همین ترتیب، نادیده گرفتن اهمیت انگیزش در آموزش، ممکن است به گسترش آسیب‌های انگیزشی به زمینه‌های دیگر زندگی بینجامد. دانش‌آموزی که در مدرسه برای پیشرفت و موفقیت برانگیخته نمی‌شود یا روش‌های تشویقی - انگیزشی نامناسب در مورد او به کار می‌رود، احتمال دارد در زندگی روزمره هم دچار مشکلات انگیزشی شود و دیگر هیچ فعالیت تشویقی و تنبیهی در مورد او تأثیرگذار نباشد.

**۲۶** امروزه انگیزش فقط به اعمال روش‌های خاص تشویقی محدود نمی‌شود. یکی از مهم‌ترین کارکردهای انگیزش را در روش‌های یادگیری می‌توان دید. در نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید یادگیری، بر نقش فعال یادگیرنده تأکید می‌شود. انگیزش دانش‌آموزان برای ایفای نقش فعال، به طور مستقیم با وظایفی در ارتباط است که از آن‌ها خواسته می‌شود در مدرسه انجام دهند.

**۲۷** یافتن روش‌های انگیزشی مناسب و به کار بردن آن‌ها، مستلزم آشنایی با نظریه‌های یادگیری و انگیزش است. این توجیه که معلمان و والدین فقط به کاربردها نیاز دارند و نظریه‌ها به درد آن‌ها نمی‌خورد، نه تنها درست نیست، بلکه در کاربرد روش‌های انگیزشی هم مشکل به وجود می‌آورد.

معلم یا مدرسه‌ای که به استفاده از روش‌های انگیزش درونی تمایل دارد، اگر با مبانی یادگیری و آموزشی این روش‌ها آشنا باشد، حتماً به نتایج مؤثرتری خواهد رسید. بنابراین بهتر است معلمان با مبانی فلسفی و علمی روش‌های گوناگون انگیزشی، از جمله تشویق و تنبیه آشنایی کامل داشته باشند

**۲۸** انگیزش فقط یک موضوع مربوط به کلاس یا معلم نیست، بلکه موضوعی مدرسه‌ای و مدیریتی هم محسوب می‌شود. این کارکرد انگیزش از دو زاویه حائز اهمیت است:

**اول،** روش‌های انگیزشی مدرسه؛

**دوم،** میزان هماهنگی روش‌های انگیزشی مدرسه با معلمان و والدین. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که برای این موارد وقت بیشتری در مدرسه صرف شود.

**۲۹** اگرچه انتظار می‌رود، انگیزش کارکردهای مثبتی در کلاس و مدرسه داشته باشد، اما نباید از کارکردهای منفی آن نیز غافل بود. بسیار دیده می‌شود که مدرسه یا معلم روش‌های انگیزشی خاصی را با تصور اثربخش بودن آن‌ها اعمال می‌کنند؛ اما واقعیت به گونه‌ی دیگری است. استفاده از انواع کارت‌های تشویقی، مصداقی برای این موضوع است. این نوع کارت‌ها به ظاهر می‌توانند مفید باشند، اما کارکردهای منفی هم دارند. بنابراین هر نوع سیاست تشویقی یا تنبیهی که در مدرسه اعمال می‌شود، قبل از اجرا باید به درستی آسیب‌شناسی شود و فرصت‌ها و تهدیدها، و محاسن و معایب آن تبیین شود. **۳۰** بخش مهمی از کارکردهای انگیزشی به خانواده و والدین مربوط می‌شود. هر دانش‌آموز با سابقه‌ی انگیزشی خاص خود وارد مدرسه می‌شود و مدرسه و معلمان نمی‌توانند این سابقه را نادیده بگیرند. توجه به تفاوت‌های انگیزشی دانش‌آموزان، کاربرد روش‌های مدرسه یا معلم را اثربخش‌تر خواهد کرد. از این‌رو، هماهنگی مدرسه با خانواده‌ها در روش‌های تشویقی و تنبیهی اعمال شده، مؤثر خواهد بود. ✓

### مبانی تشویق و تنبیه، زیر چتر انگیزش

**۳۱** از لحاظ تربیتی، انگیزش هم هدف است و هم وسیله. به عنوان هدف، ما از دانش‌آموزان می‌خواهیم نسبت به موضوع‌های گوناگون درسی و اجتماعی علاقه نشان دهند. به عنوان وسیله، انگیزش به صورت آمادگی

روانی، یک پیش‌نیاز یادگیری شمرده می‌شود.

**۳۲** در مورد مبانی انگیزش، رویکردهای متفاوتی وجود دارد که برگرفته از مکاتب علمی، فکری و مذهبی است. این رویکردها و دیدگاه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در کاربردها دارند. هر رویکرد بر مبنای خاستگاه فلسفی و روان‌شناختی خود، کاربردهای خاصی را ارائه می‌دهد. اگرچه انتظار نمی‌رود معلمان و والدین صرفاً تابع رویکرد خاصی باشند، اما آشنایی (حتی نسبی) با مبانی رویکرد، آن‌ها را در استفاده‌ی صحیح از کاربردها یاری خواهد داد. تمرکز صرف بر روش‌ها بدون آشنایی با مبانی آن‌ها، باعث کاربردهای نادرست یا ناقص می‌شود.

**۳۳** رویکرد رفتارگرایی، انگیزش را وابسته به کسب تقویت و اجتناب از تنبیه می‌داند. در این رویکرد، مشوق‌ها منبع انگیزشی دانش‌آموزان به حساب می‌آیند. استفاده از نمره، جایزه، کارت تشویقی، رتبه‌بندی، رقابت، سرزنش و توبیخ، نمونه‌هایی از ابزارهای رایج در رویکرد رفتارگرایی هستند. این رویکرد مبتنی بر انگیزش بیرونی است.

**۳۴** رویکرد رفتارگرایی در تشویق و تنبیه و فعالیت‌های انگیزشی بین مدارس و معلمان ما رواج فراوانی دارد. اما به همان نسبت که این رویکرد رایج است، به همان اندازه مبانی آن مورد غفلت قرار می‌گیرد. به همین دلیل، بسیاری از روش‌های مبتنی بر رفتارگرایی به صورت نادرست یا معیوب به کار گرفته می‌شوند. مدارس و معلمانی که از کارت‌های تشویقی، غرفه یا ویترین جوایز و امتیازدهی به رفتارها استفاده می‌کنند، باید با روش‌های ایجاد، تقویت و حفظ رفتار آشنا شوند. در غیر این صورت، این فعالیت‌ها صرفاً در سطح باقی خواهند ماند و در درازمدت اثرات تشویقی خود را از دست خواهند داد.

**۳۵** به‌طور معمول، مدارس و معلمان با روش‌های انگیزش بیرونی - و نه مبانی آن - بیشتر آشنا هستند. چرا ادراک انگیزش بیرونی آسان است؟ زیرا نتایج آن واضح و ملموس است، در حالی که ادراک انگیزش درونی چندان ملموس نیست. شاید یکی از دلایل توجه به انگیزش بیرونی همین موضوع باشد. اما به نظر می‌رسد که معلمان و مدارس با اصلاح رویه‌های رایج، باید جهت‌گیری خود



را به سمت انگیزش درونی تغییر دهند. بدیهی است که تجدیدنظر در این گونه باورها به سرعت انجام نمی‌پذیرد. بسیاری از روش‌های تشویق و تنبیه جاری و ساری در مدارس، صرفاً توجه به انگیزش بیرونی است و در همین حد هم باقی می‌مانند.

**۳۶** در رویکردهای شناختی و انسان‌گرایی، انگیزش درونی بیشتر از انگیزش درونی مورد تأکید قرار می‌گیرد. یکی از راهکارهای مناسب مدارس و معلمان برای تغییر جهت از انگیزش بیرونی به انگیزش درونی، رجوع به مبانی رویکردهای اشاره شده است. با طرح نظریه‌های یادگیری سازنده‌گرایی، انگیزش درونی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در این رویکرد، بر نقش فعال یادگیرنده در درک و فهم و ساختن دانش تأکید می‌شود. پیروان نظریه‌ی سازنده‌گرایی بیش از دیگران بر فعالیت یادگیرندگان در فرایند یادگیری تأکید می‌ورزند و خود آنان را عامل اصلی ادراک امور و کشف و ساختن دانش می‌دانند. برای معلم هم نقش هدایتگری فعالیت‌های یادگیرنده و آسان‌سازی یادگیری را قائل‌اند.

**۳۷** یکی دیگر از دلایل غفلت از مبانی، رواج الگوهای تقلیدی در مدارس است. بسیاری از ابزارها و روش‌های انگیزشی امروزی که در مدارس رایج شده‌اند، حاصل تقلیدهای کلیشه‌ای و بدون درک درست مبانی هستند. هنوز هم تقلید و کپی‌برداری در برنامه‌های آموزشی و از جمله در روش‌های انگیزشی، موضوعی گسترده در مدارس ماست. این که یک روش تشویقی در مدرسه‌ای جواب داده است، الزاماً نباید در مدرسه‌ی ما هم جواب بدهد. در اجرای روش‌های انگیزشی، از جمله تشویق و تنبیه، توجه به مقتضیات فرهنگی و شرایط و ویژگی‌های محیطی و محلی، از شروط اصلی است.

**۳۸** تطبیق روش‌های رایج انگیزشی در مدارس با آموزه‌های دینی، نکته‌های بسیار تأمل‌برانگیزی در پی دارد. درحالی که این آموزه‌ها، انگیزش درونی را بیشتر مورد تأیید قرار می‌دهند، به نظر می‌رسد مدارس به شکل دیگری عمل می‌کنند. ارزیابی مجموع وضعیت مدارس در زمینه‌ی انگیزش، ضرورت‌های بیشتری را برای

بازنگری به اثبات می‌رساند. آموزه‌های دینی ما، بیشتر بر درونی شدن و عمق بخشیدن به باورهای انسان تأکید می‌کنند، درحالی که تأکید خیلی از شیوه‌های انگیزشی رایج در مدارس، نگاه‌داشتن دانش‌آموزان در سطح و «تنزل از دل به دست» است.

**۳۹** همانند همه‌ی موضوعات انسانی، در انگیزش نیز تفاوت‌های فردی وجود دارد. این تفاوت‌ها را می‌توان از فردی به فرد دیگر، از مدرسه‌ای به مدرسه‌ی دیگر و از شهری به شهر دیگر مورد توجه قرار داد. در این جا هم آفت‌های الگوهای تقلیدی بیشتر به چشم می‌آیند. لازم است انگیزش متناسب با ویژگی‌های فرد یا افراد باشد تا اثربخش و مفید واقع شود.

**۴۰** جهت‌گیری به سمت انگیزش درونی، به معنای کنار گذاشتن انگیزش بیرونی نیست. اگر از انگیزش درونی هم به‌اندازه و به‌جا استفاده شود، مؤثر خواهد بود. در موارد زیادی کاربرد انگیزش بیرونی اجتناب‌ناپذیر است، اما در مورد آن دو نکته حائز اهمیت است:

**اول**، از اثرات انگیزش بیرونی هم می‌توان در جهت انگیزش درونی استفاده کرد. حتی وقتی به دانش‌آموز جایزه‌ای می‌دهید، یادآوری کنید که این نتیجه‌ی تلاش و شایستگی اوست.

**دوم**، انگیزش درونی باید محور برنامه‌ها و روش‌های انگیزشی باشد. اگر مهم آن است که دانش‌آموزان به‌خودسامانی و خودکنترلی برسند، این هدف از مسیر انگیزش درونی تحقق می‌یابد. ✓

## انگیزش، تشویق و تنبیه، و تربیت دینی

**۴۱** در تعریف تربیت بر مبنای دین، همیشه بر غنای درون و رشد استعدادها تأکید می‌شود. هدف تربیت دینی، برانگیختن شوق و رغبت به خداپرستی و پی‌بردن به کارکرد لذت‌بخش دین است. این نکته‌ای است که باید شرط اصلی تمامی فعالیت‌های تشویقی-تنبیهی در



مدارس باشد.

**۴۲** راه تربیت انسان از خود او می‌گذرد و اگر انسان، خود این راه را ببندد، تلاش‌های بیرونی به نتیجه نمی‌رسند. مهم آن است که انگیزه و میل به اصلاح را در تربیت‌شونده ایجاد کرد. در این نوع تربیت، تأکید بر فعال کردن خود تربیت‌شونده است. تکیه بر خودجوشی، خودانگیختگی، خودیابی و خودرهبری اوست، تا از این طریق به مقصود نهایی که همان کمال مطلوب است، دست یابد.

**۴۳** عوامل تشویق باید از درون دانش‌آموز الهام گیرند. دانشمندان اسلامی به معلمان سفارش کرده‌اند که عوامل تشویق را در درون و باطن شاگردان بیدار سازند و آنان را به ارزش‌های مهم علم و معرفت رهنمون شوند. در تربیت دینی، اگرچه انگیزه‌های بیرونی هم مورد توجه هستند، اما تشویق عمدتاً مبتنی بر انگیزش درونی است. نظام اعتقادات و باورهای هر فرد هم باید درونی باشد. به این ترتیب، اسلام به غنای درون بسیار اهمیت می‌دهد.

**۴۴** **امام حسین (ع)** در دعای عرفه می‌فرماید: «پروردگارا، به من غنای نفس عطا کن.»

تفسیر این جمله آن است که: «خدایا حالتی به من بده که جز تو به دیگری احساس نیاز نکنم... به مقام، ثروت، دنیا و دیگران نیازمند نباشم.»

اگر انسان غنای نفس پیدا کند، به آرامش می‌رسد این نشانه‌ی سلامت روان است. غنای درون، نشانه‌ی تربیت مطلوب است.

**۴۵** هر انسانی بنا بر فطرت خود به کمال تمایل دارد و تشویق در این جهت، او را بیشتر برمی‌انگیزد و دلگرم می‌کند. امیرمؤمنان **علی (ع)**، به **مالک اشتر** سفارش می‌کند: «آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویقشان نما و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند، برشمار.»

خداوند متعال پیامبر گرامی‌اش را فرمان می‌دهد که مؤمنان را به نبرد تشویق و از پایداری آنان قدردانی کند: «ای پیامبر، مؤمنان را به کارزار تشویق کن که اگر از شما بیست تن شکستیا باشند، بر دویست تن چیره شوند و...» [انفال / ۶۶-۶۵].

تشویق و قدردانی موجب می‌شود که انسان در انجام وظایف خود بیش از پیش کوشا شود و میل به کمال در او فزونی گیرد. از حضرت علی (ع) نقل شده است: «هر که مشتاق باشد، اول شب به راه می‌افتد.» هم‌چنین از ایشان است: «نفس‌های خود را به سوی نعمت بهشت مشتاق کنید.»

**۴۶** تشویق به عمل نیک شخص تعلق می‌گیرد و برای آن است که نیکوکار به نیکی تمایل بیشتری یابد. شخصی که تشویق می‌شود، باید بداند آن چه ارزشمند است، عمل و صفت اوست. **امام رضا (ع)** می‌فرماید: «همانا خداوند وسعت‌دهنده، کریم و ضامن عمل ثواب است.»

**۴۷** تشویق باید به اندازه باشد و به‌هیچ‌وجه از حد تجاوز نکند، زیرا در این صورت موجب غرور و تباهی شخص می‌شود. البته تشویق نباید کمتر از اندازه هم باشد، زیرا به نتیجه‌ی مطلوب نخواهد رسید. علی (ع) فرموده است: «ستایش بیش از استحقاق، تملق است و کمتر از استحقاق، درماندگی یا رشک بردن است.»

**۴۸** اساس تربیت، رحمت و گذشت است. اما انسان پیوسته در معرض اشتباه و خطا قرار دارد و اگر به خود نیاید و بیدار نشود، از انسانیت فاصله می‌گیرد. منظور از تنبیه، به کار بردن روش‌هایی است برای بیدار کردن و هوشیار ساختن انسان. به این ترتیب، هدف آن اصلاح فرد و جامعه است. تنبیه به مفهوم درست آن، جلوه‌ای است از دوستی و رحمت برای اصلاح و تربیت. از رسول خدا (ص) روایت شده است: «رحمت من بر غضبم سبقت دارد.»

گاهی آنان که با مدارا و ملایمت اصلاح نمی‌شوند، با تنبیه مناسب اصلاح می‌شوند. علی (ع) فرموده است: «کسی که با خوش‌رفتاری اصلاح نشود، با خوب کیفر کردن اصلاح می‌شود.»

**۴۹** تنبیه برای ادب شدن و بیداری است و باید کاملاً متناسب با شخص و عملی که از او سر زده است، انتخاب شود. از مراتبی مانند چشم‌پوشی، اخم، روی تَرش کردن، روی برگرداندن، ترک کردن، قهر کردن، به کنایه



سخنی گفتن، تذکر، سخن تند و مانند این‌ها، می‌توان سود جست. این نکته‌ی ظریفی است که اگر مرتبه‌ای لطیف‌تر نتیجه می‌دهد، استفاده از مراتب شدیدتر جایز نیست. تنبیه به هیچ وجه نباید برای ارضای خود یا انتقام صورت بگیرد.

۵۰ شخصی که تنبیه می‌شود، باید نسبت به موضوع توجیه باشد و بداند که چرا تنبیه می‌شود. اگر تنبیه از تأیید درونی فرد برخوردار باشد، تأثیر بیدارکننده و بازدارنده‌ی بیشتری خواهد داشت. تنها تنبیه سنجیده و حساب شده که برخاسته از محبت و خیرخواهی است، می‌تواند اثرگذار باشد. نقل شده است، کسی نزد امام کاظم (ع) از رفتار فرزند خود شکایت کرد. حضرت به آن شخص فرمود: «فرزندت را تنبیه بدنی مکن، با او قهر کن؛ ولی قهرت طولانی نباشد.» ✓



## تشویق و تنبیه، انگیزش و معلم

۵۱ تیپ شخصیتی معلم و سبک او در اداره‌ی کلاس، در جریان انگیزش بسیار تأثیرگذار است. یکی از نقش‌های معلم در کلاس، رهبری است. هر زمان یک گروه تشکیل می‌شود، وجود رهبر ضروری است. در جمع کلاس، رهبری به‌عهده‌ی معلم است. سبک‌های گوناگونی برای رهبری کلاس وجود دارد:

- **سبک اقتدارگرایانه:** در این سبک معلم هم به روابط انسانی میان اعضای گروه احترام می‌گذارد و هم به ضوابط قانونی متکی است.
  - **سبک مستبدانه:** کلاس با روش تحکم‌آمیز اداره می‌شود. تنها معلم است که بر کل کلاس حکومت می‌کند و دانش‌آموزان حق ابراز وجود ندارند.
  - **سبک آزادگذار:** قاعده و ضابطه‌ی خاصی بر رفتار دانش‌آموزان حاکم نیست و هر کس به هر طریقی که دلش بخواهد رفتار می‌کند.
- عده‌ای معتقدند بهترین سبک اداره‌ی کلاس، «اقتدارگرایانه» است. البته تعیین سبک اداره‌ی کلاس

به موقعیت‌ها و شرایط نیز بستگی دارد و همه‌ی معلمان لزوماً نمی‌توانند از یک سبک واحد استفاده کنند. گاهی هم سبک معلم در اداره‌ی کلاس، ترکیبی از سبک‌های متفاوت است. در هر حال، سبک اداره‌ی کلاس نقش تعیین‌کننده‌ای در روش‌های انگیزشی معلم دارد و بر همین اساس است که شیوه‌های تشویقی یا تنبیهی معلم شکل می‌گیرد.

۵۲ در روش‌های آموزشی «معلم‌محور» که در آن‌ها، فعالیت‌های آموزش و یادگیری عمدتاً به وسیله‌ی معلم هدایت می‌شوند، همه‌چیز به معلم متکی است. در مقابل، معلمانی که با روش‌های «یادگیرنده‌محور» آموزش می‌دهند، چندان نگران مشکلات کلاس‌داری و حفظ انضباط نیستند. اگرچه در هر دو نوع روش آموزشی رعایت اصول کلاس‌داری و وضع معیارهایی برای رفتارهای دانش‌آموزان لازم است، اما در روش‌های یادگیرنده‌محور شرایط انگیزشی مساعدتر است.

۵۳ با وجود تأکید بر انگیزش درونی، آشنایی معلم با برخی از مفاهیم و روش‌های رفتارگرایی می‌تواند بسیار مفید و کارگشا باشد.

اگر معلم قصد دارد رفتارهای مطلوب موجود را تقویت کند یا نیرومندی آن‌ها را افزایش دهد، بهتر است با مفاهیم تقویت مثبت و تقویت منفی آشنا باشد. معلمی که به تکالیف دانش‌آموزان ستاره می‌دهد، از روش تقویت مثبت استفاده می‌کند و معلمی که دانش‌آموزان را با نوشتن حجم مشخصی از تکالیف، از تکالیف دیگر معاف می‌سازد، روش تقویت منفی را مورد استفاده قرار داده است. اگرچه نتیجه‌ی اعمال هر دو روش، افزایش نیرومندی رفتار است.

۵۴ وقتی روش‌های انگیزشی مبتنی بر رفتارگرایی در مدارس رواج دارند، انتظار می‌رود که مجریان آن‌ها حداقل با اصول کار آشنا باشند. یکی از این اصول، روش‌های حفظ رفتارهای مطلوب است. وقتی به دانش‌آموزان کارت جایزه یا ستاره می‌دهیم، در وهله‌ی اول هدف، تقویت رفتار است. اما در مرحله‌ی بعد این هدف باید به حفظ رفتار تغییر یابد. دانش‌آموزی را عادت می‌دهیم که برای هر نمره‌ی عالی،

امتیازی دریافت کند. این کار تا کی باید ادامه یابد؟ استمرار همراهی نمره‌ی عالی یا ۲۰ با امتیاز (کارت یا ستاره)، موجب وابستگی رفتار به آن امتیاز می‌شود. این جاست که باید روش‌های حفظ رفتار وارد عمل شوند. (ادامه‌ی ماجرا را در کتاب‌های روان‌شناسی تربیتی بخوانید!)

**۵۵** در رفتارگرایی، روش‌هایی هم برای کاهش و حذف رفتارهای نامطلوب پیش‌بینی شده است. از میان این روش‌ها می‌توان به: خاموشی، محروم کردن، جریمه کردن، جبران کردن و تنبیه اشاره کرد. درک تخصصی از هریک از این مفاهیم، به کاربرد درست آن‌ها کمک خواهد کرد.

**۵۶** حرکت از سمت انگیزش بیرونی به سمت انگیزش درونی، مستلزم آگاهی‌های بیشتر توأم با احتیاط در تغییر روش‌هاست. در گام‌های اول، استفاده از تدابیر متمرکز به گروه توصیه می‌شود. تشویق دانش‌آموزان به همکاری- به‌جای رقابت- و مشارکت دادن آن‌ها در جریان آموزش، از یک‌طرف موجب افزایش حس همدلی می‌شود و از طرف دیگر عزت‌نفس را بالا می‌برد.

استفاده از روش‌های چالش، مانند بحث گروهی و مطالعه‌ی مشارکتی (یا روش طلبگی) و مباحثه، دانش‌آموزان را به‌جای مقابله با یکدیگر، با یادگیری درگیر خواهد کرد. معلم می‌تواند با تدابیری، رقابت را به مسابقه تبدیل کند و یا حداقل رقابت‌های فردی را به رقابت گروهی- البته توأم با احتیاط- تغییر دهد. مبنای همه‌ی این روش‌ها، حداکثر اجتناب از مقایسه است.

**۵۷** در انگیزش درونی می‌توان از تدابیر متمرکز بر فرد هم استفاده کرد. یک روش رایج با عنوان «تلاش فردی» یا «مسابقه با خود» شناخته می‌شود. دانش‌آموز را در مسیری قرار دهید که موفقیت‌هایش را با خودش بسنجد و برای بروز حداکثر توانایی‌هایش تلاش کند.

روش «یادگیری اکتشافی» را می‌توان هم به‌طور گروهی به‌کار برد، هم به‌طور فردی. درگیر ساختن دانش‌آموزان با مسائل علمی جذاب، به آنان فرصت بیشتری می‌دهد که به جای لذت بردن از نمره و رقابت، از یادگیری لذت ببرند. پیشرفت درسی و تحصیلی، لزوماً به معنای لذت بردن از یادگیری نیست. اما وقتی شرایطی به‌وجود می‌آید

که دانش‌آموز از یادگیری و دانستن لذت ببرد، احتمال پیشرفت درسی هم افزایش خواهد یافت.

**۵۸** ربط دادن موضوعات درسی به مسائل جاری زندگی و همچنین ایجاد فرصت‌هایی برای کاربرد آموخته‌ها، به انگیزش درونی بسیار کمک می‌کند. دانش‌آموزان چیزهایی را بهتر و آسان‌تر یاد می‌گیرند و به یاد می‌آورند که به کار ببرند. معلم می‌تواند در موضوع درسی، دانش‌آموزان را راهنمایی کند تا جنبه‌ها یا نکات سودمند و قابل کاربرد را کشف کنند.

**۵۹** روش ارزش‌یابی نیز می‌تواند موضوعی انگیزشی باشد. روش‌های هنجاری و مقایسه‌ای ارزش‌یابی، انگیزش بیرونی را تأیید می‌کنند. استفاده از روش‌های ملاکی و روش‌های توصیفی به معنای توجه به انگیزش درونی است. اگر ارزش‌یابی توصیفی به شیوه‌ای درست اجرا شود، می‌تواند اثر انگیزشی مثبت داشته باشد.

**۶۰** یک نکته‌ی ظریف در انگیزش، کنترل احساسات است. نمونه‌هایی از رفتارهای هیجانی و احساسی در انگیزش عبارت‌اند از:

- پیش‌داوری در مورد دانش‌آموزان؛
- رفتارهای تبعیض‌آمیز و دوگانه؛
- اغراق در تعریف و تمجید از یک موفقیت؛
- نادیده گرفتن تلاش‌ها و موفقیت‌ها؛
- داشتن ملاک‌های صرفاً شخصی برای تشویق و تنبیه؛

- ایجاد جو شدید رقابتی در کلاس؛
- افراط در اعمال تنبیه به شکل‌های گوناگون. ✓

## تشویق و تنبیه، انگیزش و رقابت

**۶۱** مبنای رقابت، مقایسه است. مقایسه‌ی انسان‌ها با یکدیگر با اصل تفاوت‌های فردی و یگانگی هر انسان منافات دارد. وقتی دو نفر به رقابت می‌پردازند، درواقع به مقایسه‌ی توانایی‌ها و اثبات برتری‌هایشان اقدام کرده‌اند. زمانی که دانش‌آموزان را برای رقابت







تحریک می‌کنیم، با تفکری مبتنی بر مقایسه این کار را انجام داده‌ایم.

**۶۲** رقابت یک ابزار انگیزش بیرونی است و با وجود آن که به ظاهر اثراتی دارد، اما در مقایسه با ابزارهای انگیزش درونی، آثار آن محدود است. در دیدگاه‌های جدید یادگیری و آموزش، انگیزش درونی مورد تأکید قرار می‌گیرد و بر این اساس به نظر می‌رسد مدارس ما در کاربرد رقابت به‌عنوان یک ابزار انگیزش بیرونی افراط می‌کنند.

**۶۳** رقابت در برابر «همکاری» قرار دارد. امروزه در مدارس بر مبنای انگیزش درونی، همکاری و مشارکت بیشتر مورد توجه قرار دارد. رقابت و محیط‌های رقابت‌آمیز مانع از همکاری می‌شوند. نمی‌توان انتظار داشت که دو نفر یا دو گروه هم رقیب باشند و هم با یکدیگر همکاری کنند. وقتی در محیطی رقابت وجود دارد، تبعات آن مانند مقایسه، تلاش برای برتری، تعصب و خصومت، اجتناب‌ناپذیرند.

**۶۴** در رقابت همیشه برنده و بازنده وجود دارد. بیشتر رقابت‌ها با هدف تعیین برنده و بازنده آغاز می‌شوند و به پایان می‌رسند. گاهی به خاطر کاستن از عواقب نامطلوب رقابت، واژه‌های برنده و بازنده را با واژه‌های دیگر عوض می‌کنند، یا خود این واژه‌ها را به‌طور مستقیم به کار نمی‌برند. اما این کار تغییری در اصل موضوع به‌وجود نمی‌آورد. وجود برنده و بازنده در رقابت، موضوعی انکارناپذیر است.

**۶۵** در رقابت، تعداد بازنده‌ها بیشتر از برنده‌هاست (مانند وقتی که فقط شاگردهای اول تا سوم هر پایه‌ی مدرسه را تشویق می‌کنیم). در موارد بسیاری، تعداد بازنده‌ها در حد قابل توجهی از برنده‌ها فزون‌تر است. در واقع، بازنده‌ها فقط نقش سیاهی‌لشکر را دارند. در یک کلاس از بین ۳۰ دانش‌آموز، به‌طور معمول یک نفر شاگرد اول می‌شود و بقیه که در رتبه‌های پایین‌تر قرار گرفته‌اند، به نوعی بازنده محسوب می‌شوند. **معمولاً این قبیل روش‌های تشویقی، اگر یک تا سه نفر را برانگیزانند، در مورد بقیه بی‌تأثیر یا حتی دارای تأثیر منفی هستند.**

**۶۶** رقابت بیشتر به نفع قوی‌ترهاست تا ضعیف‌ترها؛

این یکی از جاذبه‌های رقابت محسوب می‌شود. در رقابت، ما به دنبال یافتن قوی‌ترها هستیم و البته برترها نیز از رقابت بیشتر استقبال می‌کنند. در پایان رقابت، چون قوی‌ترها بیشتر جلب توجه می‌کنند و امتیازهای خاصی به آنان تعلق می‌گیرد، این توهم به‌وجود می‌آید که رقابت برای همه مفید است. **در رقابت، قوی‌ها قوی‌تر می‌شوند و ضعیف‌ها ضعیف‌تر. آیا به روش‌های تشویقی خاص موجود در مدارس که این فرایند را تقویت می‌کنند، امتیاز مثبتی**

**می‌دهید؟**

**۶۷** کنترل رقابت و تعیین محدوده و نقطه‌ی پایان برای آن، غالباً دشوار است. گفته می‌شود برای آن که رقابت سالم باشد، باید آغاز و پایان آن را کنترل کرد. چگونه می‌توان رقابت را کنترل کرد؟ شاید آغاز رقابت در اختیار ما باشد، اما کنترل آثار آن و تعیین نقطه‌ی پایان آن در اختیار ما نیست.

**۶۸** ادامه‌ی رقابت و شکست‌های متوالی، احتمالاً عواقب سوء آن را به دیگر زمینه‌های زندگی سرایت می‌دهد. دانش‌آموزان ممکن است رقابت را از درس و مدرسه آغاز کنند، ولی بعدها برای مدت زمان زیادی و در امور گوناگون زندگی، رقیب هم باقی می‌مانند. علاوه بر این، رقابتی که با شکست‌های متوالی همراه باشد، تا مدت‌ها و شاید تا همیشه، سایر زمینه‌های زندگی بازنده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در آن‌ها اختلال به‌وجود می‌آورد.

**۶۹** رقابت تنها ابزار انگیزشی برای پیشرفت نیست. با قوت گرفتن دیدگاه‌های مبتنی بر یادگیری فعال و انگیزش درونی، تدابیر جای‌گزینی برای رقابت مطرح شده‌اند. حتی در مورد روش‌های انگیزش بیرونی هم تدابیر تعدیل‌کننده‌ای وجود دارد. در هر حال، توصیه می‌شود هم در استفاده از رقابت، احتیاط به عمل آید و هم در کاربرد آن افراط نشود.

**۷۰** رقابت با مسابقه تفاوت دارد. در رقابت محدودیت در هدف وجود دارد و با رسیدن یک فرد به هدف مورد نظر، دیگران از آن دور می‌مانند. اما در مسابقه هدف محدود نیست و با رسیدن یک فرد به هدف، دیگران از آن محروم نمی‌شوند. وقتی دانش‌آموزان برای شاگرد اول

شدن و کسب برتری تلاش می‌کنند، رقابتی در جریان است؛ چرا که هدف محدود است. اما وقتی هدف یادگیری است و هر دانش آموز برای یادگیری بیشتر می‌کوشد، موضوع شکل مسابقه پیدا می‌کند؛ چرا که محدودیتی در هدف وجود ندارد. ✓

### اثر بخشی تشویق و تنبیه، انگیزش

۷۱ بهتر است تشویق هم برای خود اصول و مقرراتی داشته باشد. تشویق‌های احساسی، تصادفی، غیرمعمول و بدون برنامه، شرایط را برای دانش آموزان مبهم و گاهی زجرآور می‌سازند. در مدرسه و کلاس باید ملاک‌های تشویق و همچنین حد و حدود پاداش‌های احتمالی مشخص باشد. گاهی موقعیتی پیش می‌آید که متفاوت با شرایط عادی و ملاک‌های پیش‌بینی شده است. در این حالت هم نباید تشویق شتاب‌زده و غیر متعارف باشد.

۷۲ در مدرسه و کلاس باید شرایطی فراهم آید که همه‌ی دانش آموزان مورد توجه قرار گیرند. اگر گروه مخاطب تشویق محدود باشد، به تدریج دانش آموزان دیگر عقب‌نشینی می‌کنند و به تماشاگر تبدیل می‌شوند. در کلاسی که همیشه و در هر موضوعی دو سه نفر خاص مورد توجه و تشویق قرار می‌گیرند، انگیزه‌های سایر دانش آموزان برای تلاش و پیشرفت افت خواهد کرد.

نکته‌ی بسیار مهم در توجه به دانش آموزان، رعایت اصول روان‌شناختی و انسان‌دوستانه است. توجه نمایشی و کلیشه‌ای، هم صداقت معلم را زیر سؤال می‌برد و هم حس بدبینی و شک دانش آموزان را تحریک می‌کند.

۷۳ به جای پر اهمیت نشان دادن دانش آموز یا میزان جایزه، بر تلاش او بیشتر تأکید کنید. می‌توان موفقیت را به تلاش و توانایی ربط داد و انگیزه‌های درونی دانش آموزان را تقویت کرد. دانش آموزان را به سوی این باور هدایت کنید که موفقیت در یادگیری، و نه موفقیت در کسب نمره، لذت‌بخش است.

۷۴ اگر تشویق با تشنه همراه باشد، حداقل برای عده‌ای از دانش آموزان مشکل ایجاد خواهد کرد. تهیه

دانش آموزان برای اول شدن یا کسب برتری، تعریف و تمجید افراطی از یک موفقیت، تشویق یک نفر به قیمت سرکوفت زدن به دیگران و مواردی از این قبیل، موفقیت تشویقی ایجاد می‌کند و از اثربخشی تشویق می‌کاهد. تشویق حتی یک نفر در شرایط متعادل و ایمن، اثربخشی آن را به همه گسترش می‌دهد.

۷۵ تشویق بهتر است با راهنمایی همراه باشد. این که اگر دانش آموزی خوب باشد، موفق می‌شود، بیانی کلی است و به کسی کمکی نمی‌کند. از دانش آموزی که به خاطر کسب نمره‌ی خوب در درس ریاضی مورد تشویق قرار می‌گیرد، بخواهید به بقیه توضیح دهد که چه طور ریاضی می‌خواند. دانش آموزی که منظم است می‌تواند روش برنامه‌ریزی خود را شرح دهد. به دانش آموزی که نسبت به دیگران مهربان و دلسوز است، امکان دهید تا از دلایل رفتارشان صحبت کند. در همه‌ی این موارد، راهنمایی‌های تکمیلی معلم مؤثرتر خواهد بود.

۷۶ دانش آموزان برون‌گرا و پر سر و صدا امکان بیشتری برای جلب توجه و کسب تشویق در مدرسه و کلاس دارند. واکنش آن‌ها ممکن است حتی در برابر سرزنش یا تنبیه هم بهتر باشد. دانش آموزان درون‌گرا به تشویق بیشتر از سرزنش نیاز دارند. معلم می‌تواند در موقعیت‌های فردی، انگیزه‌های درونی این گونه دانش آموزان را بیشتر تحریک کند.

۷۷ اهمیت استفاده از «کلمات تأییدکننده» را به یاد داشته باشید. گاهی قدرت کلمات از قدرت جایزه و پاداش بیشتر است. در موقعیت‌های گوناگون، رفتارهای مطلوب را تأیید کنید. حتی اعطای جایزه را با تشویق‌ها و تأییدهای کلامی همراه سازید؛ البته این کار نباید در جهت مقایسه و ایجاد رقابت باشد. گاهی یک نگاه گرم یا لبخند صمیمانه، همراه چند کلمه مانند «آفرین عزیزم، گفتم که تو می‌توانی، بالاخره تلاش تو نتیجه داد، می‌دانم که توانایی تو از این بیشتر است و...» اثربخش‌تر از هر جایزه و پاداشی است.

۷۸ تشویق به‌ویژه در دوره‌ی دبستان باید بلافاصله باشد. دادن وعده و وعید برای جایزه و موکول کردن جایزه به آینده‌ی نزدیک، اثربخشی تشویق را کاهش می‌دهد. طبق ملاک‌های مشخص شده در مدرسه یا کلاس، بهتر



۸۰

به چند توصیه‌ی مهم برای اثربخشی تشویق

توجه کنید:

● سعی کنید مبنای تشویق، تقویت انگیزه‌های درونی باشد.

● تا حد امکان براساس ملاک تشویق کنید، نه براساس هنجار؛ یعنی ملاک‌هایی تعیین کنید که هر دانش‌آموز بتواند به آن برسد و دانش‌آموزان را در شرایط مقایسه‌ای قرار ندهید.

● نشان دهید که برای همه احترام قائلید.

● برای عده‌ای به‌طور عمد شرایط موفقیت را فراهم کنید.

● برای دانش‌آموزان در دفتر یا ورقه، یادداشت‌های انگیزشی بنویسید.

● فضایی پذیرا و گرم در مدرسه و کلاس فراهم آورید.

است ابزارهای تشویق همیشه در دسترس باشند. اگر قرار است کارتی، شکلاتی، مداد رنگی و چیز دیگری داده شود، بهتر است این کار در همان زمان صورت گیرد.

۷۹

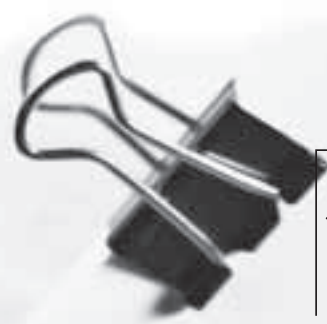
و فور تشویق و جایزه دادن، نه تنها کمکی به اثربخشی آن نمی‌کند، بلکه نتیجه‌ی عکس می‌دهد. صدور کارت تشویق از طرف افراد گوناگون، برگزاری مراسم اعطای جایزه به‌صورت پی‌درپی، اعطای جوایز مکرر و مواردی از این قبیل، تشویق را به کاری تشریفاتی تبدیل خواهد کرد. گاهی مدارس با توجیه توجه به همه‌ی دانش‌آموزان، در مناسبت‌هایی برای همه هدیه یا جایزه می‌خرند. این اقدام چه اثر تربیتی می‌تواند داشته باشد؟ بعضی از برنامه‌های مناسبتی یا مراسم پایانی نوبت اول و دوم، به موقعیتی برای اهدای جوایز فراوان تبدیل می‌شوند. این‌گونه اقدامات، مصداقی از رفتارهای احساسی و بی‌ضابطه به‌شمار می‌آیند.



## اگر به دنبال یافتن منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر درباره‌ی تشویق، تنبیه و انگیزش هستید، این ۱۴ کتاب را به شما معرفی می‌کنیم:

### برخی منابع فارسی

۱. اسپالدینگ، چریل ال (۱۳۸۱). انگیزش در کلاس درس. ترجمه‌ی محمدرضا نائینیان و اسماعیل بیابانگرد. مدرسه. تهران.
۲. اصلانی، ابراهیم (۱۳۸۸). مدرسه‌ی بدون رقابت. دوران. تهران.
۳. باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج اول. مدرسه. تهران.
۴. پینتریچ، پال آر و شاتک، دیل اچ (۱۳۸۵). انگیزش در تعلیم و تربیت. ترجمه‌ی مهرناز شهرآرای. علم. تهران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۲م).
۵. حجتی، سید محمدباقر (۱۳۵۸). اسلام و تعلیم و تربیت. ج دوم. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران.
۶. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۶). سیری در تربیت اسلامی. ذکر. تهران.
۷. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۶). روان‌شناسی پرورشی نوین. دوران. تهران.
۸. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۰). نگاهی نو به روان‌شناسی آموختن. جلد اول. چاپخش. تهران.
۹. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۷). روان‌شناسی تربیت و تدریس. اطلاعات. تهران.
۱۰. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۵). اثرات پنهان تربیت آسیب‌زا. انجمن اولیا و مربیان. تهران.
۱۱. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۶). تربیت چه چیز نیست؟ منادی تربیت. تهران.
۱۲. مک کومیز، بار بارا و پاپ، جیمز (۱۳۸۴). پرورش انگیزه در دانش‌آموزان. ترجمه‌ی صغری ابراهیمی قوام. رشد. تهران.
۱۳. ملکی، حسن (۱۳۸۴). تعلیم و تربیت اسلامی با رویکرد کلان‌نگر. عابد. تهران.
۱۴. هارتلی پروئر، الیزابت (۱۳۸۴). ایجاد انگیزه در کودکان. ترجمه‌ی احمد ناهیدی. جوانه‌ی رشد. تهران.





## ● یاد شعرهای شیرین دبستان

● گردآوری: اکبر قره‌داغی

● ناشر: بهجت (تهران)

● (۰۲۱ - ۸۸۹۶۷۱۷۶)

● سال چاپ: ۱۳۸۹، نوبت اول

● قیمت: ۷۵۰۰ تومان، ۱۹۲

صفحه با جلد سخت

به یاد آوردن یک شعر از کتاب‌های درسی دبستان و یا خواندن دسته جمعی این شعرها همراه با آموزگار، از لذت‌بخش‌ترین خاطرات کودکی بزرگسالان به شمار می‌آید. حتی گاه‌گاه بزرگ‌ترها از فرزندان دبستانی خود می‌خواهند که از کتاب‌های درسی، شعری برایشان بخوانند تا یادآور ایام خوش گذشته باشد.

کتاب «یاد شعرهای شیرین دبستان» با این نگاه و حس نوستالژیک گردآوری و تنظیم شده است. اکبر قره‌داغی در تشریح یکی از دلایل جمع‌آوری مطالب کتاب می‌گوید: «مادر بزرگم سواد چندانی نداشت. هر وقت مرا در حال درس خواندن می‌دید، می‌آمد و می‌گفت درس امروزت را برابم بخوان. اگر درس مربوط به حساب بود، می‌گفت این‌ها به درد من نمی‌خورد. می‌دانستم او عاشق شعرهای کتاب است. وقتی برایش می‌خواندم، مثل یک کودک به وجد می‌آمد.»

کتاب‌های فارسی دهه‌های اول سال‌های ۱۳۰۰، بیشتر از آثار شعری چون نظامی، سعدی، انوری، عباس میرزا و بعد عباس یمینی شریف و ادبایی چند بهره‌می‌برد که هنوز هم مردان و زنان فرهیخته، آن‌ها را زمزمه می‌کنند. و طرفه آن که هر شعر و هر کتابی با نام و یاد «او» شروع می‌شد. همان‌طور که حکیم نظامی سروده است:



به نام آن که هستی نام از او یافت  
فلک جنبش، زمین آرام از او یافت...

با توجه به فهرست در می‌یابیم که ۱۴۱ قطعه شعر و سروده از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۹، در این کتاب موجود است و شاعرانی دیگر هم چون لطفعلی صور تگر با «بهار شیراز»، حسین مسرور با «پیشه‌ور اصفهان»، ابوالقاسم حالت با قطعه‌ی «مادر» و پروین اعتصامی با «رنج و گنج» و گل کلاب با سرود «دهقان» در آن حضور دارند. از متأخران نیز می‌توان به منوچهر آتشی، جواد محقق، افشین علا و مصطفی رحماندوست اشاره کرد.

در ادامه بی‌مناسبت نیست با یاد مرحوم حبیب یغمایی، چند بیت از مثنوی «آموزگار، برزیگر» او را که در پایه‌ی دوم ابتدایی دهه‌ی ۱۳۲۰ آمده، زمزمه کنیم:

بدین کشور کسی خدمتگزارست  
که دهقان است یا آموزگارست  
چو برزیگر بود در کار استاد  
زمین بایر از وی گردد آباد  
به همت از زمین آبی برآرد  
به زحمت دشت و هامون را بکارد...  
نماید گونه‌گون محصول خرمن  
کزان محصول یابد پرورش تن  
اگر دهقان توان از نان ببخشد  
معلم روح ببخشد جان ببخشد  
تن نادان بود با مرده یکسان  
معلم در چنین تن می‌دمد جان  
ز سعی اوستاد این جسم خاکی  
فزون زاختر شود در تابناکی...  
رسد جان بر لب بیچاره استاد  
که تا حرفی به شاگردی دهد یاد

## ● جلوه‌گری‌های شعر در آموزش کودکان و نوجوانان

● مؤلف: دکتر علی رؤوف

● ناشر: آبیژ (۰۲۱ - ۶۶۵۶۶۵۰۹)

● نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۸۸

● قیمت: ۵۰۰۰ تومان، ۱۸۴ صفحه

شعر ابزار آموزشی اثربخشی است که بسیاری از آموزگاران، در فرایند یاددهی - یادگیری از آن بهره می‌برند. علاوه بر شعرهای فارسی، ترجمه‌ی اشعاری از دیگر زبان‌های دنیا نیز می‌تواند به این هدف یاری رساند.

کتاب جلوه‌گری‌های شعر در آموزش کودکان و نوجوانان، با توجه به این کاربرد آموزشی، از زبان انگلیسی و به صورت آزاد، توسط دکتر علی رؤوف به فارسی ترجمه شده است تا آموزگاران با چگونگی کاربرد شعر در کلاس درس، بیشتر آشنا شوند. برای مطالعه بیشتر و همین‌طور توسعه یادگیری زبان انگلیسی خود، می‌توانید به بخش‌هایی از این کتاب که در شماره‌های ۴، ۶ و ۸ مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی سال تحصیلی ۸۷ - ۸۶ چاپ شده است، مراجعه فرمایید.



# مکانی برای «زیارت» مردمان مهربان

## آشنایی با روستای زیارت در استان گلستان

اشاره

حمید دهقان

در ادامه‌ی معرفی روستاهای شگفت‌انگیز ایران در بخش «میراث ما»، در این شماره روستای زیارت در استان گلستان معرفی شده است. همان‌طور که پیش از این نیز گفته‌ایم، در این سلسله مطالب برآنیم، ضمن آشنا ساختن خوانندگان مجله با زیبایی‌ها و میراث معنوی کشورمان، ره‌توشه‌هایی در اختیار آنان قرار دهیم تا با استفاده از آن‌ها، ضمن این که خود به گشت‌وگذر و تفریح در مکان‌های معرفی شده می‌پردازند، در تدریسشان نیز از ویژگی‌های این روستاها یاد کنند.

می‌ریزد و به‌همراه خنکی هوا و تخته‌سنگ‌های پوشیده از خزه و گل سنگ اطراف، منظره‌ی زیبایی پدید می‌آورد که گردش‌گران مشتاق طبیعت را به‌وجود می‌آورد.

### رونق گردش‌گری

روستای زیارت با ۹۶۰ متر ارتفاع از سطح دریا و آب‌وهوای معتدل، مقصد مطلوبی برای کوهنوردان به‌شمار می‌آید. هم‌چنین می‌توان با چهارپنچ ساعت اسب‌سواری، از روستای زیارت به منطقه‌ی جنگلی پارک «جهان‌نما» در استان گلستان رسید.

کارگاه‌های کوچک صنایع دستی در مسیر کوچه‌های روستا، هر مسافری را با هر سلیقه و بودجه‌ای، به تماشای خرید تولیداتی دعوت می‌کند که به دست هنرمندانی با ذوق پدید آمده‌اند.

در سفرنامه‌های جهان‌گردان و دیپلمات‌های خارجی مقیم ایران، از روستای زیارت به‌عنوان منطقه‌ای باستانی با آب‌وهوای خوش و فرح‌انگیز یاد شده است.

روستای زیارت با همه‌ی این ویژگی‌ها، مردمی باصفا و مهمان‌نواز دارد و همین خصوصیات، آن را به یک قطب گردش‌گری در استان گلستان تبدیل کرده است که هر سال هزاران عاشق طبیعت و زیبایی، از آن دیدار می‌کنند.

### فریدون مشیری در زیارت

زنده‌یاد فریدون مشیری، شاعر باذوق و خوش‌قریحه‌ی کشورمان نیز همراه دوستان خود سفری به روستای زیبای زیارت

در جنوب شهرستان گرگان در ۴۰۰ کیلومتری تهران، روستایی در دامنه‌ی شمالی کوهپایه‌های البرز قرار گرفته‌است که بیش از دو هزار سال قدمت تاریخی دارد. نام این روستای زیبا «زیارت» است. روستای زیارت از مجتمع جهان‌گردی معروف ناهارخوران گرگان، هفت کیلومتر فاصله دارد. مسیر روستا، آب‌وهوایی خوش و فرح‌انگیز دارد و هنگامی که به آن‌جا می‌رسیم، دره‌ای سرسبز، چشمه‌های گوارا، آبشاری زیبا و خانه‌هایی با معماری منحصربه‌فرد، چشم‌اندازی حیرت‌انگیز در برابرمان مجسم می‌سازند. در تپه‌های روستای زیارت، آثار ارزشمندی از تمدن هزاره‌ی اول به دست آمده‌اند که در موزه‌ی شهرستان گرگان نگاه‌داری می‌شوند.

### امام‌زاده‌ی روستا

زیارت‌گاه امام‌زاده عبدالله در روستای زیارت، علاوه بر اهالی، زائران بسیاری از روستاهای اطراف نیز دارد که در فصل‌های گوناگون سال به زیارت آن می‌روند و نذر و نیاز خود را ادا و بازگو می‌کنند.

### آب گرم زیارت

چشمه‌ی آب گرم زیارت با خواص درمانی، از جاذبه‌های گردش‌گری روستا به‌شمار می‌آید. آب این چشمه صاف و زلال است و بوی تند ندارد.

### آبشار زیارت

آبشار روستای زیارت از ارتفاع ۱۵ متری به داخل حوضچه‌ای



داشته است. او احساس خود را درباره‌ی این سفر در شعری به نام «پیمان» بیان کرده است که حکایت وی و بخشی از شعر طولانی او را نقل می‌کنیم: «شنیده بودیم، دهکده‌ای هست به نام زیارت، در شمال محله‌ای به نام ناهارخوران گرگان. با دوستانی که غالباً دسته‌جمعی به کوه می‌رفتیم، تصمیم گرفتیم زیارت را کشف کنیم. درباره‌ی زیارت می‌گفتند دهی است با بیش از دو هزار سال قدمت تاریخی.

در آبان‌ماه ۱۳۵۶ راه افتادیم؛ از تهران به گرگان و از آن‌جا به ناهارخوران و از آن‌جا پای پیاده تا زیارت. می‌گفتند راه درازی نیست و با وسیله‌ی نقلیه نمی‌توان رفت. ناگزیر در جنگل‌هایی بسیار زیبا، سرودخوانان پیش می‌رفتیم. با این‌که تا آن موقع بسیاری از سرزمین‌های میهنمان را درنور دیده بودیم، هرگز چنین رنگین‌کمانی در برگ، گل، چمن، درخت‌های کهن، بوی علف و طراوت باران که گه‌گاه می‌بارید و می‌ایستاد، ندیده بودیم. سنگ و چوب همه‌جا سبز بود!

هم‌چنان که پیاده می‌رفتیم، این احساس در من بارور می‌شد و قوت می‌گرفت که ما داریم به سوی ایران اصیل، ایران حقیقی و ایران واقعی می‌رویم؛ به دیدار مردمانی باز مانده از نسل‌های پاک بیست قرن پیش. با نفوذ این احساس در من و شاخ و برگی که ذهن من به اندیشه‌هایم می‌داد، شعری سرودم و نامش را پیمان گذاشتم.»



## پیمان

ای زیارت‌گاه پاکان جهان  
ای زادگاه مهر

ای ایران

ای چراغ‌افروز جان و دل که عشقت جاودان با ماست  
این صدای آشنا از کاروان روشنایی‌هاست.

وقت آن آمد که دیگر تن به تنهایی نفرسایی

وز ملالت‌گاه خاموشت برون آیی

شاد و شیرین چهره بگشایی

آتشین فریاد ما تا آسمان می‌رفت

آه، گفתי این نفس‌ها شعله‌هایی بود کز آتش‌گه دل‌ها برون می‌زد

ابره‌ای تیره را می‌راند و می‌تاراند

آبشار نور از هر سو فرو می‌ریخت

آفتابی گرم و روشن، روی آن دل‌بند را

با یک جهان لبخند می‌آراست

بختمان از خواب برمی‌خاست.





ترجمه و تألیف: سه‌ها دادمند

# پنج شاهراه بدن

## یک طرح درس ساده درباره‌ی آشنایی با حواس پنجگانه

اشاره

در سه سال گذشته، طرح درس‌های کاربردی گوناگونی را که با هدف آموزش بهتر مفاهیم درسی به دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی نوشته شده بودند، حضورتان تقدیم کردیم. اکثر این طرح درس‌ها نیم‌نگاهی به فرایند یاددهی - یادگیری مبتنی بر ساخت و سازگرای داشتند و معمولاً با استقبال خوب مخاطبان مجله هم روبه‌رو می‌شدند. از دوره‌ی جدید انتشار مجله، صلاح دیدیم این طرح درس‌ها، برای جلوگیری از تکراری شدن نزد شما، به صورت موردی و هر از چندی ارائه شود. در این شماره، طرح درسی را منتشر می‌کنیم که به شناخت حواس پنجگانه اختصاص دارد و ویژه‌ی پایه‌های سوم و چهارم ابتدایی است.

ابتدا درباره‌ی حواس پنجگانه، شامل حس لامسه، بینایی، شنوایی، چشایی و بویایی، برای دانش‌آموزان توضیح دهید و این که هر حس برای سنجش چه عاملی مهم است و نقص در عملکرد هر کدام، باعث بروز چه مشکلاتی می‌شود. درباره‌ی تأثیر هم‌زمان عملکرد بعضی حواس (مثل حس چشایی و بویایی) روی یکدیگر نیز توضیح دهید. مثلاً عملکرد هم‌زمان حس چشایی و بویایی، باعث شناسایی عطر و طعم غذاها و خوراکی‌ها می‌شود به همین دلیل، هنگام سرماخوردگی که معمولاً دچار گرفتگی بینی هستیم، طعم و عطر غذاها را به خوبی متوجه نمی‌شویم. (به دلیل این که نمی‌خواهیم به شیوه‌ی رفتارگرایی همه چیز را از همان ابتدا برای دانش‌آموزان مشخص کنیم و در واقع قصد داریم به شیوه‌ی نزدیک به تفکر شناختی و ساخت و سازگرای حرکت کنیم، اجازه می‌دهیم دانش‌آموزان هم به حس و گمان بپردازند.)

شامپو یا صابون با عطرهای گوناگون، چشم‌بند.

**نکته‌ی ۱.** دانش‌آموزان باید بتوانند:

- شکل و جنس لوازم داخل جعبه را فقط لمس کردن حدس بزنند

- طعم خوراکی‌های داخل جعبه را با کمک دو حس بویایی و چشایی تشخیص دهند.

**نکته‌ی ۲.** در حالتی که چشم‌بند بسته‌اند، صداها و اشیای بیرون از جعبه را بشناسند.

### حدس نخست

از شناسایی حس لامسه یا بساواپی شروع کنید. دانش‌آموزان را به پنج گروه تقسیم کنید. وسایل را بدون آن که بچه‌ها ببینند، داخل جعبه بریزید. سپس به هر گروه یک جعبه بدهید. حالا هر گروه با لمس کردن اشیای داخل جعبه، بدون درآوردن آن، باید جسم را شناسایی و شکل و جنس آن را بگوید و سپس حدس خود را روی برگه‌ی کاغذ بنویسد. در مرحله‌ی آخر، در جعبه را باز و یادداشت‌های هر گروه را بررسی کنید.

### مواد لازم برای استفاده در تدریس

۱. جعبه‌ی اسرارآمیز

۲. لوازمی شامل پنج عدد لیمو

ترش، پنج عدد پرتقال، پنج عدد

سیب، پنج عدد گیلاس، پنج عدد خیار،

پنج شیء با شکل‌های متفاوت، پنج عدد







# دستکش سفید

## فاطمه خسروی نجف‌آبادی

آموزگار دبستان فتح، فلاورجان اصفهان

در روزهای ابتدایی سال تحصیلی، یکی از دانش‌آموزانم به نام فاطمه، نشانه‌ها را به سختی می‌نوشت. برخی اوقات آن قدر گریه می‌کرد تا من دست او را بگیرم و با کمک هم بنویسیم. بعد از مدتی حس کردم او دیگر به کمک دست من نیاز ندارد، اما اعتماد به نفس کافی ندارد. چون دائم می‌گفت اگر دست مرا نگیری، نمی‌توانم بنویسم.

چند روزی به دنبال راه‌حلی بودم تا غیر مستقیم این مشکل را برطرف کنم. بنابراین، دستکش سفیدی به دست کردم و چند مرتبه دست او را گرفتم. سپس دستکش را به او دادم و گفتم، این دستکش همان اثر دست‌های مرا دارد. هرگاه احساس کردی نمی‌توانی بنویسی، از این دستکش استفاده کن. فاطمه با شادی دستکش را گرفت و شروع به نوشتن کرد. روزهای بعد، گریه‌هایش به خنده‌های نشاط‌آور و موفقیت‌آمیز تبدیل شد، چون دستکش خانم معلم در او ایجاد انگیزه کرده بود. دائم می‌نوشت و دیگر از نخوابتن و نتوانستن اثری نبود.

حتی مادرش هم می‌گفت، قبلاً در منزل با بی‌رغبتی تکالیفش را انجام می‌داد، اما حالا با وجود این دستکش، با ذوق و نشاط تکالیفش را انجام می‌دهد و همواره دوست دارد این دستکش‌ها را دست کند و بنویسد.

## حس دوم

چشایی، حس دوم است، از هر گروه یک یا دو نفر را انتخاب کنید. چشم او را ببندید و از او بخواهید از داخل جعبه، میوه یا مرکبات را بردارد و بچشد. نفر دیگری از هر گروه هم گفته‌های فرد گروه خود را یادداشت کند. سپس جعبه را باز و حدس‌ها را بررسی کنید.

## حس سوم

گام بعدی، بررسی حس بینایی است. چشم دو نفر از اعضای گروه را ببندید. این فرد همراه با یکی دیگر از اعضای گروه می‌تواند به مدت یک دقیقه در کلاس قدم بزند و اشیای داخل کلاس را لمس کند. فردی که همراه اوست، تشخیص‌های فرد چشم بسته را یادداشت می‌کند. در آخر، حدس‌ها را با آنچه شخص لمس کرده است، مقایسه کنید.

## حس چهارم

مرحله‌ی بعدی، بررسی حس بویایی است. چشم سه نفر از اعضای هر گروه را ببندید. این سه باید میوه‌ها یا سایر مواد موجود در جعبه مثل صابون و شامپو را بردارند و درباره‌ی بو و عطر آن‌ها توضیح دهند و بگویند رایحه‌ی مورد نظر مربوط به چیست. دو نفر دیگر گفته‌های آن‌ها را یادداشت می‌کنند. سپس درست یا غلط بودن تشخیص آن سه نفر را بررسی کنید.

## حس پنجم

چشم سه نفر از هر گروه را ببندید. دو نفر از هر گروه، صداهای گوناگونی با اشیای ایجاد کنند. سه نفر چشم بسته، باید صداها و منبع تولید آن‌ها را تشخیص دهند.

بعد از اجرای این مراحل، درباره‌ی عملکرد هر حس، از روی تصویر توضیح دهید. مثلاً نحوه‌ی تشخیص طعم مواد غذایی با کمک زبان و بخش‌های آن که چندین طعم را شناسایی می‌کنند.

**نکته‌ی ۱.** هر گروه می‌تواند عملکرد یکی از اعضای بدن در تشخیص حس مورد نظر را انتخاب، تصویر آن عضو را نقاشی کند و توضیحات مربوط به آن را بنویسد و پوستر تهیه شده را در جلسه‌ی آینده به کلاس بیاورد.

**نکته‌ی ۲.** هر دانش‌آموز یک حس را انتخاب و درباره‌ی آن اطلاعاتی جمع‌آوری کند و دفعه‌ی بعد بیاورد.

**نکته‌ی ۳.** اشیاء و خوراکی‌های داخل جعبه‌ی هر گروه می‌تواند از گروه‌های دیگر متفاوت باشد تا به این ترتیب، موارد بیشتر و متنوع‌تری بررسی شود.

منبع

پاسخ به پرسش‌های تربیتی آموزگاران  
درباره‌ی دانش‌آموزان

# با کودکان خجالتی و کم‌رو چگونه برخورد کنیم؟

اشرف مظلوم

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی



## اشاره

مشکلات تربیتی دانش‌آموزان در کلاس، از جمله مسائلی است که معلمان با آن روبه‌رو هستند که اغلب به دلایلی از جمله به‌کار نگرفتن شیوه‌های تربیتی مناسب، لاینحل مانده است؛ طوری که کودک سال تحصیلی را به پایان می‌رساند، اما مشکلاتش را به سال بعدی به همراه می‌برد. از این شماره، بخشی را در مجله گشوده‌ایم که پاسخی است به پرسش‌های معلمان دلسوزی که به دنبال راه‌های برخورد مناسب با مشکلات دانش‌آموزان هستند. امید است با به‌کار بستن این راهکارها، گوشه‌ای از دغدغه‌های این آموزگاران برطرف شود.

# «برفی» کجاست؟

حیدر خورشیدوند

آموزگار دبستان سیدجمال‌الدین اسدآبادی،  
ناحیه‌ی ۲ خرم‌آباد

در پایه‌ی دوم ابتدایی در کتاب فارسی بخوانیم، درسی وجود دارد به نام «مدرسه‌ی خرگوش‌ها». با بررسی دقیق متن درس و تصاویر آن، ناهماهنگی‌هایی بین متن و تصویر به چشم می‌خورد که در موقع تدریس، حتی برخی دانش‌آموزان به این ناهماهنگی‌ها اشاره می‌کنند؛ از جمله:

۱. در گفت‌وگویی که بین معلم و بچه خرگوش‌ها در جریان است، از پنج بچه خرگوش به نام‌های خاکستری، چشم قرمزی، دم پنبه‌ای، پشمالو و برفی نام برده می‌شود، اما در تصویر از یکی از آن‌ها که ظاهراً برفی است، خبری نیست.

۲. تنه‌های قطع شده‌ی درختان در این تصویر که از آن‌ها به عنوان میز یا نیمکت استفاده شده است، چندان خوشایند نیست؛ گویی قطع درختان کاری عادی است. در حالی که می‌شد به جای تنه‌ی درختان قطع شده، از تخته سنگ‌های بزرگ و کوچک، به عنوان میز و نیمکت استفاده کرد.

۳. یکی از بچه خرگوش‌ها، برخلاف دیگران، هیچ‌گونه کیف و کتاب و دفتری با خود ندارد.

در این کتاب، علاوه بر این درس، بین متن درس‌ها و تصاویر دیگر نیز تضادهایی دیده می‌شود. برای نمونه، در روان‌خوانی فصل هفتم، در متن درس از «غول سیاه» نام برده شده است، در حالی که در تصویر یک غول رنگارنگ را می‌بینیم که خشک و بی‌احساس جلوی حسنی سبز شده است. به نظر می‌رسد یک نوع بی‌سلیقگی و بی‌دقتی در تصویرگری‌ها حاکم است که احتیاج به اصلاح دارد.

خانم **سهیلا اسلامی** از دبستان آزادی تهران پرسیده‌اند: «با دانش‌آموزی که به سادگی با سایرین ارتباط برقرار نمی‌کند و به قول معروف خجالتی است، چگونه رفتار کنیم؟»

قبل از هر اقدامی، پاسخ‌گویی به چند سؤال می‌تواند راهگشا باشد. رفتار دانش‌آموز را مشاهده کنیم و ببینیم آیا او همیشه کناره‌گیر است یا فقط بعضی اوقات؟ چه شرایطی مسبب رفتار خجالت‌زده در کودک می‌شود؟ عملکرد او در گروه بهتر است یا به صورت انفرادی؟ آیا او به بازی با بچه‌ها علاقه دارد، اما از همراهی با آن‌ها به شدت می‌ترسد؟ اولین گام در پرورش کودک خجالتی، پذیرش اوست. احساسات دانش‌آموز را بشناسید و اجازه دهید خودش باشد. بی‌تفاوت نبودن نسبت به احساسات و علاقه‌های کودک، به شما امکان می‌دهد با او ارتباط برقرار کنید. با این کار می‌توانید اعتماد به نفس او را تقویت کنید.

اگر احساس کردید دانش‌آموز در موقعیت‌های سخت و مبهمی قرار گرفته است، او را یاری کنید تا بر ترس خودش غلبه کند. اگر او سعی کرد اما نتوانست، به او بگویید هم‌چنان «دوستش دارید». پرخاشگری نسبت به کودکی که با ترس‌هایش درگیر است، به هیچ وجه مناسب نیست. با کودک درباره‌ی ترس‌هایش صحبت کنید. با این کار از شدت ترس‌های او آگاه شوید و او را به ارتباطات بیشتر تشویق کنید. با پذیرش، عشق‌ورزی، حمایت و تشویق، او می‌تواند بر ترس‌های خود غلبه کند.

فوق برنامه‌ها و ساعات تفریحی موقعیت مناسبی هستند که می‌توان در آن‌ها به کودک خجالتی آموزش داد تا بهتر عمل کند. برای این کار می‌توانید با بازی‌های مفرح بین سایر دانش‌آموزان و ایجاد شور و شوق، در کودک خجالتی نیز انگیزه‌ی لازم را نیز ایجاد کنید.

گاهی می‌توانید دانش‌آموز خجالتی را با دانش‌آموزانی که از لحاظ اجتماعی در سطح بالاتری هستند، در گروه‌های دو نفری قرار دهید و یا او را با دانش‌آموزانی که از لحاظ سنی از وی کوچک‌تر هستند، در یک گروه قرار دهید تا از این طریق، ضمن کسب اعتماد به نفس بیشتر، راه‌های تعامل با سایرین را فرا بگیرد. مثلاً می‌تواند به آن‌ها قصه بگوید و یا در بازی‌ها، سرگروه باشد.

با ایفای نقش در بازی، مهارت‌های وارد شدن به اجتماع و برقراری ارتباط اجتماعی را به او آموزش دهید. ادبیات مربوط به مهارت‌های اجتماعی را به بچه‌ها بیاموزید. مثلاً به دوستانش بگویید: «آیا من هم می‌توانم بازی کنم؟»

دادن دستورالعمل‌های گام به گام و روشن به دانش‌آموز، درباره‌ی آن‌چه که در گام بعدی باید انجام دهد، بسیار ضروری است. برای این کار معلم می‌تواند خودش را به دانش‌آموز نزدیک و به طور انفرادی و با کلمات ساده با وی صحبت کند. برای مثال بگوید:

«همه‌ی ما بعضی وقت‌ها خجالت می‌کشیم؛ مثلاً وقتی هم‌کلاسی جدیدی را می‌بینیم، یا به جای تازهای می‌رویم. من هم گاهی طول می‌کشد تا با دیگران گرم بگیرم. بنابراین، احساس نگرانی، خجالت و ترس تو را درک می‌کنم. اما مهم این است که وقتی خجالت می‌کشی، به خودت جرئت بدهی. برو جلو و به یکی از دوستان سلام کن. از او بخواه تا با تو بازی کند. حتماً او هم دوست دارد با تو بازی کند...»

وقتی کودکان می‌بینند که احساس آن‌ها برای دیگران مهم است، می‌کوشند بر ترس خود غلبه کنند. نشان دادن الگوهایی از دانش‌آموزانی که با دیگران تعامل و ارتباط خوبی دارند، در راهنمایی کردن دانش‌آموز خجالتی مؤثر است. کودک خجالتی می‌تواند با دیدن رفتار مناسب از سوی سایرین، نحوه‌ی ارتباط مناسب در هر مرحله را به خوبی فراگیرد.

زمانی که دانش‌آموز از تماس با دیگر بچه‌ها واهمه دارد، او را همراهی کنید و در حالی که وی ساکت است، مکالمه را با کودک دیگر آغاز کنید و درباره‌ی خودش و میزان علاقه‌اش به بازی بپرسید.

دانش‌آموز را با تجربیات جدید روبه‌رو کنید. برای مثال، از خانواده‌ی کودک بخواهید او را به مکان‌های جدید ببرند تا ترس و هیجان کودک کمتر شود. والدینی که می‌خواهند کودکشان رفتار اجتماعی داشته باشد، باید رفتارهای معاشرتی خود را بیشتر کنند.

در نهایت باید به یاد داشته باشیم، برای آن‌که دانش‌آموز خجالتی از «بودن در کنار سایر دانش‌آموزان لذت ببرد»، به «زمان» نیاز دارد تا بتواند به راحتی با محیط خودش تعامل کند.

# آموزش و پرورش ابتدایی یا ابتدای آموزش و پرورش؟

## تأملی در اعتلای جایگاه حرفه‌ای آموزگاران دوره‌ی ابتدایی

علی افشاری، مریم رجایی

فرهنگیان شاغل در آموزش و پرورش سمیرم

### اشاره

انتشار ابعاد گوناگون سند تحول راهبردی آموزش و پرورش در سرمقاله‌ی شماره‌ی دو رشد آموزش ابتدایی، برخی از خوانندگان اهل نظر مجله را به اظهار نظر درباره‌ی برخی از جنبه‌های این سند واداشته است. یکی از ابعادی که در این سند مورد توجه قرار گرفته، جایگاه حرفه‌ای معلمان است. در نوشته‌ای که در پی می‌آید، مؤلفان، که پیش از این نیز آثاری از آن‌ها در مجلات رشد و سایر مطبوعات آموزشی کشور به چاپ رسیده است، جایگاه حرفه‌ای آموزگاران ابتدایی را مورد واکاوی قرار می‌دهند.

جایگاه ویژه‌ای دارد. اگر چه او کمتر قدر می‌بیند و بر صدر می‌نشیند، اما یاد و خاطره‌اش تا ده‌ها سال بعد در ذهن دانش‌آموزانش باقی می‌ماند. شاید برای همین است که اغلب خاطرات تحصیلی نویسندگان، به سال‌های رفتن به دبستان مربوط است. آموزگار، علی‌الظاهر معلمی مثل سایر معلم‌هاست، اما واقعیت این است که مقایسه‌ی او با معلمان سطوح دیگر به راحتی ممکن نیست. از آن‌جا که هر کلاس دوره‌ی ابتدایی به وسیله‌ی یک معلم اداره می‌شود، بنابراین، او کانون توجه همه‌ی بچه‌های کلاس است و هر روز هم در معرض دید و قضاوت آن‌ها. از طرف دیگر، می‌دانیم که بچه‌ها، به شدت وابسته به والدین خویش‌اند و تحمل ساعتی دوری از آن‌ها برایشان آسان نیست. با همه‌ی این‌ها، مجبورند ساعاتی از روز را به دور از آن‌ها و در مدرسه بگذرانند و لذا این درنگ و فاصله گرفتن از خانه را به شرط حضور معلمشان تحمل می‌کنند.

بسیار هم به او وابسته‌اند، چون شوق و ذوق زیادی برای فهمیدن و بزرگ شدن دارند و در این راه و در مدت زمان دوری از والدین، بیش از هر کس و هر چیزی که در مدرسه وجود دارد، فقط به معلم خویش دل خوش و امیدوارند. برای همین است که معمولاً نسبت به همکاری والدین و یا دیگران در انجام تکالیف درسی‌شان با شک و تردید می‌نگرند و اغلب اظهار می‌کنند که: «تو بلد نیستی، معلممان

بچه‌ها، سرمایه‌های اصلی هر کشورند. دورنمای هر مملکت را می‌توان در وضعیت فعلی کودکان آن مشاهده کرد. البته این سرمایه بالقوه است و بالفعل کردن آن کار آموزش و پرورش است. در واقع، آموزش و پرورش، فرایندی برای آگاه‌سازی مردم است و در این فرایند، اهداف آموزش و پرورش ابتدایی، توسعه‌ی قابلیت‌های شناختی مانند سوادآموزی پایه، مهارت‌های حساب و توانایی کاربرد مهارت‌های پایه برای حل مسائل جدید است. اما متأسفانه در اکثر کشورها، بیشترین تأکید و در حقیقت بیش از ۵۰ درصد زمان آموزش، صرف مهارت‌های زبانی و ریاضی می‌شود [لاکهید، ۲۸:۱۳۷۱].

در اوج بی‌سر و سامانی دنیای امروز، همه‌ی چشم‌ها به آموزش و پرورش دوخته شده است تا گره از کار فرو بسته‌ی مردم بگشاید. یعنی هم انسان‌های فردا را تربیت کند و هم نسل‌های امروز را برای زندگی در جامعه‌ی فردا آماده سازد. اکنون به همان نسبت که منافع حاصل از باسوادی فزونی یافته است، زبان‌های ناشی از بی‌سوادی نیز افزایش می‌یابد. برای پر کردن این خلأ و حذف فاصله‌ی موجود، باید به مدارس امید بست.

### معلم ابتدایی کیست؟

در میان معلمان سطوح سه‌گانه‌ی تحصیلی، معلم ابتدایی نقش و



بلد است!» به هر حال، قدر مسلم این است که با آغاز دوره‌ی ابتدایی، خود به خود فرایند تعلیم و تربیت نیز آغاز می‌شود، اما در سطوح و سال‌های بعد، چه بسا این فرایند، کم رنگ شود. همه‌ی معلمان کارشان را دوست دارند، و معلمان ابتدایی

بیشتر. همان طور که همه‌ی معلمان از شکست در کارشان هراس دارند، معلم ابتدایی بیشتر دل نگران است. اما این همه در حالی است که در پایان سال و در صورت قبول نشدن دانش‌آموز راهنمایی یا دبیرستانی، معمولاً گفته می‌شود: «دانش‌آموز که بچه نیست، لابد خودش درس نخوانده است». اما در قبال مردودی دانش‌آموز دبستانی، می‌گویند: «خانم یا آقای معلمش در قبال این کودک کم کاری و کم لطفی کرده است.»

هم‌چنان که در عالم سیاست و مملکت‌داری، سخت‌ترین کارها، تعلیم و تربیت است، به همین ترتیب، در امر تعلیم و تربیت نیز، معلمی سخت‌تر از دیگر کارهاست و در عالم معلمی نیز، معلم خوب ابتدایی بودن از همه سخت‌تر است. این کلیدداران سعادت جامعه، حتی با کمترین وسایل و امکانات آموزشی، بیشترین بهره‌ی تربیتی را نصیب جامعه‌ی خویش می‌کنند.

قدر و قیمت کار معلمان ابتدایی در تعیین سرنوشت آینده‌ی دانش‌آموزان، احتیاج به یادآوری ندارد. مهم، تلاش در جهت اعتلای جایگاه حرفه‌ای آن‌هاست. آموزش و پرورش دبستانی، اولین و قدیمی‌ترین نوع آموزش رسمی در میهن ما بوده است که در ابتدای کار، به جهت نیاز مبرم به معلم و فقدان افراد دارای مدارج بالای علمی، از وجود اشخاصی با تحصیلات ششم ابتدایی یا دیپلم برای آن استفاده

شد. این شیوه تا سالیان اخیر نیز مرسوم بود که تحصیلات معلم ابتدایی در حد دیپلم دانش‌سرا کفایت می‌کند. اما با بروز پدیده‌ی مدرک گرایی، بسیاری از معلمان ابتدایی با مقایسه‌ی وضعیت خود و سایر دوستان معلمشان، به نوعی از ماندن در این دوره احساس

حقارت کردند و متقاضی رفتن به دوره‌های بالاتر شدند. به طوری که حتی حاضر شدند در پست‌های مدیریت، دفترداری یا مربی تربیتی و تربیت بدنی کار کنند، اما آموزگار شناخته نشوند. این اتفاق هنوز نیز کم و بیش مشاهده می‌شود. لذا وظیفه‌ی دشوار دست‌اندرکاران اجرایی، بازخوانی نقش آموزشی و پرورشی آن‌هاست تا شاید کمتر شاهد فرار نیرو از دوره‌ی ابتدایی و عزیمت آن‌ها به دوره‌های تحصیلی بالاتر باشیم و درست مثل ممالک مترقی و پیشرو، زمینه‌ی کار صاحبان مدارج بالای دانشگاهی را در دوره‌ی ابتدایی فراهم سازیم.

## اغلب خاطرات تحصیلی نویسندگان، به سال‌های رفتن به دبستان مربوط است

### چه باید کرد؟

آن چه گفته شد، از یک نگاه تلاشی به منظور تمجید و تحسین کار معلم ابتدایی است؛ اما به همان اندازه هم بیانگر سختی و دشواری کار اوست. آموزگار ابتدایی از یک سو باید کمبودها و نواقص تربیتی بر جای مانده از سوی والدین بچه‌ها را به گونه‌ای برطرف کند و آدابی نظیر نشستن و برخاستن و حرف زدن و امثال آن را به آن‌ها یادآوری کند و از سوی دیگر، باید مواظب بار عاطفی برخوردایش باشد تا بتواند هم‌چنان نقش والدین را برای دانش‌آموز بازی کند. این همه اما مربوط به بعد پرورشی و غیر آموزشی کار است. به بیان دیگر، او باید به اندازه‌ی کافی زمینه‌سازی کند تا بتواند در کار اصلی‌اش یعنی جامعه‌پذیری و



تحقق اهداف آموزش و پرورش، به آموزش اعداد و الفبا بپردازد. وجود همین ویژگی‌های شغلی است که حتی کم‌انگیزه‌ترین معلم ابتدایی را ناچار می‌سازد بکوشد تا معلم خوبی باشد. از یک نگاه، این از مقتضیات سنی و دوره‌ی رشد بچه‌هاست که آموزش و پرورش با همدیگر و به معنای واقعی در دبستان جاری و ساری باشند. وجود همین شرایط است که معلم ابتدایی را به آشنایی و کسب توانایی نسبی در بسیاری از مهارت‌ها وامی‌دارد. البته قصد و غرض این نوشتار آن نیست که آموزگاران را تافته‌ی جدا بافته‌ای در نظام آموزشی جلوه دهد، بلکه منظور برداشتن گامی است در جهت احیای نقش آموزشی و تربیتی معلم ابتدایی تا این نکته به مسئولان مربوطه یادآوری شود که در کنار این همه «تحکم»، اندکی «توجه» هم نسبت به حال و روز این دسته از معلمان صورت گیرد. توجهات مورد نظر نیز نباید در مقام حرف و شعر و شعار باقی بماند، بلکه لازم است چنان صورت عملی بیابد که معلمان هم آن‌ها را احساس کنند. به این منظور، به برخی از راهکارهایی اشاره می‌کنیم که شاید مورد استفاده قرار گیرد تا ضمن بازنگری اساسی روی کم و کیف کار معلمان دوره‌ی ابتدایی، بتوان به عنوان یکی از عوامل بالقوه‌ی توسعه‌ی آموزش و پرورش به آن‌ها دل بست. گفتنی است، وظیفه‌ای که مسئولان اداری، مدیران مدارس و دیگران نسبت به معلمان ابتدایی دارند، محور اصلی این راهکارهاست، و گرنه وظیفه و نقشی که خود معلمان ابتدایی در قبال اعتلای حرفه‌ای خویش دارند، موضوع مهم دیگری است که خارج از حوصله‌ی این نوشتار است.

۱. در این هویت بخشی، البته مسئولان و دست‌اندرکاران نیز سهم و نقش دارند. آن‌ها باید بدانند که تجلیل از مفهوم انتزاعی معلم و مانور دادن روی بعد ارزشی و آرمانی کار او و در مقابل، غفلت و یا بی‌اعتنایی به مصادیق عینی این مفهوم، عملاً بیهوده و بی‌فایده است. چه این که نگاه‌ها نیازمند تغییرند و نیازهای عصر حاضر با حواس گذشته قابل درک نیست. اکنون دیگر روزگار شعر و شعارها و حرف‌های رمانتیک درباره‌ی معلم به سر آمده است. دیگر معلمی شور و عشق نیست، بلکه یکی از هزاران حرفه‌ی اجتماعی است که به شدت هم تکنیکی و مهارتی است. بنابراین، همان نگاه و عنایتی را که به سایر مشاغل دارند، باید به حال و روز معلمان هم داشته باشند.

۲. جذب و تربیت افراد شایسته برای کار معلمی، یکی از مشکلات مشترک بسیاری از کشورهاست. به گفته‌ی دکتر کاردان، «وقتی قرار باشد میلیون‌ها کودک در مدارس نگاه‌داری شوند، چاره‌ای جز این نیست که هر کس و با هر کیفیتی، به عنوان معلم به کار گمارده

شوند تا عجلتاً بچه‌ها را نگه دارد» [کریمی، ۱۳۸۱: ۸۵]. همین نیاز روز افزون به معلم است که سبب شده ملاک‌های مناسب در انتخاب معلمان، کمتر مورد توجه قرار گیرند. پس، غالباً افرادی که در جاهای دیگر با اقبال مواجه نمی‌شوند، به آموزش و پرورش روی می‌آورند. در تربیت معلم نیز آن‌چه تدریس می‌شود، ره توشه‌ی معلمی نیست، بلکه تکرار دانسته‌ها و یک دسته مطالب کلیشه‌ای و ترجمه‌ای است که در مدرسه کاربردی ندارند. در نتیجه، این مراکز نه تنها در تربیت نیروی انسانی موفق برای تعلیم و تربیت موفق نبوده‌اند، بلکه انگیزه و رغبتی هم در افراد نخبه و مستعد جامعه برای ورود به این مراکز ایجاد نکرده‌اند [نویدی، ۱۳۸۲: ۵۱]. بنابراین، تأمل و بازنگری دوباره و اساسی در برنامه‌ی کار تربیت معلم، در اعتلای هویت معلمان بی‌تأثیر نیست. ۳. یکی از راه‌های ارتقای هویت فردی و اجتماعی معلمان، تصحیح تقدم و تأخری است که در دو مفهوم «حق» و «تکلیف» از سوی مسئولان رواداشته شده است. براساس قوانین و مقررات، در ابتدا معلمان مکلف و موظف به انجام مجموعه‌ای از فعالیت‌ها شده‌اند، بدون آن‌که قبلاً برای آن‌ها حقی قائل شده باشند. حق انتخاب، حق تأمل و حق تصمیم‌گیری و امثال آن، از جمله حقوق معلمان هر جامعه‌ی مترقی و سالم است. به این منظور، ضروری است مسئولان تمهیداتی ببندیشند تا معلمان ابتدایی چندان در چنبره‌ی سیستم و مقررات دست و پاگیر محصور نمانند و متناسب با دنیای شاد و بی‌پیرایه‌ی کودکی دانش‌آموزان، کمی آزادتر و مستقل‌تر به فعالیت‌های خود سرگرم شوند.

۴. کار و فعالیت معلمان ابتدایی معمولاً دیده نمی‌شود، الا آن هنگام که زمان ارزشیابی توسط مدیر مدرسه و سایر مسئولان فرا برسد که آن هم با ترفندهایی در زمینه‌ی کاغذبازی و تهیه‌ی فرم‌های مربوطه و مستندسازی کارها و تهیه‌ی عکس و فیلم و امثال آن، قابل حل است. البته در این میان نیز برخی معلمان ماهرتر و زیرک‌ترند و چه بسا با فعالیت ضمن سال کمتر، گوی توفیق از معلمان فعال اما بی‌اعتنا به آن ترفندها را ببرند. بنابراین، شایسته‌تر آن است که ارزیابی آن‌ها نه به خاطر بست‌بندی و امتیازدهی، که بیشتر به منظور قدرشناسی از رفتارهای مثبتشان باشد و چه بهتر که بدون مخفی‌سازی، نتایج در جمع همکاران گفته شود.

۵. معلمان ابتدایی، تنها معلمانی هستند که برخلاف دیگر معلمان، هر هفته فقط به چهار دیواری خاصی به نام دبستان وارد می‌شوند و چه بسا این حضور اجباری و همیشگی، محیط مدرسه را برایشان یکنواخت و تکراری کند. بنابراین، قطعاً منتظر کوچک‌ترین تغییر و تنوع در آن

هستند و همین‌طور تشنه‌ی شنیدن خبرهای تازه و خوشی درباره‌ی موفقیت‌های مدرسه تا به بودن در آن‌جا دل‌گرم و امیدوار شوند. در همه‌ی این موارد، مدیران مدارس می‌توانند زمینه‌های تحقق انتظارات آنان را فراهم سازند.

۶. با وجود همه‌ی توصیه‌هایی که به استفاده از روش‌های فعال تدریس شده است، متأسفانه یکی از مشکلات آموزش و پرورش فعلی ما، روبه‌روی هم نشستن معلم‌نقال با دانش‌آموزان غیرفعال است! این معضل در میان کلاس‌های دبستان کمتر دیده می‌شود. در آن‌جا که پر از جنب‌وجوش است، تمام هم و غم معلم و فراگیرنده - و با چه قدر تشنگی - در فهماندن و فهمیدن خلاصه می‌شود. تأمل در این شیوه‌ی کلاس‌داری از یک سو و مشاهده‌ی نتایج خوب و فواید آن از سوی دیگر، می‌تواند دست‌اندرکاران اجرایی را به به‌سازی امور آموزگاران و نیز الگوبرداری از شیوه‌های کاری آن‌ها در دوره‌های دیگر، رهنمون سازد.

۷. متوقعان و مراقبان وضعیت کلاسی معلمان ابتدایی، به مراتب بیش از سایر دوره‌هاست. برعکس دیگر مقاطع تحصیلی، فرایند ارزیابی هفتگی توسط بازرسان اداری، هنوز در دبستان‌ها وجود دارد و معلم ابتدایی باید همواره آماده‌ی مواجهه با آن‌ها باشد. هم‌چنین، باید مترصد توضیح خواستن مدیر مدرسه و یا مراجعه‌ی اولیای دانش‌آموزان و به ویژه مادران باشد که بعضاً هم

بی‌سواد، ناآگاه به امور تربیتی، کم‌کار در آموزش داخل خانه‌ی فرزند و البته پرتوقع و طلبکار هستند. وجود پاره‌ای مشکلات نظیر جدایی یا درگیری والدین دانش‌آموز، سوء‌تغذیه و بیماری آن‌ها نیز از دیگر موانع موفقیت معلم هستند. اضافه بر این‌ها، نوع قضاوت معلم سال بعد دانش‌آموزانش نسبت به کم و کیف کارش نیز او را نگران می‌سازد.

۸. بین دریافت‌های معلمان ابتدایی و سایر معلمان، باید تفاوت باشد. دولت موظف است آن‌ها را از درامدی متناسب با حرفه‌ی کاری‌شان برخوردار سازد. البته باید توجه داشت که تنها افزایش حقوق معلم، هیچ دردی را دوا نمی‌کند، بلکه بر مشکلات هم می‌افزاید. به همین دلیل، باید هزینه‌های زندگی را در حد تعادل نگاه داشت و قدرت خرید را افزایش داد [شعاری‌نژاد، ۱۳۶۸: ۱۰۲].

۹. اگر چه به‌طور کلی امر تدریس و معلمی، اضطراب‌آور است،

اما کار با کودکان به همان اندازه که لذت‌بخش تر است، متأسفانه پرچالش و دشوار هم هست و کم و بیش موجبات روبه‌رو شدن معلمان را با استرس فراهم می‌سازد. شاید کمتر آموزگاری را بتوان یافت که استرس‌های ناشی از شغل معلمی را تجربه نکرده باشد و این در حالی است که آن‌ها به مقتضای فعالیت حرفه‌ای خویش، ناگزیر از انجام فعالیت‌های روزانه‌شان هستند تا خللی در روند یادگیری فراگیرندگان پیش نیابد. به بیان دیگر، معلمان ابتدایی بی‌آن که ادعایی داشته باشند، کار اصلی خود را انجام می‌دهند و لذا مقامات مسئول و مدیر مدرسه نباید با استفاده از قدرت خویش، کارهای اضافی به آموزگاران واگذارند. ممکن است وظایف جدیدی که به آموزگاران محول می‌شود، به تنهایی ساده و بی‌اهمیت باشد، اما وقتی همین کارهای به ظاهر ساده روی هم انباشته می‌شوند، تولید مسئله می‌کنند [کریاکو، ۱۳۸۱: ۱۳۲].

۱۰. درباره‌ی نحوه‌ی برگرداندن معلمان (ابتدایی) به جایگاه والای حرفه‌ای خود، ایده‌های زیادی وجود دارد که عبارت‌اند از: افزایش

درآمد، شرایط سخت‌پذیرش،

مسئولیت‌پذیری بیشتر، ارتقای

مرتبه‌ی حرفه‌ای، احترام،

پرورش حرفه‌ای معلمان به

عنوان پژوهشگر و تشویق خود

معلمان به تدوین استانداردهایی

برای ورود به این حرفه. این

راهکارها توسط مدافعان معلمان

پیشنهاد نشده‌اند، ولی همه‌ی

آن‌ها بر این باورند که متناسب

کردن ویژگی‌های مشترک با مشاغل دیگر به معلمان، موجب ارتقای

شان و موقعیت آن‌ها خواهد شد [استیگلر، ۱۳۸۴: ۱۷۹].

## هم‌چنان که در عالم سیاست و مملکت‌داری، سخت‌ترین کارها، تعلیم و تربیت است، به همین ترتیب، در امر تعلیم و تربیت نیز، معلمی سخت‌تر از دیگر کارهاست و در عالم معلمی نیز، معلم خوب ابتدایی بودن از همه سخت‌تر است

### منابع

۱. استیگلر، جیمز. شکاف آموزشی. محمدرضا سرکارآرانی. مدرسه، تهران. ۱۳۸۴.
۲. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. مبانی روان‌شناختی تربیت. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. تهران. ۱۳۶۸.
۳. کریاکو، کریس. آموزگار و فشارهای روانی. ترجمه مهدی قراچه‌داغی. پیک‌بهار. تهران. ۱۳۸۱.
۴. کریمی، عبدالعظیم. تربیت و دموکراسی. پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت. ۱۳۸۱. تهران. ص ۸۵.
۵. لاکهید، مارلن. توسعه‌ی کمی و بهبود کیفی آموزش ابتدایی. ترجمه سید جعفر سجادیه. تهران. مدرسه. ۱۳۷۱.
۶. نویسدی، احد. راه‌های ارتقا و منزلت اجتماعی معلمان. فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت. پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت. سال ۱۹. شماره ۲. تابستان ۱۳۸۲.



# چیزی برای بحث در کلاس درس

## چکیده‌ای از یادداشت سردبیر مجله‌ی جهانی 8-Pre k Teaching

نوشته‌ی آلن ریموند

ترجمه‌ی دکتر علی رؤوف

### اشاره

در بخش تجربه‌های مشترک، با تفکرات آموزگاران و دست‌اندرکاران آموزشی دیگر کشورها در مسائل تعلیم و تربیت آشنا می‌شویم. در این شماره، نوشته‌ای آورده‌ایم از آلن ریموند، سردبیر مجله‌ی جهانی Teaching Pre K-8؛ مجله‌ای که در مورد روش‌های یاددهی - یادگیری از پیش دبستان تا پایان دبیرستان منتشر می‌شود. این نوشته در اولین صفحه‌ی مجله و در بخش یادداشت سردبیر منتشر شده است. مطلب را بخوانید و در مورد محتوای آن تأمل کنید.

آن روزها که مشغول درس دادن بودم، دوست داشتم با بچه‌ها درباره‌ی داستان‌های سرگرم‌کننده، اما ترس‌آور، صحبت کنم. یکی از آن داستان‌ها درباره‌ی دوست قدیمی‌ام، دکتر **تام کانتور** بود که در سن هشتاد سالگی درگذشت. یادش به خیر! آن روزها را **تام** و **من**، به مسابقه‌های قایق‌رانی سپری می‌کردیم. با قایق‌های بادبانی با هم مسابقه می‌دادیم.

داستان از وقتی شروع شد که با قایق‌هایمان با هم رقابت می‌کردیم. قایق‌هایی که با آن‌ها همه‌ی بچه‌ها می‌توانستند قایق‌رانی را یاد بگیرند و مثل ما با هم دیگر مسابقه بدهند. **تام** یک قایق بادبانی زیبا و محشر خریده بود؛ قایقی که رویای هر کس می‌توانست باشد. اما قایق من به نام «ستاره» یک قایق پهن بود که از میان قایق‌های کرایه‌ای انتخاب کرده بودم.

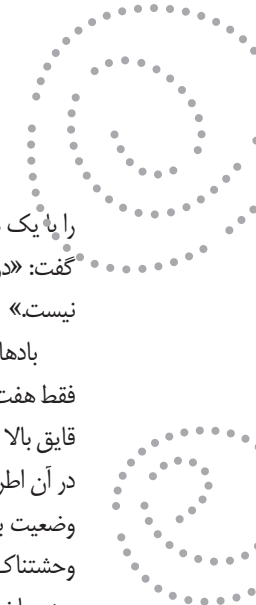
**تام** قایق‌ران حرفه‌ای بود. طی سال‌ها، دوبار قهرمان ملی در سطح اقیانوس پیمایی شد. من نمی‌توانستم یا او رقابت کنم، اما به رقابت با او ادامه می‌دادم و هیچ وقت مثل او قهرمان نشدم. تقریباً هفده سال پیش، **تام** و پسرش **جان**، در طلوع آفتاب بادبان‌ها را برافراشتند و به سمت جزیره‌ای نزدیک خانه‌شان، حرکت کردند؛ حرکتی که باید یک ساعت دوازده ساعته را طی می‌کردند.

آن روزها آسمان ابری و خاکستری رنگ بود. همراه با بادهای شدید که روشنایی روز را کدر کرده بودند. در واقع برای قایق‌سواری هوای مناسبی نبود. هشدارهایی هم حاکی از ایجاد طوفان، در بالا و پایین خلیج نصب شده بود. اگرچه **تام** کاپیتان ماهری بود و پسرش هم به اندازه‌ی پدر با تجربه شده بود، هر دو قایق‌هایشان را هم به خوبی می‌شناختند و به آن‌ها اطمینان داشتند. هر دو نام قایق‌هایشان را «**آهنگ باد**» گذاشته بودند و مطمئن بودند که می‌توانند از پس طوفان برآیند و جان سالم به در ببرند. این سفر، سفر مهیج و پرسرعتی بود. قایق‌رانی در شرایط فوق‌العاده خطرناک و سرسام‌آوری اتفاق افتاده بود با یکی از قایق‌ها حرکت را شروع کردند.

همان‌طور که **تام** و پسرش برای رسیدن به بندر غربی چرخیده بودند، مسیرشان







را با یک میان بر به سمت یک دماغه‌ی صخره‌ای تغییر داده بودند. تام گفت: «در این جا یک فرورفتگی آب داریم، چیز مهمی نیست، نه، زیاد مهم نیست.»

بادهای شدید حرکت سریع «آهنگ باد» را در میان صخره‌ها لغزاندند. فقط هفت مایل از ساحل اصلی دور شده بودند. ظرف نیم ساعت آب در داخل قایق بالا آمد. موج‌ها هم چنان قایق را هدف گرفته بودند. هیچ قایق دیگری در آن اطراف دیده نمی‌شد. تام و جان فقط یک جلیقه‌ی نجات داشتند. وضعیت بسیار ناامید کننده به نظر می‌رسید. ناگهان ته قایق، با صدایی وحشتناک به یک صخره برخورد کرد و قایق متوقف شد. قایق از کار افتاده بود و با نیروی آب، به سنگ‌های صخره می‌خورد. هر لحظه احتمال داشت که قایق غرق شود. تام گفت: «مشکل خاصی نیست. اگر چه خطرناک است.» اما مجبور بودند سریعاً قایق را ترک کنند.

یکی دو ساعت بعد، دو قایق که از مسافتی دور گذر می‌کردند، دست‌های هیچ یک از پدر و فرزند را که در حال تکان دادن بودند و سرهایی را که بالا و پایین می‌رفت، ندیدند.

موج‌های بزرگ تمام قایق را پر کردند. تام و پسرش متقاعد شدند که «آهنگ باد» در ته دریا معلق خواهد ماند. تام و جان با یک جلیقه‌ی نجات تنها ماندند. ساعتی بعد یک کشتی بادبانی، با بادبان‌های جمع شده، سر رسید و آن‌ها را نجات داد. به راستی این یک معجزه بود. در مراسم خاک‌سپاری تام، پسرش گفت: ما آن روز مرگ را فریب دادیم و جان سالم به در بردیم. بیشتر از آن که زرنگ و باهوش باشیم، خوش شانس بودیم، این را می‌دانستیم.»



در آگهی ترحیم تام، پزشکان دانشگاه پزشکی نیویورک، جایی که تام پنجاه سال در آن جا درس می‌داد، او را به‌عنوان یک معلم امیدوار و خوش صحبت که عالی‌ترین مقام حرفه‌ی پزشکی را داشت، معرفی کردند. هم چنین، از او به‌عنوان معلمی که الهام‌بخش و لطیفه‌گو توصیف می‌شد، یاد کردند. آن‌ها در آگهی‌شان نوشته بودند، نسل آینده برای این شخص که هر روز، صبح زود، در فضای بیمارستان به گشت‌وگذار روزانه‌اش می‌پرداخت، ارزش ویژه‌ای خواهند گذاشت. جایی که او با شوخ طبعی و فرزانیگی به آنان می‌آموخت که: «راز مراقبت از بیمار این است که به بیمار اهمیت دهید.»



آیا در این گونه داستان‌ها، درسی برای بچه‌های کلاس شما معلمان وجود دارد؟ آیا شما هم می‌توانید داستان‌هایی از این قبیل برای شاگردانتان تعریف کنید تا چیزی برای بحث در کلاس داشته باشند؟ این پیشنهاد را به شما واگذار می‌کنم!

زیر نویس  
1. Wind Song

منبع  
۱. یادداشت سردبیر مجله‌ی Teaching Pre k- 8، آوریل ۲۰۰۴.



دفتر انتشارات کمک آموزشی

## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

### مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)

رشد خردسال (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

### مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی

آموزشی • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه)
- رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت‌بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی • رشد آموزش فن‌وحرفه‌ای • رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت‌معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش‌وپرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی.

تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

# رسالت رسانه

آشنایی با رسانه‌های مکتوب، به عنوان ابزارهای آموزشی در دسترس برای فراگیری بهتر دانش آموزان



## آشاره

در یادداشت سردبیر شماره‌ی دو، تحت عنوان «آموزگاران و تحول»، از ده نکته‌ی برجسته در سند تحول راه‌بردی آموزش و پرورش سخن گفتیم و زمینه‌های تحول در نظام تعلیم و تربیت کشور و عملیاتی ساختن هر یک را شرح دادیم. در همین نکته‌ی مندرج در یادداشت مذکور یادآور شدیم: «با توجه به توسعه‌ی روزافزون فناوری‌های اطلاعاتی و پیدایش رسانه‌های نو پدید، مدرسه باید مکانی برای ارائه‌ی آموزش‌های مرتبط باسواد رسانه‌ای باشد».

به خاطر این که معتقدیم باید به مرور برای اجرایی کردن بندهای ده‌گانه‌ی سند تحول گام برداریم، در این شماره مقاله‌ای را درباره‌ی آشنا ساختن دانش‌آموزان با



## همت مضاعف، کار مضاعف برگ اشتراک مجله‌های رشد

### شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک‌ساله مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمايش (سرخه‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک بایست‌سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

◆ نام مجله‌های درخواستی:

.....  
.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ تاریخ تولد:

.....

◆ میزان تحصیلات:

.....

◆ تلفن:

.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....

استان: ..... شهرستان: .....

.....

خیابان:

.....

پلاک: ..... شماره‌ی پستی:

.....

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

کد اشتراک: .....

امضا:

۱۵۸۷۵/۶۵۶۷

● صندوق پستی مرکز بررسی آثار:

۱۶۵۹۵/۱۱۱

● صندوق پستی امور مشترکین:

www.roshdmag.ir

● نشانی اینترنتی:

۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۵۱۱۰

● امور مشترکین:

۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

● پیام‌گیر مجله‌های رشد:

یادآوری:

- ◆ هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- ◆ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.



می‌کند. لازم به ذکر است، اگر چه مطالعه‌ی روزنامه و مجله از نیازهای ضروری دانش‌آموزان محسوب می‌شود، اما باید با انتخاب صحیح، این نیاز به درستی پاسخ داده شود. بنابراین، یکی از نکات مهم، «انتخاب» مجله و روزنامه است.

## هر رسانه، یک کلاس است

برای این که به تفکیک با آن چه دانش‌آموزان از مطالعه‌ی انواع روزنامه‌ها و مجله‌ها می‌آموزند آشنا شویم و بتوانیم با استفاده از رسانه‌های نوشتاری، مهارت‌هایی را در دانش‌آموزان تقویت کنیم، انواع رسانه‌های مکتوب و اثر آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

### ۱. ورزشی

**مهارتی که می‌آموزند:** تحلیل اخبار، آشنایی با اصطلاحات ورزشی و آشنایی با کلمه‌های جدید، به ویژه کلمه‌های مرتبط با رشته‌های ورزشی.

**روش کار:** یک نمونه مجله و یک نمونه روزنامه‌ی ورزشی معتبر را انتخاب کنید. از بین خبرها، یک خبر و یک گزارش را تعیین کنید و هر کدام را جداگانه همراه بچه‌ها بخوانید و درباره‌ی آن بحث کنید. کلمه‌های جدید را برای دانش‌آموزان معنی کنید. سپس فهرست کلماتی را که دانش‌آموزان شیوه‌ی تلفظ یا مفهوم آن‌ها را نمی‌دانند، روی تخته‌ی کلاس بنویسید و درباره‌ی هر یک توضیح دهید. با تکرار این کار، دانش‌آموزان به تدریج با اصطلاحات ورزشی، کلمه‌های تازه و نیز نحوه‌ی تهیه‌ی خبر و اصول گزارش نویسی، متناسب با سبب‌شناسی آشنا می‌شوند. این روش می‌تواند برای مجله‌هایی با موضوع‌های تخصصی دیگر چون مجله‌های هنری، علمی و اقتصادی نیز تکرار شود.

### ۲. ماهنامه‌ها

**مهارتی که می‌آموزند:** با توجه به تنوع ماهنامه‌ها، اعم از علمی، هنری، اقتصادی و اجتماعی، انتخاب هر یک می‌تواند مهارت‌هایی چون یادگیری لغت‌ها، ساختار ماهنامه، شیوه‌ی نگارش و انتخاب موضوع در ماهنامه‌ها را به دانش‌آموزان بیاموزد.

**روش کار:** یک نمونه از هر ماهنامه را با موضوع تخصصی انتخاب و هر ماه یکی از آن‌ها را بررسی کنید. برای دانش‌آموزان پنج موضوع را انتخاب کنید و از آن‌ها بخواهید مطلب‌های مورد نظر را مطالعه کنند و خلاصه‌ای از آن چه را متوجه شده‌اند، با انشای خودشان بنویسند. سپس درباره‌ی نوع گزارش و خبرنگاری در ماهنامه‌ها و انتخاب موضوع و دیگر مسائل مرتبط با آن‌ها صحبت کنید.

### ۳. کمیک استریپ

**مهارتی که می‌آموزند:** شاید پیش از تقویت مهارت خواندن، پی‌گیری داستانی کمیک استریپ و آشنایی با این نوع روایت داستان،

## رسانه‌های مکتوب منتشر کرده‌ایم.

احتمالاً شما هم یادتان می‌آید که در ابتدای یادگیری حروف الفبا، یکی از تکالیف، جمله‌سازی با استفاده از حروف روزنامه بود. دانش‌آموز باید این حروف را از بین حروف درشت روزنامه انتخاب و با چسباندن آن‌ها به هم، به تدریج کلمه و بعد هم جمله می‌ساخت. این تنها استفاده‌ی آن زمان ما از یک رسانه‌ی مکتوب بود؛ البته گاهی معلم‌های خوش ذوقی هم داشتیم که خواندن روزنامه و مجله را برای آشنایی بیشتر ما با کلمه‌ها و جمله‌ها توصیه می‌کردند.

اما انگار امروزه در امر آموزش، کاربردهای دیگری نیز از این رسانه وجود دارد! با مطالعه‌ی مجله و روزنامه در زمینه‌های گوناگون، می‌توان هم کلمه‌های جدیدی را آموخت و هم با شیوه‌ی نوشتاری هر کدام از این جراید بیشتر آشنا شد. این نوشته ترجمه‌ای است از یک منبع انگلیسی، با موضوع تأثیر مطالعه‌ی انواع مجله‌ها و روزنامه‌ها در آموزش بهتر به دانش‌آموزان. رسانه‌های مکتوب از منابع مهم و تأثیرگذار برای اطلاع‌رسانی در زمینه‌های گوناگون به شمار می‌روند. هر چند که اطلاع‌رسانی، از شاخص‌ترین کاربردهای این رسانه‌هاست، اما بی‌تردید تنها کاربرد آن‌ها نیست. مطالعه‌ی این منابع اطلاع‌رسانی، نه تنها اطلاعات و خبرهای جدید را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد، بلکه می‌تواند در روند فراگیری دانش‌آموزان آثاری به شرح زیر ایجاد کند:

۱. **ارتقای سطح آگاهی:** به روز بودن اخبار روزنامه‌ها و مجلات و بحث و گفت‌وگو درباره‌ی آن‌ها در کلاس، باعث زنده و پویا شدن کلاس درس و آموزش می‌شود. به این معنی که انتخاب برخی اخبار مناسب با سن دانش‌آموزان و صحبت درباره‌ی آن‌ها، می‌تواند دانش‌آموزان را در جریان آخرین یافته‌های علمی، هنری، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی قرار دهد. هم چنین ذهن دانش‌آموزان را با تازه‌ها درگیر می‌کند. این درگیری، ذهن را به تفکر وامی‌دارد و پرسش‌هایی را به دنبال می‌آورد.

۲. **ایجاد حساسیت:** دانش‌آموزان با مطالعه‌ی این منابع از آن چه در اطرافشان می‌گذرد، آگاه می‌شوند و به این ترتیب ذهنشان به مسائل حساس می‌شود.

۳. **تقویت مهارت‌های سه‌گانه:** مطالعه‌ی روزنامه‌ها و مجله‌ها، مهارت‌های خواندن، نوشتن و شنیدن را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند به این معنی که دانش‌آموزان به تدریج یاد می‌گیرند چگونه خبرهای مناسب را انتخاب کنند و یا بشنوند. از طرف دیگر، با مطالعه یا شنیدن خبر، دایره‌ی واژگان آن‌ها گسترش و مهارت نوشتاری‌شان افزایش می‌یابد.

۴. **برقراری ارتباط:** با مطالعه‌ی رسانه‌های مکتوب و آشنایی با لغت‌های جدید، مهارت صحبت کردن و برقراری ارتباط اجتماعی دانش‌آموز ارتقا می‌یابد؛ چرا که با آگاهی از اخبار جدید، می‌تواند در بحث‌های گروهی شرکت و اظهار نظر کند.

۵. **عادت به مطالعه:** با این روش دانش‌آموز به مطالعه عادت



### مرحله‌ی تکمیلی

پس از یک دوره‌ی حدوداً یک تا دو ماهه‌ی بررسی و آشنایی دانش‌آموزان با انواع مجله‌ها، روزنامه‌ها و کتاب‌های مناسب با سستان، مرحله‌ی تکمیلی آموزش فرا می‌رسد. در این مرحله می‌توان به تدریج به سه روش آموخته‌ها را مرور کرد:

- انتخاب تعدادی کلمه، مرتبط با موضوع‌های ورزشی، هنری، علمی و اقتصادی تا دانش‌آموزان با آن‌ها، گزارش، خبر یا داستانی درباره‌ی یک موضوع بنویسند.
- انتخاب تعدادی نقاشی و کپی کردن از روی آن‌ها، به شکلی که دانش‌آموزان بتوانند براساس نقاشی‌ها یا کمیک‌هایی که به آن‌ها داده شده است، داستان بنویسند.
- تهیه‌ی روزنامه، ماهنامه یا کتاب به انتخاب بچه‌ها به صورت گروهی. به این ترتیب، بچه‌ها مهارت‌های آموخته شده از مطالعه و بررسی هر یک از انواع مجله‌ها، روزنامه‌ها و کتاب را مجدداً مرور می‌کنند و به خوبی فرامی‌گیرند.

منبع  
<http://www.readingrockets.org/article/20793>

نظر دانش‌آموزان را به خود جلب کند. فراگیری مهارت نقاشی کردن، داستان سرایی و خلاقیت ذهن برای نوشتن داستان، از جمله مهارت‌هایی است که بچه‌ها از مطالعه‌ی این مجله‌ها می‌آموزند.

**روش کار:** مجلات کمیک استریپ، با داشتن تصویرهایی عموماً گویا و نوشته‌های کوتاه، شاید بیش از هر مجله‌ی دیگر نظر دانش‌آموزان را به خود جلب کند. ابتدا درباره‌ی این نوع مجله‌ها با دانش‌آموزان صحبت کنید و سپس از آن‌ها بخواهید مثل مجله، داستانی را انتخاب و براساس آن طراحی کنند. به این ترتیب، قوه‌ی تخیل و داستان سرایی، نقاشی و مهارت نوشتن دانش‌آموزان تقویت می‌شود. به دلیل ویژگی‌های خاص این نوع آموزش، از دانش‌آموزان بخواهید هر جلسه داستان کوتاهی را به همین شکل بنویسند.

### ۴. کتاب‌های مصور

**مهارت‌هایی که می‌آموزند:** این نوع کتاب‌ها بیشتر برای دانش‌آموزان پایه‌های اول و دوم ابتدایی مناسب است. با مطالعه‌ی این کتاب‌ها، آموزش نوشتاری - دیداری انجام می‌شود؛ به این معنی که دانش‌آموزان به طور هم‌زمان تصویر و نوشتار را می‌بینند و املا و تلفظ صحیح کلمات را همراه با تصویر آن به خاطر می‌سپارند.

**روش کار:** برای هر جلسه یک کتاب تصویری انتخاب کنید. ابتدا بدون خواندن داستان، از بچه‌ها بخواهید براساس تصاویر کتاب، داستانی بگویند یا بنویسند (برای پایه‌ی اول ابتدایی، گفتن داستان و برای پایه‌ی دوم نوشتن داستان مد نظر است). سپس داستان واقعی خود کتاب را برای آن‌ها بخوانید. به این ترتیب بچه‌ها برای یک کتاب دو داستان (یکی داستان خود و دیگری داستان کتاب) خواهند داشت. این فعالیت، نخست مهارت گفتن یا نوشتن داستان را به آن‌ها می‌آموزد و بعد آن‌ها را به استفاده از کلمات متنوع برای گفتن یا نوشتن داستان وای می‌دارد.

# کلاغ‌ها کبوترها

استدلال



وقتی کبوتری شروع به معاشرت با کلاغ‌ها می‌کند، پرهایش سفید می‌ماند، ولی قلبش سیاه می‌شود.